

تاریخ تحلیلی فتاویٰ حجاب از اواخر قرن سیزدهم

واکنش‌ها به «مسئله حجاب» – ۶



محسن کدیور

۱۰ آذر ۱۴۰۲

خلاصه قسمت پنجم:

آقا موسی شبیری زنجانى در كتاب جرعه‌اى از دريائى خود نقل كرده كه در سال ۱۳۵۰ به اغواى شخصى باور كرده كه «مرحوم مطهرى در مسأله ولايت خيلى محكم نيست». البته بعداً متوجه اشتباه خود شده است. به نظر محمدحسين حسيني تهراني، كتاب مسئله حجاب مطهرى خلل دارد، زيرا حجاب استاندارد شده را مشخص نكرده و اختيار را به خود زنان داده است!

آقاى شبيري در سال تحصيلي ۱۳۷۸-۱۳۷۷ طي ده جلسه در درس خارج فقه خود آراء استاد مطهرى را مورد بررسى قرار داده و در مجموع بيست و دو اشكال به مطهرى مطرح كرده است، كه هفت اشكال آن وارد است:

۱. ادعاى عدم جواز توصيف زيبايى‌هاى زنان ديگر از سوى زن براى شوهر خود.
۲. اين پندار كه ام فروه در روايت مذكور در پاورقى كتاب، دختر امام صادق بوده، نه مادر ايشان.
۳. ادعاى اتفاقي بودن جواز كشف وجه در ستر ناظرى.
۴. ادعاى عدم فتواى مخالف در عدم وجوب ستر وجه و كفين.
۵. خطا در ترجمه «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ» (احزاب: ۵۹).
۶. آيه جلباب در سورة احزاب قبل از آيه غضّ در سورة نور نازل شده است، نه بعد از آن.
۷. در تفسير آيه جلباب، ادله تاريخى بر تمايز زن آزاد از كنيز دلالت دارد، كه عملاً به تمايز زن عفيف از زن بى بند و بار منجر مى شده است.

هيچ كدام از اين اشكالات خللى در مقصود كتاب (جواز كشف وجه و كفين، جواز نظر به آن دو موضع بدون تلذذ و ريبه، و جواز حضور زن در اجتماع با رعايت پوشش شرعى) وارد نمى كند.

از آقاى شبيري بابت نقد دقيق و يافتن اين اشكالات وارد بايد تشكر كرد.

از دو اشكال مندرج در كتاب جرعه‌اى از دريا بر كتاب مسئله حجاب، اشكال نخست وارد نيست. اشكال دوم اگرچه وارد است، اما "اشتباه عجيبى" نيست و كمترين تأثيرى در استنباط فقهى جواز حضور زن در اجتماعات ندارد.

برخى اشكالات آقاى شبيري به استاد مطهرى با فتاواى خود ايشان هم ناسازگار است!^۱

سه نقد آقاى شبيري به استاد مطهرى (زياد نبودن اطلاعات عمومى فقهى-رجالى، معمولى بودن از حيث تتبع، و اتكا به حافظه) نقدهاى واردى هستند. اما نقد ايشان به كتاب مسئله حجاب (خيلى از مطالب با اتكا به حافظه نوشته شده و نقص‌هاى فقهى آن زياد است) قابل مناقشه است: هفت اشكال فقهى كه هيچ كدام اساسى نيست و خللى به مقصود كتاب وارد نمى كند، نقص‌هاى زيادى نيست.

مسئله حجاب مطهرى كتابى براى مخاطب عمومى بوده است. از آن نمى توان دقت‌هاى ميكروسكوپى فقهى حوزه‌هاى علميه را انتظار داشت. آقاى شبيري على الاغلب با غفلت از اين نکته، كتاب مطهرى را همانند يك كتاب فقهى كه براى مخاطب حوزوى نوشته شده، نقد كرده است.

^۱ «براى من خيلى تبديل رأى و تجديد نظر روى مى دهد.» (سيد موسى شبيري زنجانى، جرعه‌اى از دريا، قم: مؤسسه كتاب‌شناسى شيعه،

در مقدمه بخش اول این تحقیق نوشته بودم: این تحقیق شامل پنج بخش و یک خاتمه به شرح ذیل است: واکنش‌ها به «مسئله حجاب»، محمدتقی شریعتمداری و استاد مطهری، سیری در نقدهای منتشرشده «مسئله حجاب»، ولایتی‌ها و مسئله حجاب، و شبیری زنجانی و «مسئله حجاب».^۲ این پنج بخش به یاری خدا منتشر شد. در انتهای بخش پنجم خبر داده بودم که این تحقیق بخش دیگری خواهد داشت که بخش آخر هم خواهد بود به نام «مسئله حجاب» در بوته نقد.^۳ در ضمن تدوین بخش ششم، مطلب مفصل‌تر از آن که پیش‌بینی کرده بودم از آب درآمد، بخش ششم را در این مجال عرضه می‌کنم با عنوان «تاریخ تحلیلی فتاوی حجاب از اواخر قرن سیزدهم» و بخش هفتم که احتمالاً آخرین بخش این تحقیق خواهد بود با عنوان «مسئله حجاب» در بوته نقد، همراه با خاتمه، در مجال بعدی عرضه خواهد شد.

از انتشار بخش پنجم حدود سه ماه می‌گذرد. برخلاف بخش‌های پنج‌گانه، این بخش زمان بیشتری برای تدوین گرفت. خصوصاً این که بر خلاف بخش‌های قبلی، قبلاً پیش‌بینی و تحقیق نشده بود. اشتغالات شخصی و دل‌نگرانی‌ها از وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای هم به این تأخیر دامن زد.^۴ امیدوارم بخش هفتم (و آخر) با سرعت بیشتری در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

قبل از هر چیز، در این مقدمه عنوان بخش را توضیح می‌دهم: «تاریخ تحلیلی فتاوی حجاب از اواخر قرن سیزدهم». این تحقیق از سنخ تاریخ اندیشه و به شکل خاص، تاریخ فقه است. این تاریخ‌نگاری هم به شیوه تحلیلی و به شکل دقیق‌تر، تحلیل انتقادی صورت گرفته است. این تاریخ‌نگاری تحلیلی انتقادی به «فتاوی حجاب» اختصاص دارد. به عبارت دیگر، مطالعه موردی است. مراد از فتاوی حجاب دقیقاً احکام زیر است: (۱) حکم لباس زن نمازگزار؛ (۲) کدام زن‌ها از برخی قیود این لباس معافند؟؛ (۳) حکم لباس زن محرم در زمان حج و عمره و مشخصاً بررسی حکم روگرفتن از نامحرم (که به پوشاندن صورت می‌انجامد)؛ (۴) حکم پوشش بدن زن، مشخصاً صورت و دو دست، در مقابل ناظر نامحرم؛ (۵) حکم پوشش زنانی که به سن رسیدگی رسیده‌اند (که امید ازدواج ندارند)؛ (۶) حکم نگاه مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت (این مهم‌ترین حکم مسئله حجاب در این مقطع است)؛ (۷) حکم نگاه به بدن زنان غیرمسلمان، خصوصاً اعضای که عادتاً نمی‌پوشانند، بدون قصد لذت؛ (۸) حکم نگاه زن به بدن مرد نامحرم، خصوصاً اعضای که نمی‌پوشانند، بدون قصد لذت.

البته گاهی به ضرورت، احکام دیگر مرتبط با مسئله حجاب هم مورد بحث قرار گرفته است، اما تمرکز بر این هشت حکم است. در این بخش تحقیق به فقه استدلالی کاری ندارم، و صرفاً فقه فتوایی را گزارش و تحلیل کرده‌ام. فقه فتوایی احکام وجوب، حرمت، احتیاط وجوبی و استحبابی فعل یا ترک، و جواز فعل یا ترک در حوزه پوشش و نگاه را شامل می‌شود. قلمرو زمانی تحقیق از اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی تا زمان حاضر را شامل می‌شود. مبدأ

^۲ واکنش‌ها به «مسئله حجاب» (۲۲ مرداد ۱۴۰۲).

^۳ شبیری زنجانی و «مسئله حجاب» (واکنش‌ها به «مسئله حجاب» - ۵، ۲۷ شهریور ۱۴۰۲).

^۴ بنگرید به بیانیه درباره فلسطین (۱۲ آبان ۱۴۰۲).

زمانی تحقیق، عصر مشروطه است؛ دهه هشتاد قرن سیزده هجری شمسی، زمان تحولات اجتماعی، سیاسی و البته دینی در ایران. این تحقیق یکصد و بیست سال فتاوی فقهی شیعه را در برمی گیرد. در گزارش تحلیلی فتاوا از مراجع اعلای تشیع، خصوصاً فقهای که کتاب فتوایی سرمشق تدوین کرده‌اند، مراد از «مراجع تقلید اعلای» مراجع تقلیدی هستند که علاوه بر دانش فقهی و تقوا، از بالاترین مقبولیت در حوزه‌های علمیه و میان مردم برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، غالباً آن‌ها را اعلیٰ فقهای زمانه معرفی کرده‌اند و از حیث تعداد طلاب جلسه درس و تعداد مقلد، در رده اول بوده‌اند. در این مقطع، شش نفر واجد چنین شرایطی بوده یا هستند: آقایان سید محمدکاظم یزدی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین بروجردی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، و سید علی سیستانی.

چهار فقیه نخست «کتاب فقه فتوایی سرمشق» تدوین کرده‌اند، یعنی کتبی که فقهای بعدی فتاوی خود را به عنوان حاشیه بر کتاب ایشان درج کرده‌اند و این حواشی مدرک اجتهاد آن‌ها محسوب می‌شود: العروة الوثقی سید یزدی، وسیله النجاة سید اصفهانی، توضیح المسائل فارسی سید بروجردی، و منهاج الصالحین سید حکیم. فتاوی این شش نفر و خصوصاً صاحبان کتب فتوایی سرمشق با شمول و دقت بیشتری تحلیل انتقادی شده‌اند. با این که آقای خمینی در زمره شش مرجع تقلید اعلا نبوده و کتاب فتوایی سرمشق هم نداشته، به دلیل نفوذ اجتماعی، سیاسی و البته دینی غیرقابل اغماض در ایران، فصل مستقلی به فتاوی ایشان اختصاص یافته، که اتفاقاً طولانی‌ترین فصل این بخش تحقیق است. فتوای آقای خمینی در مسئله نگاه، حوالی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۹ دچار تحول شده است، اما راه یافتن این فتوای جدید به توضیح المسائل ایشان در بهمن ۱۳۶۷ صورت گرفته، تحریر الوسيلة هم هرگز مورد تجدید نظر قرار نگرفته است. اغلب قریب به اتفاق استفتائات ایشان مبتنی بر فتوای جدید، چند دهه بعد از درگذشت ایشان منتشر شده است. مدارک دست اولی درباره تحول فتوای ایشان و علل به تأخیر انداختن اعلام آن در این بخش از تحقیق عرضه شده است.

فتوای آقای سید محسن حکیم در طبع نهم کتاب فتوایی سرمشق منهاج الصالحین در سال ۱۳۴۵ تغییر می‌کند. این بزرگ‌ترین تبدیل فتوایی در مسئله حجاب، آن هم از ناحیه مرجع اعلای دهه چهل است. جزئیات این تبدیل فتوا از کتاب‌های مختلف سید حکیم از جمله مستمسک العروة الوثقی و خصوصاً طبع‌های مختلف منهاج الصالحین از جالب‌ترین فصول زندگی فقهی این فقیه بصیر است. این فتوای جدید، نقطه عطفی در تاریخ فقه فتوایی شیعه محسوب می‌شود، یعنی فتاوی بحث نگاه به شکل کاملاً معنی‌داری قبل و بعد از این فتوا تغییر کرده است و فقه فتوایی شیعه به سوی نوعی توسع و مسامحه در مسئله نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت پیش رفته است.

فصل مستقلی به تحلیل انتقادی و فتاوی شصت و هشت مرجع تقلید شیعه (چهل فقیه قبل از فتوای سال ۴۵ و بیست و هشت فقیه بعد از آن) اختصاص داده شده است. شیب تند فتاوی به سوی جواز نگاه مذکور، بعد از سال ۴۵ به شکل علمی نمایش داده شده است. در حقیقت سید حکیم صف‌شکنی کرد و بعد از ایشان فتوا در این زمینه مؤونه کمتری داشت.

در این تحول فتوایی، قطعاً فتوای جدید سید حکیم در طبع نهم منهاج الصالحین بیشترین تأثیر را در حوزه‌های

علمیه داشته است. چاپ اول کتاب مسئله حجاب مرتضی مطهری در اسفند ۱۳۴۷ منتشر شد. او در آن زمان از فتوای مذکور اطلاعی نداشت، اما مشی کتاب دقیقاً در راستای فتوای جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت است. مطهری در مهر ۱۳۴۸ در چاپ دوم مسئله حجاب، فتوای آقای حکیم را با احترام تمام نقل کرده است و فصل جدیدی در مورد فتاوا به کتاب افزوده است. کتاب مطهری بی‌شک عامل مهمی در جا افتادن اجتماعی و فرهنگی این رویکرد در میان زنان و دختران تحصیل‌کرده شهری بوده است. عامل سوم تحول گفتمان حجاب، وقوع نهضت اسلامی در دهه پنجاه منجر به انقلاب بهمن ۱۳۵۷ است. حضور سنگین زنان در تظاهرات و بعد جهاد سازندگی و نهادهای مشابه انقلابی جز با گفتمان جدیدی در مسئله پوشش زن مسلمان و نگاه به صورت و دست‌های او ممکن نبود. زنان و دختران تحصیل‌کرده مطالبه خود را به فقها تحمیل کردند. گفتمان جدید معلول این سه عامل است که در فصل آخر به اختصار تحلیل شده است.

جایگاه و اهمیت کتاب مسئله حجاب مطهری بدون مطالعه تاریخ تحلیلی فتاوی حجاب در قرن سیزدهم هجری شمسی درک نمی‌شود، کاری که در این بخش تحقیق صورت گرفته است. از سوی دیگر، تغییر فتوای آقای حکیم ممکن است به نظر چیز کوچک و کم‌اهمیتی بیاید، اما در فضای فقهی دقیقاً برعکس است. در حقوق و فقه، تغییر احکام بسیار کند و آهسته صورت می‌گیرد. این حوزه منطق خود را دارد. مطالعه تاریخ تحلیلی فتاوی حجاب از قرن سیزدهم درس‌های زیادی به ما می‌آموزد. در چهارچوب گفتمان اجتهاد سنتی، صورت زن الزاماً باید از مرد نامحرم پوشیده شود. این اتفاق فقهی سنی و شیعه است. فتاوی اهل سنت – که در این تحقیق بررسی نشده است – به مراتب از فتاوی فقهای شیعه شدید و غلیظ‌تر است.^۵ به همت فتوای جدید آقای حکیم، کتاب مطهری و استقامت زنان در زمان انقلاب و پس از آن آشکار بودن صورت زنان و دست‌هایشان و نگاه بدون قصد لذت به این مواضع شرعاً مجاز است. این تغییر کمی نیست.

این که کسی بگوید در کتاب و سنت دلیل و مدرکی برای پوشاندن موی زن نیست، از جهالت گوینده است. نهایتاً می‌تواند ادعا کند که در تلقی گوینده، آیات و روایات به مطلوب دلالت ندارد. هم‌چنان که در بازار مکاره معاصر «ضد علم» در قالب طب سنتی و طب اسلامی عرضه می‌شود،^۶ در همین بازار، خصوصاً بعد از اعتراض‌های زن، زندگی، آزادی شاهد تولید «ضد فقه» هستیم، یعنی مطالبی در بحث حجاب که به ظاهر صبغه فقهی دارند، اما متأسفانه غیرموثق، غیرکارشناسانه، و غیرقابل اعتماد هستند.

این بخش شامل سیزده بحث است که در ضمن پنج فصل به شرح ذیل تنظیم شده است: فتاوی فقهای سرمشق درباره حجاب، نقطه عطف فتاوی حجاب، تحولات فتوایی فقیه انقلابی در مورد حجاب، دسته‌بندی فتاوی پوشش و نگاه از اواخر قرن سیزدهم، عوامل سه‌گانه تحول گفتمان حجاب. در انتهای هر فصل و بحث و قسمت، خلاصه مطلب را آورده‌ام. کسانی که حوصله مطالعه مباحث سنگین فقهی را ندارند، می‌توانند به مطالعه این خلاصه‌ها یا

^۵ بنگرید به محسن کدیور، حجاب در روایات و فتاوی اهل سنت، تاملی در مسئله حجاب - ۳، ۲۳ مرداد ۱۳۹۱.

^۶ بنگرید به محسن کدیور، طب اسلامی: نجات‌بخش انسان یا جهل و خرافات؟ ۲۸ تیر ۱۴۰۲.

جمع‌بندی‌ها مراجعه کنند. پیشاپیش از تذکر و نقد ارباب نظر استقبال می‌کنم.^۷

فصل اول. فتاوی فقهای سرمشق درباره حجاب



«فقهای سرمشق» فقهایی هستند که کتاب فتوایی ایشان مورد قبول فقهای بعدی قرار گرفته و دیگر فقها بر کتاب ایشان تعلیقه زده‌اند. فتاوی فقیه سرمشق باید از اعتبار بالایی برخوردار باشد که کتاب مرجع دیگر فقها واقع شده باشد. البته ارجاع هر فقهی به کتاب استاد خود رایج است، اما بحث در ارجاع به غیراستاد است. در این دوران، حداقل چهار کتاب فقه فتوایی از چنین موقعیتی برخوردار شده‌اند: العروة الوثقی آقا سید محمدکاظم یزدی، وسیله النجاة آقا سید ابوالحسن اصفهانی، رساله عملیه توضیح المسائل آقا سید حسین بروجردی، و منهاج الصالحین آقا سید محسن حکیم. از این چهار کتاب، العروة الوثقی سید یزدی مهم‌ترین کتاب فقه فتوایی شیعه در یک‌صد و بیست سال اخیر، و رساله عملیه توضیح المسائل سید بروجردی مهم‌ترین کتاب فقه فتوایی شیعه به زبان فارسی در هفتاد سال اخیر است. فتاوی سه کتاب نخست در این فصل و فتاوی کتاب اخیر به دلیلی که خواهد آمد، جداگانه در فصل بعدی بررسی می‌شود. این فصل شامل سه بحث به شرح ذیل است: فتاوی صاحب عروة، فتاوی

^۷ در این بخش از کمک جمعی از دوستان برخوردار بوده‌ام. از آن‌ها که اجازه ذکر نامشان را دادند: آقای حسن الصراف در دسترسی به نسخه‌های مختلف منهاج الصالحین در نجف خصوصاً کتابخانه سید حکیم؛ آقایان محمدکاظم تقوی و حسن پویا از دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی - دفتر قم بابت در دسترس گذاشتن برخی نسخ توضیح المسائل و استفتائات آقای خمینی؛ و آن‌ها که به دلیل شرایط نامطلوب جامعه، اجازه ذکر نامشان را ندادند: یکی از فضلاء حوزه علمیه قم بابت در دسترس گذاشتن تعدادی از رساله‌های توضیح المسائل مراجع مختلف؛ یکی از اساتید دانشگاه‌های تهران بابت در دسترس گذاشتن برخی کتب سرگذشت مراجع تقلید؛ و بالأخره یکی از طلاب جوان حوزه علمیه قم که همانند بخش‌های قبلی دستیار این تحقیق بوده است. از یکایک این دوستان صمیمانه تشکر می‌کنم. بدیهی است نگارنده مسئول برداشت از مدارک موجود است، و مسئولیتی متوجه ایشان نیست.

صاحب وسیله، و فتاوی صاحب توضیح المسائل.

بحث اول. فتاوی صاحب عروه

آقا سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (۱۲۹۸-۱۲۱۱) یکی از بزرگ‌ترین فقهای قرن سیزدهم شیعه، همراه با آخوند ملاکاظم خراسانی (۱۲۹۰-۱۲۱۸)^۸ یکی از دو مرجع اعلای تشیع در نیمه دوم قرن سیزدهم و پس از درگذشت آخوند خراسانی مرجع اعلای تشیع بوده است.^۹ کتاب العروه الوثقی (تدوین در سال ۱۲۸۳) از زمان تألیف تا کنون مهم‌ترین کتاب فتوایی شیعه است، به نحوی که یکی از شواهد اجتهاد، تعلیقه بر کتاب مذکور است. صاحب عروه در دو موضع فتاوی خود را درباره پوشش زنان و نگاه کردن به ایشان ابراز کرده است. ترجمه دقیق اهم این فتاوا را با ترتیبی منطقی در چهار قسمت به شرح ذیل ارائه می‌کنم: پوشش زن در نماز، پوشش زن در برابر نامحرم، و نگاه کردن به زنان. قسمت‌های چهارم و پنجم این بحث فتاوی فارسی وی در منتخب الرسائل است. رئیس فتاوی صاحب عروه درباره پوشش و نگاه به زبان ساده هفتمین و آخرین قسمت این بحث است.

الف. پوشش زن در نماز

«بر زن واجب است در نماز تمام بدنش، حتی سر و موی خود - غیر از صورت (مقداری که در وضو شسته می‌شود)، دو دست تا مچ، و دو پا تا مچ (روی پا و کف پا) - را بپوشاند. واجب است مقداری از اطراف مستثنی‌ها [ای سه‌گانه] را از باب مقدمه بپوشاند. بر زن واجب است گردن و زیر گردن خود را نیز در حال نماز بپوشاند. پوشش کنیز (در مستثنی و مستثنی منه) همانند زن آزاد است، مگر این که بر وی واجب نیست در نماز سر، مو و گردن خود را بپوشاند. دختر غیربالغ - همانند کنیز - در حال نماز واجب نیست سر، مو و گردن خود را بپوشاند.»^{۱۰}

ب. پوشش زن در برابر نامحرم

«بر زن واجب است تمام بدنش - غیر از وجه و کفین - را از غیر زوج و غیر محارم بدون تلذذ و ریه بپوشاند. اما با تلذذ و ریه [حتی وجه و کفین را] باید بپوشاند. و نظر [با تلذذ و ریه] حتی نسبت به محارم و نسبت به وجه و کفین حرام است، و احوط پوشاندن آن‌ها از محارم است. ... و احوط [استحبابی] مطلقاً [حتی بدون تلذذ و ریه] پوشاندن وجه و کفین از غیر محارم است.»^{۱۱}

«لخت شدن زن مسلمان در حضور زنان یهودی و مسیحی - بلکه مطلق زنان کافر - مکروه است، [چرا که] آن‌ها صفات بدن زن مسلمان را برای شوهرانشان توصیف خواهند کرد. و قول به حرمت در آیه "أَوْ نِسَائِهِنَّ" [نور ۳۱] - که [در نتیجه جواز کشف] مختص زنان مسلمان باشد - ضعیف است، چرا که احتمال دارد مراد از "نِسَائِهِنَّ"

^۸ علی‌رغم تفحص فراوان، فتوایی در بحث حجاب از آخوند خراسانی پیدا نکردم.

^۹ برای آشنایی بیشتر با صاحب عروه، بنگرید به: کامل سلمان الجبوری، السید محمد کاظم البزیدی سیرته وأضواء علی مرجعیه ومواقفه ووثائقه السیاسیه، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۵، ۸۱۵ صفحه؛ و سید مصطفی محقق داماد، مکتب اجتهادی سید طباطبایی یزدی در فقه معاملات، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۷، ۳۶۸ صفحه.

^{۱۰} سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروه الوثقی والتعلیقات علیها، إعداد و تحقیق و طبع مؤسسه السبطين العالمیه، قم: ۱۳۸۹ ش، کتاب الصلاة، فصل فی الستر والساتر، مسئله ۳، ۶ و ۷، ج ۶، ص ۲۱۵-۲۱۳.

^{۱۱} طباطبایی یزدی، العروه الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب الصلاة، [مقدمه] فصل فی الستر والساتر، ج ۶، ص ۲۰۸-۲۰۶.

کنیزان و زنان آزاد خدمتکار ایشان باشد.»^{۱۲}

«بر زنان پوشاندن خود [از مردان نامحرم] واجب است، آن چنان که بر مردان نظر [به زنان نامحرم] حرام است. اما بر مردان پوشاندن خود واجب نیست، و اگرچه بر زنان نظر به ایشان حرام است. آری حال مردان نسبت به عورت [خودشان مشابه] حال زنان است [از حیث وجوب پوشاندن]. بر مردان پوشاندن خود واجب است با علم به نظر عمدی زنان به ایشان از باب حرمت اعانت بر گناه.»^{۱۳}

پ. نگاه کردن به زنان

«[با تلذذ و ریه] نگاه کردن حتی به محارم و به وجه و کفین [ایشان] حرام است.»^{۱۴}

«نگاه کردن به زن نامحرم در غیر ضرورت جایز نیست. نظر زن به مرد نامحرم نیز در غیر ضرورت جایز نیست. جماعتی [از جواز نظر به زن نامحرم، نظر به] وجه و کفین را استثنا کرده‌اند، پس قائل به جواز نگاه کردن به این دو موضع در صورت عدم تلذذ و ریه شده‌اند، گفته شده است که [چنین نگاه کردنی بدون تلذذ و ریه] به این دو موضع یک بار جایز است و تکرار نگاه کردن جایز نیست. احوط منع [نگاه کردن به وجه و کفین] است مطلقاً [حتی بدون تلذذ و ریه، حتی یک بار].»^{۱۵}

«نگاه کردن کردن زن و شوهر به بدن دیگری، حتی شرمگاه، با تلذذ و بدون آن جایز است، بلکه برای هریک لمس عضو بدن دیگری با تلذذ و بدون آن جایز است. کنیز به نسبت صاحبش در حکم همسر اوست، در صورتی که مشرک، بت پرست، مرتد، در زوجیت غیر، و مکاتب نباشد. نگاه کردن برده به صاحبش در صورتی که زن باشد مجاز نیست. بردهٔ خواجه و ناتوان از مباشرت با زنان نیز همین حکم را دارد. بردهٔ مسنّ - که شبیه زنان از کار افتاده است - نیز بنا بر احتیاط همین حکم را [نسبت با صاحبش در صورتی که زن باشد] دارد.»^{۱۶}

«نگاه کردن به زنان اهل ذمه - بلکه مطلق کفار - بدون تلذذ و ریه (یعنی ترس از افتادن در حرام) جایز است. احوط اکتفا به مقداری است که عادت ایشان بر عدم پوشاندن است. گاهی زنان عرب روستایی و بیابان گرد و غیر ایشان نیز [در جواز نظر] به زنان اهل ذمه ملحق می‌شوند، این [آرای] مشکل است. آری، ظاهر عدم حرمت رفت و آمد در بازار و مانند آن [معايير عمومی] با علم به وقوع نظر به چنین زنانی است. اگر ترس از به فتنه افتادن نباشد، در چنین معابری فروهشتن چشم لازم نیست.»^{۱۷}

«از عدم جواز نظر به مرد و زن نامحرم مواردی استثنا می‌شود: [۱] مقام معالجه و لوازمش از قبیل گرفتن نبض، پانسمان زخم و خون گرفتن و حجامت و مانند آن‌ها، وقتی به همجنس دسترسی نباشد. بلکه دست زدن و لمس کردن هم جایز است. [۲] مقام ضرورت، مثلاً اگر نجات فرد از غرق شدن یا حریق و مانند آن‌ها مستلزم نظر یا

^{۱۲} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۲۸، ج ۱۵، ص ۱۸۸.

^{۱۳} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۵۱، ج ۱۵، ص ۲۱۲-۲۱۰.

^{۱۴} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب الصلاة، [مقدمة] فصل فی الستر والساتر، ج ۶، ص ۲۰۷.

^{۱۵} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۳۱، ج ۱۵، ص ۱۸۹-۱۹۰.

^{۱۶} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۲۹، ۳۳ و ۳۷، ج ۱۵، ص ۱۸۹، ۱۹۳-۱۹۱، و

۱۹۶.

^{۱۷} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۲۷، ج ۱۵، ص ۱۸۸-۱۸۶.

لمس باشد. [۳] معارضه با هر چه از نظر شارع رعایت آن از مراعات حرمت نظر و لمس اهمّ است. [۴] مقام شهادت، چه تحمل چه ادا، در صورت اقتضای ضرورت ...، [۵] و زنان از کارافتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، نسبت به آن چه رایج است از نپوشاندن قسمتی از مو و ساعد [از آرنج تا نوک انگشتان] و مانند آن، نه مثل پستان و شکم و مانند آن‌ها که عادت بر پوشاندنشان است. [۶] پسرپچه و دخترپچه غیرممیز: نظر به آن‌ها بلکه لمسشان مجاز است. پوشاندن بدن از آن‌ها واجب نیست، بلکه ظاهر جواز نظر به آن‌ها قبل از بلوغ است تا زمانی که نظر به آن‌ها یا نظر آن‌ها باعث فوران شهوت نشود.»^{۱۸} «اگر معالجه بر نظر بدون لمس یا لمس بدون نظر متوقف باشد، باید بر همان مقدار که به آن اضطرار است اکتفا کرد، و دیگری به جواز آن جایز نیست.»^{۱۹}

«[مرد] نابینا در حرمت نظر زن به او همانند [مرد] بیناست.»^{۲۰} «شنیدن صدای زن نامحرم اگر با تلذذ و ریه نباشد اشکالی ندارد. در این زمینه فرقی بین [مرد] بینا و نابینا نیست. اگرچه احتیاط ترک آن در غیر مقام ضرورت است. بر زن نیز به گوش رسانیدن صدایی که در آن تهییج شنونده است به زیبا کردن و نازک کردن حرام است. خداوند می‌فرماید: "پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند." [أحزاب: ۳۲]»^{۲۱}

«مصافحه (دست دادن) با زن نامحرم مجاز نیست. آری اگر پارچه‌ای حائل باشد، اشکالی ندارد. لمس محارم هم اشکالی ندارد.»^{۲۲} «تلازمی بین جواز نظر و جواز مس کردن نیست. اگر قائل به جواز نظر به وجه و کفین زن نامحرم شویم، مس آن [دست دادن] مجاز نیست، مگر با حائل شدن پارچه‌ای در بین.»^{۲۳}

«وصل کردن موی غیر به موی زن اشکالی ندارد و نظر کردن شوهر به آن جایز است با کراهت، بلکه احوط ترک [نظر شوهر به] آن است.»^{۲۴} «اختلاط زنان با مردان مکروه است، مگر پیرزنان. زنان مجاز به حضور در نماز جماعت و جمعه هستند.»^{۲۵}

ت. فتاوی فارسی در منتخب الرسائل

رساله منتخب الرسائل در بهمن ۱۲۸۹ به زبان فارسی منتشر شده^{۲۶} و حاوی فتاوی ذیل است:

عورت زن در نماز جمیع بدن است مگر روی و دو دست تا بند آن و دو پا تا ساق، و لکن در کنیز و صبیّه نابالغه پوشانیدن سر و گردن واجب نیست.^{۲۷}

^{۱۸} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۳۵، ج ۱۵، ص ۱۹۶-۱۹۴.

^{۱۹} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۴۸، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

^{۲۰} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۳۸، ج ۱۵، ص ۱۹۶.

^{۲۱} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۳۹، ج ۱۵، ص ۱۹۷-۱۹۶.

^{۲۲} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۴۰، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

^{۲۳} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۴۷، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

^{۲۴} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب نکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۴۶، ج ۱۵، ص ۲۰۱-۲۰۲.

^{۲۵} طباطبایی یزدی، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب نکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۴۹، ج ۱۵، ص ۲۰۲-۲۰۳.

^{۲۶} سید محمدکاظم طباطبایی [یزدی]، رساله منتخب الرسائل، تدوین سید ابوالقاسم موسوی نجفی اصفهانی، بغداد: مطبعة دار السلام، صفر ۱۳۲۹ ق، ۱۹۳ صفحه.

^{۲۷} طباطبایی یزدی، رساله منتخب الرسائل، ص ۶۳-۶۲.

بدان که حرام است نظر کردن مرد به بدن زن اجنبیه، حتی وجه و کفین او بنا بر احوط [وجوبی]، و هم چنین است به عکس. بلی جایز است نظر نمودن به زنی که اراده تزویج او را نموده، چنانچه جایز است نظر کردن به کنیزی که می خواهد او را بخرد، و هم چنین نظر به زن های ذمیه در آن چه متعارف آن ها عدم ستر آن است مادامی که ربه و تلذذی نباشد. چنانچه نظر کردن زن به زن و مرد به مرد در ماعدای عورت جایز است؛ و در حکم آن ها می باشند محارم؛ و از برای هر کدام از زن و شوهر است نظر کردن به یکدیگر حتی عورت.^{۲۸}

ث. رئیس فتاوی صاحب عروه درباره پوشش و نگاه به زبان ساده

یکم. در مقابل ناظر نامحرم، در صورت عدم تلذذ و ربه، پوشاندن صورت و دست ها بر زن واجب نیست، اما احتیاط مستحب پوشاندن این دو موضع است.

دوم. نگاه کردن به زن نامحرم در غیر ضرورت جایز نیست. نظر زن به مرد نامحرم نیز در غیر ضرورت جایز نیست. در مورد نگاه کردن به صورت و دست های زن نامحرم بدون تلذذ و ربه سه قول از جانب فقها ابراز شده است: جواز نگاه کردن، جواز نگاه اول و عدم جواز تکرار آن، ممنوعیت نگاه مطلقاً (حتی نگاه اول). به فتاوی صاحب عروه در کتاب نکاح، نگاه کردن به صورت و دست های زن نامحرم به احتیاط واجب ممنوع [حرام] است. فتاوی ایشان در کتاب صلاة احتیاط مستحب بود.

سوم. حکم فوق مختص زنان مسلمان بالغ آزاد از کارنیفتاده در غیر ضرورت است. بر کنیز پوشاندن صورت، دست ها، مو، سر و گردن واجب نیست. نگاه به این مواضع بدون تلذذ و ربه مجاز است. زنان از کارافتاده ای که امید به ازدواج ندارند مجازند قسمتی از مو و ساعد و مانند آن را نپوشانند.

چهارم. نگاه کردن به بدن زنان غیرمسلمان - در صورتی که ترس از افتادن در حرام نباشد - جایز است. احتیاط مستحب اکتفا به نگاه به موضعی است که عادتاً نمی پوشانند. ملحق کردن زنان مسلمان لایبالی به زنان غیرمسلمان در حکم مذکور مشکل است، اگرچه فروهشتن چشم از ایشان در معابر عمومی اگر ترس از به فتنه افتادن نباشد لازم نیست.

پنجم. اختلاط زنان با مردان مکروه است، مگر پیرزنان.

بحث دوم. فتاوی صاحب وسیله

آقا سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (۱۳۲۵-۱۲۳۳) مرجع اعلای شیعه بعد از آقایان شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۳۸-۱۳۱۵)^{۲۹} و میرزا محمدحسین نائینی (۱۳۱۵-۱۲۳۹) بوده است.^{۳۰} کتاب فتاوی ایشان وسیله النجاه (منتشر شده در سال ۱۳۰۱) یکی از مهم ترین کتب فتاوی شیعه در قرن چهاردهم است. ترجمه اهم آراء صاحب وسیله درباره پوشش و نگاه در دو قسمت به شرح زیر ارائه می شود: در پوشش و لباس نمازگزار، و کتاب زناشویی.

^{۲۸} طباطبایی یزدی، رساله منتخب الرسائل، ص ۱۴۰-۱۳۹.

^{۲۹} علی رغم تفحص فراوان، فتاوی درباره حجاب از شیخ عبدالکریم حائری یزدی پیدا نکردم.

^{۳۰} برای آشنایی بیشتر با ایشان بنگرید به: السید ضیاء الحسن، المرجعیة العامة: دراسة تحليلیة لحیة المرجع الدینی الاعلی آية الله العظمی السید ابوالحسن الموسوی الاصفهانی، بی جا: هیئة محمد الامین، ۱۹۹۱، ۲۵۱ صفحه؛ عبدالله احمد الیوسف، المرجعیة المتمیزة السید ابوالحسن الموسوی الاصفهانی أنموذجاً، القطیف: بی نا، ۲۰۱۱، ۱۰۹ صفحه.

در قسمت سوم، رئوس فتاوی صاحب وسیله درباره پوشش و نگاه به زبان ساده عرضه شده است.

الف. در ستر و ساتر [پوشش و لباس نمازگزار]

مسئله ۳. ... عورت زن که در نماز باید بپوشاند تمام بدن حتی سر و موی اوست، مگر صورت به همان مقدار که در وضو شستن آن واجب است، و مگر دست‌ها تا مچ و پاها تا ساق آن‌ها [که پوشاندن آن‌ها واجب نیست] و بر زن لازم است مختصری از اطراف این موارد استثنا شده را از باب مقدمه بپوشاند.

مسئله ۴. بر زن واجب است که گردن و زیر چانه خود را - حتی بنابر احتیاط [واجب] مقداری از زیر چانه را که بعد از بستن روسری دیده می‌شود - بپوشاند.

مسئله ۵. کنیز و دختر بچه [در پوشش نماز] مانند زن حرّ [آزاد] و بالغ می‌باشند، جز آن که پوشاندن سر و مو و گردن بر این دو واجب نیست.^{۳۱}

ب. کتاب نکاح

مسئله ۱۵. برای هر یک از زوج و زوجه جایز است که به بدن دیگری - ظاهر و باطن آن - حتی به عورت نگاه کنند. و همچنین مس هر کدام از آن‌ها - با هر عضو او به هر عضو آن دیگری، با تلذذ و بدون تلذذ - جایز است. مسئله ۱۶. نگاه کردن مرد به مثل خودش [مرد] به غیر از عورت، مادامی که با تلذذ و ریه نباشد، جایز است؛ چه منظور الیه [کسی که مورد نظر واقع می‌شود] پیر باشد یا جوان، خوش صورت باشد یا زشت. ... و همچنین در جواز نگاه کردن زن به غیر از عورت، به مثل خودش [زن] اشکالی نیست و اما نگاه کردن به عورت او حرام است مثل مرد.

مسئله ۱۷. برای مرد جایز است که به بدن محارمش، غیر از عورت، در صورتی که با تلذذ و ریه نباشد نگاه کند. و مقصود از «محارم» زنانی هستند که ازدواج با آن‌ها از جهت نسب یا شیر خوردن یا مصاهره، حرام است. و برای آن‌ها [زنان محرم] هم جایز است که به غیر از عورت، به بدن او بدون تلذذ و ریه نگاه کنند.

مسئله ۱۸. نگاه کردن مرد به غیر از صورت و دست‌ها تا مچ زن بیگانه، از مو و بقیه بدن او بدون اشکال جایز نیست، چه در آن تلذذ و ریه باشد یا نه. و همچنین است صورت و دست‌ها در صورتی که با تلذذ و ریه باشد. و اما بدون آن، دو قول، بلکه چند قول هست: جواز مطلقاً، عدم جواز مطلقاً، و تفصیل بین یک نگاه که جایز باشد و تکرار نگاه کردن که جایز نباشد. و احوط اقوال بلکه قوی‌ترین اقوال، قول وسط [عدم جواز نگاه کردن مطلقاً] می‌باشد.

مسئله ۱۹. نگاه کردن زن به مرد بیگانه جایز نیست، همان گونه که نگاه مرد به زن بیگانه جایز نمی‌باشد و استثنای [جواز نظر به] صورت و دست‌ها تا مچ در این جا [نگاه زن به مرد] پراشکال‌تر از عکس آن [نگاه مرد به زن] است. مسئله ۲۰. هر کسی که نگاه کردن به او حرام است، مسّ او هم حرام می‌باشد؛ پس مس زن بیگانه توسط مرد بیگانه و برعکس جایز نمی‌باشد. بلکه اگر هم بگوییم که نگاه کردن به صورت و دست‌ها تا مچ زن بیگانه جایز

^{۳۱} سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، وسیله النجاة، مع تعالیق السید الخمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۶۶-

است، مسّ صورت و دست‌ها تا مچ او را جایز نمی‌دانیم. پس جایز نیست مرد با او مصافحه کند، البته [مصافحه] از پشت لباس اشکالی ندارد.

مسئله ۲۱. نگاه کردن به عضوی که از مرد بیگانه و زن بیگانه جدا شده جایز نیست. البته نگاه کردن به دندان و ناخن و موی جدا شده باشند، ظاهراً اشکالی ندارد.

مسئله ۲۲. از حرمت نگاه کردن و لمس در مرد بیگانه و زن بیگانه، مقام معالجه استثنا می‌شود در صورتی که معالجه به وسیله هم‌جنس ممکن نباشد، مانند معرفت [گرفتن] نبض و خون گرفتن و حجامت و بستن شکستگی و مانند آن. و مقام ضرورت [نیز استثنا شده است]، مانند این که نجات او از غرق شدن یا سوختن، بر نگاه کردن و لمس نمودن توقف داشته باشد. و اگر ضرورت اقتضا کند یا معالجه آن بر نگاه کردن، نه لمس نمودن، یا عکس آن متوقف باشد، باید به همانی که اضطرار پیدا شده اکتفا شود؛ پس آن دیگری [نگاه یا لمس] جایز نمی‌باشد.

مسئله ۲۳. همان طور که بر مرد حرام است که به زن بیگانه نگاه کند، بر زن نیز واجب است که خود را از بیگانه‌ها بپوشاند؛ و پوشاندن بر مردها واجب نیست اگرچه بر زنان حرام است که به مردان [به غیر از آن چه که استثنا شده] نگاه کنند. و اگر مردها بدانند که زن‌ها تعمداً به آنان نگاه می‌کنند، واجب است که خود را از زن‌ها بپوشانند، از باب حرمت اعانت بر گناه.

مسئله ۲۴. اشکالی نیست که غیر ممیّز - چه پسر و چه دختر - از احکام نگاه کردن و لمس نمودن و پوشیده بودن خارج است، بلکه آن‌ها [از این سه حیث] به منزله سایر حیوانات هستند.

مسئله ۲۵. برای مرد جایز است که به دختر بچه مادامی که بالغ نشده نگاه کند، در صورتی که در آن تلذذ و شهوت نباشد؛ البته احتیاط [مستحب] این است که به جاهایی که عادت بر پوشاندن آن‌ها با لباس‌های متعارف جاری نمی‌باشد اکتفا نماید؛ مانند صورت و دست‌ها تا مچ و موی سر و دو ذراع و دو پا، نه مثل ران و کپل و کمر و سینه و پستان و سزاوار نیست که احتیاط در آن‌ها ترک شود. و احتیاط [واجب] آن است که در صورتی که [دختر] به شش سال رسیده باشد او را نبوسد و در دامن خود قرار ندهد.

مسئله ۲۶. برای زن، نگاه کردن به پسر بچه مادامی که بالغ نشده جایز است. و بر زن واجب نیست که خود را از او بپوشاند مادامی که به جایی نرسد که نگاه کردن از ناحیه او و نگاه کردن به او موجب برانگیخته شدن شهوت شود.

مسئله ۲۷. نگاه کردن به زنان اهل ذمه، بلکه مطلق کفار، با نبود تلذذ و ریه - یعنی ترس واقع شدن در حرام - جایز می‌باشد، و احتیاط آن است که به جاهایی که عادت آن‌ها بر نپوشاندن آن جاری است اکتفا شود. و گاهی زنان بادیه‌نشین و روستایی از اعراب و غیر آن‌ها - که عادت آن‌ها بر این است که خود را نمی‌پوشانند و اگر نهی شوند هم نمی‌پذیرند - به زنان اهل ذمه ملحق می‌شوند و این اشکال دارد. البته ظاهر آن است که تردد در روستاها و بازارها و جاهایی که این چنین زنانی رفت و آمد می‌کنند و مجامع آن‌ها و جاهایی که این‌ها معامله می‌کنند - که عادتاً علم پیدا می‌شود که نگاه به این‌ها می‌افتد - جایز می‌باشد و فروهشتن نگاه در این گونه جاها واجب نیست، در صورتی که ترس افتادن به فتنه نباشد.

مسئله ۲۸. کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، جایز است که به او نگاه کند، به شرط آن که به قصد لذت بردن

نباشد، اگر چه می‌داند که به جهت نگاه کردن به او، لذت قهراً حاصل می‌شود. و احتیاط [مستحب] آن است که به صورت و دست‌ها تا میچ و مو و نیکویی‌های او اکتفا نماید، چنان که احتیاط [واجب] - اگر اقوی نباشد - آن است که در نگاه به زن خاصی که قصد دارد با او ازدواج نماید اکتفا شود، پس این حکم [جواز نگاه] شامل موردی که به طور مطلق قصد ازدواج دارد و با این آزمایش [نگاه] در صدد تعیین زوجه است نمی‌شود. و تکرار نگاه کردن - در صورتی که اطلاع بر او در نگاه اول حاصل نشده باشد - جایز است.

مسئله ۲۹. اقوی آن است که شنیدن صدای زن بیگانه مادامی که تلذذ و ریه نباشد جایز است. و همچنین برای زن جایز است که صدایش را به مردان بیگانه بشنوند، در صورتی که ترس فتنه نباشد؛ اگرچه احتیاط [مستحب] در غیر مقام ضرورت، ترک آن است خصوصاً اگر زن جوان باشد. و عده‌ای، شنیدن و شنواندن را حرام دانسته‌اند و این قول به غایت ضعیف است، البته بر زن حرام است که با مردان با کیفیت مهیج صحبت کند؛ به اینکه به نازکی سخن بگوید و در کلام نرمی کند و صدایش را زیبا نماید؛ تا آن که کسی که در قلبش مرض هست، طمع کند.^{۳۲}

ج. رئوس فتاوی صاحب وسیله درباره پوشش و نگاه به زبان ساده

یک. در پوشش زن در زمان نماز بین صاحب عروه و صاحب وسیله اتفاق نظر کامل است.

دو. بر زن واجب است تمام بدن خود، حتی صورت و دست‌ها را از نامحرم، حتی بدون احتمال تلذذ و ریه، بپوشاند. سه. درباره نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ و ریه سه قول است: جواز مطلقاً، عدم جواز مطلقاً، و جواز نگاه اول و عدم جواز تکرار نگاه. احوط و اقوای این سه قول عدم جواز مطلقاً است، یعنی نگاه کردن به زن مطلقاً، حتی به صورت و دست‌های وی، حتی بدون تلذذ و ریه، حتی بار نخست، مجاز نیست و حرام می‌باشد.

چهار. تفاوت ظریف فتاوی صاحب وسیله با صاحب عروه در قول مختارشان، حداقل در دو مورد است: مورد اول به نظر صاحب عروه در مقابل ناظر نامحرم، در صورت عدم تلذذ و ریه، پوشاندن صورت و دست‌ها بر زن واجب نیست، اما "احتیاط مستحب" پوشاندن این دو موضع است. به فتاوی صاحب وسیله، بر زن پوشاندن این دو موضع، حتی بدون احتمال تلذذ و ریه، "واجب" است. (تفاوت احتیاط مستحب و وجوب پوشش صورت و دست‌ها)

مورد دوم فتاوی صاحب عروه این بود که نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ و ریه به احتیاط واجب ممنوع است. در حالی که به فتاوی صاحب وسیله، نگاه به موضع مذکور ممنوع است. (تفاوت بین "احتیاط واجب" و "واجب" بودن ممنوعیت نظر به صورت و دست‌های زن)

پنج. فتاوی صاحب وسیله در هر دو مورد مضیق‌تر از صاحب عروه است. تفاوت عملی این دو فتوا این است که مقلدان آقا سید ابوالحسن در هر دو مورد متعیناً وظیفه پوشش و منع نگاه کردن دارند. اما مقلدان صاحب عروه در مورد اول مجاز به عدم پوشش صورت و دست‌ها هستند، و در مورد دوم مخیرند یا به احتیاط واجب در منع نگاه عمل کنند یا به فتاوی فقیه فالاعلمی که قائل به جواز نگاه کردن به صورت و دست‌ها است مراجعه کنند.

^{۳۲} موسوی اصفهانی، وسیله النجاة، ج ۲، ص ۳۸۹-۳۹۳.

اختلاف عملی مهمی است.

بحث سوم. فتاوی صاحب توضیح المسائل

آقا سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۳۴۰-۱۲۵۴) مرجع اعلای تشیع بعد از آقا سید ابوالحسن اصفهانی بوده است.^{۳۳} ایشان در مقدمه رساله عملیه توضیح المسائل خود نوشته است: «رساله شریفه توضیح المسائل را که بعضی آقایانی که محل وثوق و اطمینان اینجانبند با فتاوی حقیر تطبیق نموده‌اند عمل به آن مجزی است ان شاء الله تعالی.»^{۳۴} این رساله که به همت علی‌اصغر کرباسچیان (۱۳۸۲-۱۲۹۳) از شاگردان آقای بروجردی در سال ۱۳۳۴ تنظیم شده است، الگوی کلیه توضیح المسائل‌های بعدی به زبان فارسی است.^{۳۵} این بحث شامل پنج قسمت است. در سه قسمت نخست، احکام مرتبط از رساله توضیح المسائل ایشان به شرح زیر نقل شده است: پوشاندن بدن در نماز، نگاه کردن، و پوشاندن صورت زن‌ها در حج. قسمت چهارم پوشش صورت و دست‌ها در تعلیقه ایشان بر عروه است. قسمت پنجم و پایانی رئوس فتاوی آقای بروجردی درباره پوشش و نگاه می‌باشد.

الف. احکام پوشاندن بدن در نماز

مسئله ۷۹۷. زن باید در موقع نماز، تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشاند، و احتیاط واجب آن است که کف پا را هم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و دست‌ها تا مچ، و روی پاها تا مچ پا لازم نیست، اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین‌تر از مچ را هم بپوشاند.^{۳۶}

ب. احکام نگاه کردن

مسئله ۲۴۴۲. نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم و دختری که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد، و همچنین نگاه کردن به موی آنان - چه با قصد لذت و چه بدون آن - حرام است، و نگاه کردن به صورت و دست‌ها

^{۳۳} برای آشنایی بیشتر بنگرید به: دوماه‌نامه حوزه (ویژه حوزه‌های علوم دینی)، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، دوره هشتم، شماره ۴۴-۴۳، فروردین-تیر ۱۳۷۰، ویژه سی‌امین سال درگذشت آیت الله العظمی بروجردی، ۳۹۹ صفحه؛ کتاب مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی، نوشته زهرا اخوان صراف، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ۴۲۴ صفحه؛ کتاب آیت الله العظمی بروجردی به روایت آیت الله العظمی منتظری، به اهتمام مجتبی لطفی، تهران: سرایی، ۱۳۹۸، ۲۸۲ صفحه.

^{۳۴} برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: مقاله محمدحسین فروغی، از لسان قم تا لسان قوم: توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها، در صدسالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم، ۱۴۰۱-۱۳۰۱، به کوشش رسول جعفریان، قم: نشر مورخ، ۱۴۰۱، دفتر سوم، ص ۲۴۱-۲۱۷.

^{۳۵} علی‌اصغر کرباسچیان در سال ۱۳۳۲ درمی‌یابد که جوانان و حتی بزرگ‌ترهایشان در خواندن و فهم بسیاری از متون دینی با موانعی روبه‌رو هستند. متن پیچیده و دشواریاب «جامع الفروع»، رساله عملیه آقای بروجردی شاید چشمگیرترین مثال در میان بود. ساده‌سازی و روان‌نویسی رساله، دو سال به طول انجامید. او در این مدت، متن را به افراد گوناگونی از دوستان، شاگردان و آشنایانش نشان می‌داد و از آنان بازخورد می‌گرفت و این بازخوردها را در ویرایش متن اثر می‌داد. در میان این افراد می‌توان به یحیی عابدی، علی قدوسی و عباس اخلاقی و نیز علی‌اصغر فقیهی اشاره کرد. در نهایت، متن رساله به تأیید آقای بروجردی رسید و کرباسچیان، خود، نام «توضیح المسائل» را بر آن نهاد. پس از مدتی، کتاب با استقبال چشمگیر مواجه شد و از آن‌پس، همه مراجع فتاوی فقهی خود را در قالب همان رساله انتشار دادند. آقای بروجردی نیز از کرباسچیان تقدیر کرد. (برگرفته از زندگی‌نامه کرباسچیان در پایگاه اینترنتی مؤسسه فرهنگی علامه کرباسچیان)

^{۳۶} سید حسین طباطبائی بروجردی، توضیح المسائل، قم: مؤسسه آیه‌الله‌العظمی بروجردی، بی‌تا، ص ۲۲۲.

اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به آن‌ها نگاه نکند، و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد.

مسئله ۲۴۴۳. اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن‌های اهل کتاب - مثل زن‌های یهود و نصاری - نگاه کند، در صورتی که نترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد، و احتیاط واجب آن است که به غیر صورت و دست‌های آنان نگاه نکند.

مسئله ۲۴۴۴. زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد، بپوشاند.

مسئله ۲۴۴۸. مرد نباید عکس زن نامحرم را ببیند، و اگر زن نامحرمی را بشناسد، نباید به عکس او نگاه کند.^{۳۷} ج. پوشاندن صورت زن‌ها در حج

هیجدهم [از تروک احرام] پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و غیر آن و هم‌چنین بعض آن را مگر آن‌قدر که من باب المقدمه به جهت پوشانیدن سر از برای نماز از اطراف رو پوشیده می‌شود و بعد از نماز فوراً آن را مکشوف نماید.

مسئله ۱. و جایز است به جهت رو گرفتن از نامحرم که طرف چیزی را که بر سر زده است از چادر و غیره پائین ببیندازد تا محاذی بینی بلکه ذقن، لکن بعضی واجب دانسته‌اند که آن را به دست یا به چوبی دور از رو نگاه دارد که از قبیل نقاب نشود و الا یک گوسفند کفاره بر او لازم است و این قول احوط است، بلکه خالی از قوه نیست.^{۳۸} د. پوشش صورت و دست‌ها در تعلیقه بر عروه

در ذیل قول صاحب عروه «الأحوط ستر الوجه والكفین عن غیر المحارم مطلقاً» ایشان تعلیقه زده است: «لا یترک». ^{۳۹} یعنی احتیاط استحبابی مؤکد در پوشش صورت و دست‌های زن از مرد نامحرم مطلقاً [حتی بدون تلذذ و ریه]. در رساله توضیح المسائل ایشان در این زمینه فتاوی داده نشده است. برخی استفتائات مرتبط را در پاورقی نقل می‌کنم.^{۴۰}

^{۳۷} طباطبائی بروجردی، توضیح المسائل، ص ۶۱۱-۶۰۸.

^{۳۸} طباطبائی بروجردی، مناسک حج، بی‌جا، بی‌نا [چاپخانه حیدری]، ۱۳۳۳ ش، ص ۱۱. پاورقی: قوه معلوم نیست. (ح طبا مدظله). [ظاهراً پاورقی خود آقای بروجردی است].

^{۳۹} طباطبائی یزدی، العروه الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب الصلاة، [مقدمه] فصل فی الستر والساتر، ج ۶، ص ۲۰۸.

^{۴۰} سؤال ۱. نگاه کردن به عکس زن اجنبیه چه صورت دارد در صورتی که او را بشناسد؟ جواب: جایز نیست. سؤال ۲. بعضی گمان می‌کنند از عبارت «عروه الوثقی» در باب نکاح که می‌فرماید: نگاه کردن به زنانی که نکاح کردن آن‌ها حرام است، نسباً، یا رضاعاً، یا صهراً جایز است؛ چنین مفهوم می‌شود که نگاه کردن به صورت خواهر زن نیز جایز است، آیا همین طور است که آن‌ها گمان کرده‌اند یا خیر؟ جواب: نظر کردن به خواهر زوجه حرام است و مراد از عبارت «عروه الوثقی» زنانی هستند که نکاح آن‌ها حرام مؤبد است نه در بعض احوال. سؤال ۳. نظر کردن به ربیبه قبل از دخول به مادر او جایز است یا خیر؟ جواب: جایز نیست. سؤال ۴. در محرم مردان برهنه می‌شوند در کوچه و بازار سینه می‌زنند و زن‌های اجنبیه برای تماشا به بدن‌های آن‌ها نظر می‌کنند، چه صورت دارد؟ جواب: نظر کردن زن به مرد حرام است و لکن تستر بر مرد واجب نیست مگر نسبت به عورت و البته مناسب است پیراهنی بپوشند و خود را در معرض نظر قرار ندهند. سؤال ۵. کسی که اراده تزویج دختری را دارد، آیا جایز است یک مرتبه یا دو مرتبه به او نظر کند؟ جواب: جواز یک نظر بدون تلذذ بعید نیست، ولیکن به نحو اطلاق نمی‌توانم

۵. رئیس فتاوی آقای بروجردی درباره پوشش و نگاه

یکم. در حالی که دو فقیه قبلی پوشاندن رو و کف دو پا را در نماز واجب ندانسته بودند، آقای بروجردی فتوا داده که احتیاط واجب آن است زن نمازگزار در حال سجده کف پا را هم بیپوشاند. فتوای ایشان از فتوای دو فقیه پیشین از این حیث مضیق تر است.

دوم. ایشان همانند صاحب عروه قائل به احتیاط مستحب مؤکد پوشش صورت و دست‌های زن در برابر مرد نامحرم است.

سوم. ایشان همانند صاحب عروه معتقد است بنا بر احتیاط واجب مرد بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند. فتوای صاحب عروه و ایشان از فتوای آقا سید ابوالحسن چه در پوشش چه در نگاه موسع تر است. چهارم. احتیاط واجب آن است که حتی بدون قصد لذت به غیر صورت و دست‌های زن‌های اهل کتاب نگاه نکند. در حالی که صاحبان عروه و وسیله فتوا داده بودند نگاه کردن به بدن زنان غیرمسلمان - در صورتی که ترس از افتادن در حرام نباشد - جایز است و احتیاط مستحب اکتفا به نگاه به مواضعی است که عادتاً نمی‌پوشانند. یعنی فتوای آقای بروجردی از سه حیث موضوع، مواضع نظر و حکم از فتوای دو فقیه پیشین در این زمینه مضیق تر است.

فصل دوم. نقطه عطف فتاوی حجاب



چیزی بنویسم. سؤال ۶. زن‌هایی که می‌روند نزد عکاس و عکس آن‌ها را بر می‌دارند برای الصاق به جواز و تذکره کربلا چه صورت دارد؟ جواب: در صورتی که عکاس زن باشد و مرد اجنبی که زن صاحب عکس را بشناسد نگاه به آن نکند، جواز بعید نیست. (استفتائات حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، قم، مؤسسه آیه‌الله العظمی بروجردی، ج ۲، ص ۲۷۵)

سید محسن طباطبایی حکیم (۱۳۴۹-۱۲۶۷) مرجع اعلای تشیع بعد از آقای بروجردی در دههٔ چهل بوده است.^{۴۱} کتاب منهاج الصالحین ایشان یکی از چهار کتاب فقه فتوایی سرمشق در قرن چهاردهم محسوب می‌شود. فتوای متأخر آقای حکیم در این کتاب، به تفصیلی که خواهد آمد، نقطهٔ عطفی در مسئلهٔ حجاب در مورد نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم محسوب می‌شود. به دلیل اهمیت این فتوا، فصل مستقلی به ایشان اختصاص داده شد. مهم‌ترین کتاب ایشان در فقه استدلالی «مستمسک العروة الوثقی» است.^{۴۲} این فصل شامل سه بحث به شرح ذیل است: فتاوی متقدم صاحب مستمسک، فتوای متفاوت منهاج الصالحین، و حواشی مراجع اعلای تشیع بر منهاج الصالحین.

بحث چهارم. فتاوی متقدم صاحب مستمسک

آراء آقای حکیم در مورد پوشش و نگاه در این بحث شامل چهار قسمت به شرح ذیل است: توضیح المسائل فارسی، دلیل الناسک، تعلیقهُ علی العروة الوثقی، و خلاصه‌ای از کتاب استدلالی مستمسک العروة الوثقی. متن عربی سه منبع اخیر به فارسی ترجمه شده است.

اول. توضیح المسائل: تاریخ اول رساله (۵ ربیع الأول ۱۳۸۱ ق) ۲۶ مرداد ۱۳۴۰ است.

الف. پوشانیدن بدن در نماز

مسئله ۷۹۷. زن باید در موقع نماز تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و دست‌ها تا مچ، و پشت پاها تا مچ لازم نیست، اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین‌تر از مچ را هم بپوشاند.^{۴۳}

ب. احکام نگاه کردن

مسئله ۲۴۴۲. نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم و دختری که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد، و همچنین نگاه کردن به موی آنان - چه با قصد لذت و چه بدون آن - حرام است، و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به آن‌ها نگاه نکند، و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد.

مسئله ۲۴۴۳. اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن‌های اهل کتاب - مثل زن‌های یهود و نصاری - نگاه کند، در صورتی که نترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد، و نیز نگاه به غیر صورت و دست‌های ایشان بدون قصد لذت بی‌اشکال است.

مسئله ۲۴۴۴. زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی

^{۴۱} برای اطلاعات بیشتر بنگرید به السید احمد الحسینی، الامام الحکیم السید محسن الطباطبائی، النجف: دار الثقافة، ۱۳۸۴ ق [۱۳۴۳ ش]، ۱۶۵ صفحه؛ و صفاء الدین تبرائیان، احیاگر حوزه نجف، آیت الله العظمی سید محسن حکیم، دو جلد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ۵۳۲+۶۴۰ صفحه.

^{۴۲} بنگرید به محمد آصف المحسنی، القواعد الفقهیة والاصولیة فی المستمسک لایة العظمی السید محسن الطباطبائی الحکیم، تصحیح و تحقیق مهدی النیازی الشاهرودی، قم: پیام مهر، ۱۳۸۲، ۴۴۰ صفحه.

^{۴۳} سید محسن طباطبائی حکیم، توضیح المسائل، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۴۵.

خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد، بیپوشاند.

مسئله ۲۴۴۸. مرد نباید عکس زن نامحرم را ببیند، و اگر در بین قصد لذت بشود حرام است، و اگر زن نامحرم را بشناسد، نباید به عکس او نگاه کند.^{۴۴}

ج. رساله مختصر توضیح المسائل (۱۳۴۳ ش)

حرام است نظر کردن مرد به بدن زن اجنبیه حتی صورت و دست‌های او بنا بر احوط [وجوبی] و همچنین است به عکس.^{۴۵}

دوم. دلیل الناسک: تاریخ انتشار این کتاب ظاهراً ۱۳۷۷ ق [۱۳۳۶ ش] است.

[پانزدهمین امر حرام در حال احرام در حج] این است که مرد سر خود را بیپوشاند... و زن صورت خود را به طور کامل یا قسمتی از آن را با نقاب یا غیر آن حتی در زمان خواب بیپوشاند. زن [می‌تواند] صورت خود را با آویزان کردن روسری و مانند آن، به شرط نجسبیدن به صورت، بنا بر احتیاط بیپوشاند.^{۴۶}

سوم. تعلیقۀ علی العروۀ الوثقی: نظر فتوایی ایشان در حاشیه بر عروه ذیل قول سید «الأحوط ستر الوجه والكفین عن غیر المحارم مطلقاً» این است: «لا یُترک». ^{۴۷} یعنی احتیاط مطلق [حتی بدون تلذذ و ریه] در پوشاندن وجه و کفین از غیر محارم ترک نشود.

چهارم. مستمسک العروۀ الوثقی: تاریخ اتمام کتابت مستمسک ۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۱ [۱۵ شهریور ۱۳۴۰] است. صاحب عروه حداقل در دو جا درباره نظر به وجه و کفین زن نامحرم، بدون تلذذ و ریه، اظهار نظر کرده است؛ یکی در بحث ستر و ساتر کتاب الصلاة و دیگر در اول کتاب النکاح.

آقای حکیم در موضع اول بعد از نقد و بررسی ادله این‌گونه نتیجه گرفته است: «آنچه در تقریب قول به جواز [نظر] و مناقشه در دلیل منع [نظر] ذکر کردیم، اگرچه اکثرش در کلام شیخ [مرتضی] انصاری در کتاب النکاح ذکر شده است، - و به همین خاطر شیخ اعظم ما قول به جواز را اختیار کرده است -؛ اما خروج از مرتکبات متدینین، بلکه مرتکبات متشرعه در غیر زنان لایبالی [مبنی بر عدم جواز نظر] خالی از اشکال نیست. پس ملاحظه و تأمل کن. خداوند سبحان آگاه‌تر است.»^{۴۸}

در موضع دوم در ذیل قول صاحب عروه «جماعتی [نظر] به وجه و کفین را استثنا کرده و قائل به جواز در این دو [موضع] شده‌اند» نوشته است: «این قول به شیخ [الطائفه طوسی] و جماعتی نسبت داده شده است. [شیخ یوسف بحرانی در] الحقائق [الناضرة] و [ملا احمد نراقی در] مستند [الشیعۀ] و شیخ اعظم ما [مرتضی انصاری] در کتاب النکاح این قول را اختیار کرده‌اند. [عده‌ای هم قول دوم اختیار کرده و «قیل»: نظر به وجه و کفین] جایز نیست.

^{۴۴} طباطبائی حکیم، توضیح المسائل، ص ۴۱۰-۴۰۹.

^{۴۵} طباطبائی حکیم، رساله مختصر توضیح المسائل، نجف: ۱۳۴۳ ش، مسئله ۵۸۴، ص ۱۵۲.

^{۴۶} طباطبائی حکیم، دلیل الناسک، نجف: مدرسه دارالحکمه، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۸-۱۶۷.

^{۴۷} سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروۀ الوثقی والتعلیقات علیها، إعداد و تحقیق و طبع مؤسسه السبطين العالمیه، قم: ۱۳۸۹ ش، ج ۶، ص

۲۰۸، تعلیقہ ش ۳ سید محسن طباطبائی حکیم.

^{۴۸} طباطبائی حکیم، مستمسک العروۀ الوثقی، ج ۵، ص ۲۴۷.

این قول را علامه [حلی] در تذکره [الفقهاء] و ارشاد [الاذهان] اختیار کرده‌اند، و جماعتی از جمله [فاضل هندی در] کشف اللثام و شیخ ما [شیخ محمد حسن نجفی صاحب] جواهر از آن‌ها تبعیت کرده‌اند.^{۴۹}

در ادامه در شرح این عبارت صاحب عروه «و گفته شده است جواز یک بار و تکرار نظر جایز نیست، و احوط منع است مطلقاً [ولو یک بار، ولو بدون تلذذ و ریبه]»، آقای حکیم نوشته است: «این قول [جواز نظر یک بار و عدم جواز تکرار نظر] را [محقق حلی] در شرایع [الإسلام] و [علامه حلی] در قواعد [الاحکام] اختیار کرده‌اند. ... به‌طور کلی قول مذکور اضعف اقوال [سه‌گانه] از حیث دلیل است. قوی‌ترین اقوال [سه‌گانه] قول اول [جواز نظر به وجه و کفین بدون تلذذ و ریبه] است، اگر مرتکبات متشرعه بر منع [جواز] علیه آن نبود، بر وجهی که نگاه کردن [به وجه و کفین زن نامحرم ولو بدون تلذذ و ریبه] نزد ایشان از منکراتی شمرده می‌شود که شک و تردید بر نمی‌دارد، و عذر و پذیرش عذر در آن مقبول نیست. و احتمال این که این [ارتکاز] از جهت غیرت باشد، بعید است. به همین خاطر، نگاه کردن به زنان از کارافتاده را در زمره منکرات دینی تلقی نمی‌کنند، اگرچه آن را از جهت غیرت منکر می‌شمارند اما حرام نمی‌دانند. آری، این تلقی از منکرات [دینی] در مورد زنانی است که در نگاه کردن به آن‌ها احتمال لذت بردن است، حتی اگر قصد تلذذ در کار نباشد و نگاه کردن هم با تلذذ مقرون نباشد. به این خاطر، مجالی برای اقدام به فتوا به جواز [نظر به وجه و کفین] آن‌ها [زنان از کارنیفتاده] نیست، اگرچه دلیل [قوی بر جواز] [إقامه شده است. مگر این که از منکرات [دینی] شمردن [نگاه به وجه و کفین زنان] از جهت این باشد که غالباً تلذذ بر آن [نگاه] مترتب می‌شود. مسئله محتاج تأمل است.»^{۴۹}

تحلیل این فتاوا در جمع‌بندی انتهای فصل خواهد آمد.

بحث پنجم. فتاوی متفاوت منهاج الصالحین

فتاوی آقای حکیم در کتاب منهاج الصالحین تا طبع هشتم سازگار با دیگر کتب فتوایی و استدلالی ایشان بود. در سال ۱۳۴۵ (چهار سال قبل از وفات) ایشان در فتاوی خود در مورد نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت تجدید نظر کرد. فتاوی جدید نقطه عطفی در مسئله حجاب محسوب می‌شود. در این بحث، سیر تحول فتاوی آقای حکیم در طبع‌های مختلف منهاج الصالحین در ضمن پنج قسمت بررسی شده است.

الف. طبع اول: تاریخ کتابت جلد اول منهاج الصالحین ۲ جمادی الثانی ۱۳۶۵ (اردیبهشت ۱۳۲۵) و تاریخ کتابت جلد دوم آن ۱۷ محرم ۱۳۶۷ (آذر ۱۳۲۶) است. فتاوی ایشان در طبع اول به شرح زیر است:

مسئله ۲: ... عورت زن در نماز تمام بدن وی حتی سر و مو - غیر از صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و غیر از دو دست تا مچ‌ها، و غیر از دو پا تا دو ساق [مچ] روی پا و کف پا - است، و باید مقداری خارج از حدود [سه‌گانه استثنائده فوق] را هم بپوشاند.

مسئله ۳: کنیز و دختر بچه [نابالغ در مورد حدود پوشش در نماز] مانند زن آزاد و بالغ هستند، مگر در سر، موی آن و گردن؛ بر ایشان پوشاندن این دو موضع واجب نیست.^{۵۰} فتاوی لباس نمازگزار تا آخر حیات ایشان تغییری

^{۴۹} طباطبائی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۲۲-۳۶.

^{۵۰} سید محسن طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، الجزء الاول: فی احکام العبادات، نجف: مطبعة الغری، ۱۳۶۶ ق، الطبعة الثانية، ص ۸۹. به طبع اول آن مورخ ۱۳۶۵ ق دسترسی پیدا نکردم.

نکرده است.

در انتهای فصل اول کتاب النکاح این عبارت آمده است: «[۱] نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند یا [کنیزی که می‌خواهد] او را بخرد جایز است؛ [۲] همین‌طور [جایز است نگاه کردن به] زنان اهل ذمه بدون تلذذ.»^{۵۱}

ب. طبع هشتم: دو فتاوی بحث نگاه کردن در طبع هشتم^{۵۲} در سال ۱۳۴۳ به هفت فتوا به شرح زیر گسترش یافته است:

«مسئله ۳. ... [۳] و نیز [نگاه کردن به] زنان بی‌مبالاتی که وقتی [از عدم رعایت پوشش شرعی] نهی می‌شوند، واقعی نمی‌گذارند، به شرط عدم تلذذ [جایز است]؛ [۴] و [نگاه کردن به] زنان محرمی که ازدواج با آن‌ها به دلیل نسبی یا سببی یا رضاعی حرام ابدی است. [۵] نگاه کردن به دیگر زنان حرام است، [۶] و از جمله [زنانی که نگاه کردن به آن‌ها حرام است] خواهرزن و ربیبه [دختر زن از شوهر دیگر] قبل از نزدیکی با مادرش است. [۷] نگاه کردن با تلذذ ولو [از جانب مرد] به مرد حرام است.»^{۵۳}

پ. طبع نهم: دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۵ در چاپ نهم منهاج الصالحین، اولاً احکام انتهای فصل اول کتاب النکاح از مسئله شماره ۲ جدا شده، در مسئله مستقلی به عنوان مسئله شماره ۳ تنظیم می‌شود. ثانیاً در اواخر آن عبارات جدیدی تعدیل و اضافه می‌شود. احکام شماره ۱ تا ۴ (شماره‌گذاری داخل کروشه از من است) بدون تغییر باقی مانده‌اند. حکم شماره ۵ که بسیار مهم است، تغییر جدی پیدا کرده است. احکام شماره ۶ و ۷ (با تغییر شماره) عیناً حفظ شده‌اند. شش حکم جدید بین احکام ۵ و ۷ اضافه شده‌اند. ترجمه این مسئله از حکم پنجم آن چنین است:

«مسئله ۳: ... [۵] نگاه کردن به غیر صورت و دو دست [تا می] دیگر زنان نیز بدون تلذذ حرام است؛ [۶] و از غیر محارم^{۵۴} خواهرزن و ربیبه [دختر زن از شوهر دیگر] قبل از نزدیکی با مادرش [نگاه کردن به غیر صورت و دست‌های آن‌ها هم حتی بدون تلذذ حرام است]. [۷] نگاه کردن زن به موضعی از بدن مرد - که نظر کردن مردها به آن مواضع از بدن زن حرام است - حرام می‌باشد. [۸] نظر با تلذذ ولو به هم‌جنس حرام است. [۹] لمس جنس مخالف در غیر محارم حرام است. [۱۰] نگاه کردن مرد به دختر بچه نابالغ و لمس [بدن وی] جایز است. [۱۱] نگاه کردن زن به پسر بچه نابالغ و لمس [بدن وی] جایز است. [۱۲] همه این احکام جواز [نگاه و لمس] به شرط عدم

^{۵۱} طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، الجزء الثانی: فی احکام المعاملات، نجف: مطبعة الزهراء، ۱۳۶۶ ق، ص ۱۶۵.

^{۵۲} تا طبع هفتم مورخ ۱۳۸۱ ق [۱۳۴۰ ش] تغییری در این مسئله رخ نداده بود.

^{۵۳} طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، الجزء الثانی: [فی احکام المعاملات]، کتاب النکاح، [آخر] الفصل اول، نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۴ ق، الطبعة الثامنة، ص ۱۵۴.

^{۵۴} «بغير تلذذ ومن غير المحارم ومنها أخت الزوجة الخ» واژه‌های «ومنها» در عبارت فوق نادرست است. خوشبختانه در ویرایش بعدی حذف شده است.

تَلَذُّذٌ است، اما با تَلَذُّذٌ مطلقاً حرام است. [۷] نگاه کردن با تَلَذُّذٌ، ولو [از جانب مرد] به مرد، حرام است.^{۵۵} ت. طبع دهم: در این طبع، مسئله سوم از فصل اول کتاب نکاح ویرایش جزئی عبارتی شده است، بدون تغییر در احکام سیزده‌گانه. مسائل چهار و پنج (شامل چهار حکم جدید) هم افزوده شده‌اند. ترجمه مسائل سه‌گانه به شرح ذیل است.

مسئله ۳: [۱] نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند یا [کنیزی که می‌خواهد] او را بخرد، جایز است؛ [۲] همین‌طور [جایز است نگاه کردن به] زنان اهل ذمه؛ [۳] و نیز [نگاه کردن به] زنان بی‌مبالاتی که وقتی [از عدم رعایت پوشش شرعی] نهی می‌شوند، وقعی نمی‌گذارند؛ [۴] و [نگاه کردن به] زنان مُحَرَّمی که ازدواج با آن‌ها به دلیل نسبی یا سببی یا رضاعی حرام ابدی است، به شرط عدم تَلَذُّذٌ در جمیع [چهار دسته]. [۵] نگاه کردن به غیر صورت و دو دست [تا مچ‌های] دیگر زنان نیز بدون تَلَذُّذٌ حرام است، [۶] و از غیر محارم، خواهرزن و ریبیه [دختر زن از شوهر دیگر] قبل از نزدیکی با مادرش [نگاه کردن به غیر صورت و دست‌های این زنان بدون تَلَذُّذٌ هم حرام است]. [۷] نگاه کردن زن به موضعی از بدن مرد - که نظر کردن مردها به آن مواضع از بدن زن حرام است - حرام می‌باشد. [۸] نظر با تَلَذُّذٌ ولو به همجنس حرام است. [۹] لمس جنس مخالف در غیر محارم حرام است. [۱۰] نگاه کردن مرد به دختر بچه نابالغ و لمس [بدن وی] جایز است. [۱۱] نگاه کردن زن به پسر بچه نابالغ و لمس [بدن] وی جایز است. [۱۲] همه این احکام جواز [نگاه و لمس] به شرط عدم تَلَذُّذٌ است، اما با تَلَذُّذٌ مطلقاً حرام است. [۱۳] همچنین نگاه کردن با تَلَذُّذٌ ولو [از جانب مرد] به مرد حرام است.

مسئله ۴: [۱۴] زن باید غیر از صورت و دست‌هایش [تا مچ] را از غیر شوهر و محارمش بپوشاند. [۱۵] بلکه بر او واجب است پوشاندن صورت و دو دست [تا مچ] از غیر شوهر، حتی از محارم، در صورت تَلَذُّذٌ. [۱۶] بر مرد پوشاندن [غیر عورت] مطلقاً واجب نیست.

مسئله ۵: [۱۷] شنیدن صدای زن نامحرم به شرط عدم تَلَذُّذٌ جایز است.^{۵۶}

ث. طبع آخر: احکام هفده‌گانه در مسائل ۳ تا ۵ کتاب نکاح بدون تغییر باقی ماند، آلا این که از حکم مسئله اول این قسمت حذف شد: «یا [کنیزی که می‌خواهد] او را بخرد» و حکم اول به این صورت درآمد: «مسئله ۳: [۱] نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند جایز است؛»^{۵۷}

نتیجه بحث‌های چهارم و پنجم. تحلیل و بررسی فتاوی آقای حکیم

الف. در مورد پوشش زن نمازگزار، در فتاوی متقدم ایشان، کف پا از وجوب پوشش استثنا شده است. اما در فتاوی

^{۵۵} طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، الجزء الثانی [فی احکام المعاملات]، کتاب النکاح، نجف: مطبعة النجف، ۱۳۸۷ ق، الطبعة التاسعة، ص ۱۸۱. این جزء ملحق با جزء اول با این مشخصات منتشر شده است: الجزء الاول: فی احکام العبادات، نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م، الطبعة الثالثة عشر.

^{۵۶} طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، الجزء الثانی [فی احکام المعاملات]، کتاب النکاح، نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م، الطبعة العاشرة، ص ۱۹۷. این جزء ملحق با جزء اول با این مشخصات منتشر شده است: الجزء الاول: فی احکام العبادات، نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م، الطبعة الخامسة عشر.

^{۵۷} طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، قسم المعاملات، وبهامشها التعليق عليه تأليف السيد محمدباقر الصدر، بيروت: دارالتعارف، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م، ج ۲، ص ۲۷۶-۲۷۵. به طبع‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ ق دسترسی پیدا نکردم.

متأخر، روی پا همانند کف پا از مستثنیات پوشش شمرده شده است، یعنی در فتوای متأخر، نوعی توسع مشاهده می‌شود.

ب. در مورد ستر زن در إحرام حج، برخلاف آقای بروجردی که آویزان کردن روسری به شرط نجسبیدن به صورت برای رو گرفتن از نامحرم را جایز دانسته بود، آقای حکیم این جواز را بر اساس احتیاط واجب دانسته است. علاوه بر آن ایشان حرمت پوشاندن صورت را برای زن مُحَرَّم حتی شامل زمان خواب دانسته است، یعنی در هر دو مورد نوعی تضییق مشاهده می‌شود.

پ. در مورد پوشش صورت و دست‌های زن، دو قول در فتاوی آقای حکیم دیده می‌شود: اول. در تعلیقه ایشان بر عروه آمده است: احتیاط مطلق [حتی بدون تلذذ و ریبه] در پوشاندن وجه و کفین از غیر محارم ترک نشود، یعنی احتیاط استحبابی مؤکد در پوشش. دوم. مفهوم ویرایش دوم (طبع دهم) منهاج الصالحین، عدم وجوب پوشش صورت و دست‌های زن است. این فتوای نهایی ایشان است.

ت. در مورد نگاه به صورت و دست‌های زنان نامحرم بدون تلذذ سه قول متفاوت در فتاوی آقای حکیم دیده می‌شود: اول. در توضیح المسائل فارسی و مختصر آن، نگاه کردن به صورت و دستان زن نامحرم بدون قصد لذت را به احتیاط واجب حرام دانسته است. مفهوم ویرایش اول منهاج الصالحین نیز عدم جواز است. دوم. در مستمسک ایشان از حیث ادله، قول به جواز نگاه کردن به صورت و دستان زن نامحرم را اقوی می‌داند، اما تلقی منکر دینی دانستن نگاه مذکور به عنوان ارتکاز متشرعه باعث توقف ایشان از صدور فتوای جواز شده است. سوم. فتوای ایشان در ویرایش دوم (طبع نهم) منهاج الصالحین، حرمت نگاه کردن به غیر صورت و دست‌های زنان نامحرم بدون تلذذ است، که مفهوم آن جواز نگاه به مواضع مذکور بدون تلذذ است. آخرین ویرایش منهاج الصالحین در مورد نگاه، منعکس کننده فتوای متأخر ایشان است: جواز نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت.

ث. به فتوای آقای حکیم، نگاه به غیر صورت و دست‌های زنان اهل کتاب بدون قصد لذت بی‌اشکال است. در حالی که به فتوای آقای بروجردی، احتیاط واجب آن است که به غیر صورت و دست‌های زنان اهل کتاب نگاه نکند، و به فتوای صاحبان عروه و وسیله در مورد زنان غیرمسلمان احتیاط مستحب اکتفا به نگاه به مواضعی است که عادتاً نمی‌پوشانند. یعنی فتوای آقای حکیم از سه فقیه قبلی در این زمینه موسع‌تر است.

ج. به فتوای آقای حکیم نگاه کردن به شرط عدم تلذذ به زنان بی‌مبالاتی که وقتی [از عدم رعایت پوشش شرعی] نهی می‌شوند، واقعی نمی‌گذارند، جایز است. در حالی که به فتوای صاحبان عروه و وسیله حکم مذکور مشکل است، اگرچه فروهستن چشم از ایشان در معابر عمومی اگر ترس از به فتنه افتادن نباشد، لازم نیست. یعنی در این زمینه هم فتوای آقای حکیم از فقهای پیشین موسع‌تر است.

بحث ششم. حواشی مراجع اعلای تشیع بر منهاج الصالحین

ضروری به نظر می‌رسد که بحث مستقلی در انتهای این فصل به فتاوی آقایان سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۲۷۸-۱۳۷۱) و سید علی حسینی سیستانی (متولد ۱۳۰۹) اختصاص دهیم. فقیه نخست بعد از آقای حکیم

(متوفی خرداد ۱۳۴۹) به مدت بیست و سه سال مرجع اعلای تشیع بوده است.^{۵۸} فقیه دوم از زمان وفات استادش، آقای خویی، از سال ۱۳۷۱ مرجع اعلای تشیع است،^{۵۹} یعنی فعلاً به مدت سی و دو سال. هر دو هم بر منهج الصالحین آقای حکیم تعلیق زده و منهج الصالحین با فتاوی خود را منتشر کرده‌اند که مهم‌ترین کتاب فتوایی هریک محسوب می‌شود. البته بررسی من درباره فتوای هر دو به این کتاب منحصر نیست و کلیه کتب فتوایی هر دو را شامل می‌شود. با بررسی فتاوی آن‌ها، فتاوی مراجع اعلای تشیع از زمان صاحب عروة درباره پوشش و نگاه به طور کامل بررسی شده است. این بحث شامل دو قسمت است.

الف. فتاوی آقای خویی

فتاوی آقای خویی را از سه منبع نقل می‌کنم: یکی منهج الصالحین ایشان که به فارسی ترجمه کرده‌ام و موارد اختلاف با فتاوی آقای حکیم را با خط زیر مشخص کرده‌ام. دیگری رساله توضیح المسائل فارسی ایشان، و سومی مناسک حج فارسی ایشان.

اول. منهج الصالحین

مسئله ۵۱۸: ... عورت زن در نماز تمام بدن وی حتی سر و مو - غیر از صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و غیر از دو دست تا مچ‌ها، و غیر از دو پا تا دو ساق [مچ] روی پا و کف پا - است، و باید مقداری خارج از حدود [سه‌گانه استثناسده فوق] را هم بپوشاند.

مسئله ۵۱۹: کنیز و دختر بچه [نابالغ در مورد حدود پوشش در نماز] مانند زن آزاد و بالغ هستند، مگر در سر، موی آن و گردن؛ بر ایشان پوشاندن این دو موضع واجب نیست.^{۶۰}

مسئله ۱۲۳۲: [۱] نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند یا [کنیزی که می‌خواهد] او را بخرد جایز است؛ [۲] همین‌طور [جایز است نگاه کردن به] زنان اهل ذمه؛ [۳] و نیز [نگاه کردن به] زنان بی‌مبالاتی که وقتی [از عدم رعایت پوشش شرعی] نهی می‌شوند، وقتی نمی‌گذارند؛ [۴] و [نگاه کردن به] زنان محرمی که ازدواج با آن‌ها به دلیل نسبی یا سببی یا رضاعی حرام ابدی است، به شرط عدم تلذذ در جمیع [چهار دسته]. [۵] نگاه

^{۵۸} برای آشنایی بیشتر بنگرید به: هادی الجبوری، الشيعة والخويي، جهاد واجتهاد، قم: المؤلف، ۱۹۹۷ م، ۱۶۰ صفحه؛ جابر جویر، مواضع للنظر: مناقشات ومتابعات لما طرحه أحد أساتذة الحوزة العلمية في قم المقدسة حول بعض رموز الطائفة واعلامها الاعظم، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي ودار راية البيضاء، ۲۰۱۳ م، ۱۹۷ صفحه؛ محمدتقی انصاریان خوانساری، شمع همیشه فروزان: آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، قم: انصاریان، ۱۳۹۶، ۱۳۰۴ صفحه؛ سید محسن طباطبائی فر، سایه روشن حیات سیاسی آیت الله خویی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی [وزارت اطلاعات]، ۱۴۰۲، ۶۱۶ صفحه؛ محسن کدیور، دوران معاضدت و معاونت: مناسبات خمینی و منتظری (تا شهریور ۱۳۶۵). مجموعه استیضاح خبرگان و رهبران جمهوری اسلامی ۱۳۷۰-۱۳۶۱، دفتر دوم. نشر اندیشه‌های نو، ۱۴۰۰، ص ۱۱۸-۱۱۴؛ و محسن کدیور، آقای خوئی و ولایت مطلقه فقیه، ۲۴ مرداد ۱۳۹۵.

^{۵۹} برای آشنایی بیشتر بنگرید به: حامد الخفاف، النصوص الصادرة عن سماحة السيد السيستاني في المسئلة العراقية، بيروت: دار المؤرخ العربي، ۱۴۳۰ هـ / ۲۰۰۹، ۴۸۴ صفحه (ترجمه فارسی: دیدگاه‌های اجتماعی سیاسی آیت الله سیستانی، ترجمه محمدجواد رحمتی، ویرایش و بازنویسی محمدرضا مروارید، تهران: کویر، ۱۳۹۲، ۳۲۸ صفحه)؛ حامد الخفاف، الرحلة العلاجية لسماحة السيد السيستاني في زمرة النجف عام ۱۴۲۵ هـ / ۲۰۰۴ م، بيروت: دار المؤرخ العربي، ۱۴۳۳ هـ / ۲۰۱۲ م، ۲۱۷ صفحه. و نیز بنگرید به بصیرت سیستانی در عراق و کورنگی خامنه‌ای در ایران (۱ آذر ۱۳۹۸)

^{۶۰} سید ابوالقاسم خویی، منهج الصالحین، ج ۱، بيروت: مدينة العلم، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۳۶.

کردن به غیر صورت و دو دست [اتا می‌های] دیگر زنان نیز بدون تلذذ بدون اشکال حرام است، و [نگاه کردن بدون تلذذ] به این دو موضع (صورت و دست‌ها تا میچ) بنا بر احتیاط [حرام است]. [۶] و از غیر محارم، خواهرزن و ربیبه [دختر زن از شوهر دیگر] قبل از نزدیکی با مادرش [نگاه کردن به غیر صورت و دست‌های این زنان بدون تلذذ هم حرام است]. [۷] نگاه کردن زن به غیر از صورت و دست‌ها و گردن و قدم‌های مرد بنا بر احتیاط حرام می‌باشد، اما نگاه کردن زن به این مواضع [چهارگانه] از مرد ظاهراً جایز است اگر با تلذذ و ربیبه نباشد، و اگرچه احتیاط در ترک چنین نگاهی است. [۸] نگاه و لمس با تلذذ از جانب مرد، ولو به همجنس، حرام است. [۹] لمس جنس مخالف از جانب مرد و زن در غیر محارم حرام است. [۱۰] نگاه کردن مرد به دختر بچه نابالغ و لمس [بدن وی] جایز است. [۱۱] نگاه کردن زن به پسر بچه نابالغ و لمس [بدن] وی جایز است. [۱۲] همه این احکام جواز [نگاه و لمس] به شرط عدم تلذذ است، اما با تلذذ مطلقاً حرام است.

مسئله ۱۲۳۳. زن باید غیر از صورت و دست‌هایش [اتا میچ] را از غیر شوهر و محارمش بپوشاند. بلکه بنا بر احتیاط واجب، پوشاندن صورت و دو دست [اتا میچ] از غیر شوهر حتی از محارم در صورت تلذذ بر وی لازم است. بر مرد پوشاندن [غیر عورت] مطلقاً واجب نیست.

مسئله ۵. شنیدن صدای زن نامحرم به شرط عدم تلذذ جایز است. ^{۶۱}

دوم. رساله توضیح المسائل

مسئله ۲۴۴۲. نگاه کردن مرد به بدن زنان نامحرم و همچنین نگاه کردن به موی آنان، چه با قصد لذت، چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌های آنان اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به آن‌ها نگاه نکند و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد. بنابر احتیاط در غیر صورت و دست‌ها و سر و گردن و پا، و اما نظر زن به این مواضع از مرد ظاهر آن است که جائز است بدون قصد لذت، اگر چه احوط نیز ترک است.

مسئله ۲۴۴۳. اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن‌های کفار و جاهائی از بدن که عادت آن‌ها به پوشانیدنش نیست نگاه کند، در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۴۴. زن باید بدن و موی سر خود را از مرد نامحرم بپوشاند، و بهتر آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد، بپوشاند. ^{۶۲}

سوم. مناسک حج

مسئله ۲۶۶. بانوان در حال احرام نبایستی صورت خود را با پوشه یا نقاب و مانند آن هر چیزی باشد بپوشانند بنا بر احتیاط. هم‌چنان که احتیاط این است که قسمتی از روی خود را نیز نپوشانند. بلی پوشاندن صورت در حال خواب و پوشاندن قسمتی از آن مقدماتاً برای پوشاندن سر در حال نماز عیبی ندارد. و احتیاط آن است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

^{۶۱} خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، الطبعة الثامنة والعشرون، بیروت: مدینة العلم، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۶۰-۲۵۹.

^{۶۲} خویی، رساله توضیح المسائل، طبع بیست و نهم، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۰۲ ق، ص ۴۳۵.

مسئله ۲۶۷. بانوان مُحَرَّم می‌توانند از مرد اجنبی رو بگیرند، به این نحو که گوشه چادر یا عبا و مانند آن را که بر سر دارند تا مقابل بینی یا چانه خود را پائین بکشند. و احتیاط این است قسمت پائین آمده را به وسیله دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگاه دارند.

مسئله ۲۶۸. کفاره پوشاندن صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند است.^{۶۳}

بررسی:

یک. فتاوی آقای خویی در بحث لباس زن نمازگزار اختلافی با فتاوی متأخر آقای حکیم ندارد. دو. در مورد زن محرم، اولاً آقای خویی بر خلاف آقای حکیم، پوشیده شدن صورت در زمان خواب را بدون مشکل دانسته است؛ ثانیاً ایشان روگرفتن از نامحرم را به شرط نجسبیدن به صورت، احتیاط مستحب دانسته بود، در حالی که آقای حکیم احتیاط واجب قائل شده بود. فتاوی آقای خویی در مورد زن مُحَرَّم موسع‌تر از فتاوی آقای حکیم است.

سه. فتاوی آقای خویی در مورد عدم وجوب پوشش صورت و دست‌های زن از ناظر نامحرم با فتاوی متأخر آقای حکیم تفاوتی ندارد.

چهار. فتاوی آقای خویی در مباحث نگاه کتاب نکاح منهاج الصالحین و توضیح المسائل با فتاوی متقدم آقای حکیم سازگار است، نه با فتاوی متأخر ایشان. لذا به فتاوی ایشان نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم حتی بدون تلذذ و ریبه، بنا بر احتیاط واجب، حرام است. یعنی آقای خویی در مسئله اصلی مضیق‌تر از آقای حکیم فتوا داده است.

پنج. نگاه کردن زن به صورت و دست‌ها و گردن و قدم‌های مرد نامحرم بدون تلذذ و ریبه جایز است، اگرچه احتیاط مستحب در ترک چنین نگاهی است. فتاوی آقای خویی در این مورد موسع‌تر از فتاوی آقای حکیم است، چرا که ایشان در مورد مواضع جایز النظر قائل به مشابَهت بین زن و مرد است. آقای خویی به چنین مشابَهتی قائل نیست.

شش. نگاه کردن مرد بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن‌های غیرمسلمان و جاهایی از بدن که عادت آن‌ها به پوشانیدنش نیست نگاه کند، در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد. نگاه کردن به زنان مسلمان بی‌مبالاتی که وقتی از عدم رعایت پوشش شرعی نهی می‌شوند، وقعی نمی‌گذارند، نیز همین حکم را دارد. فتاوی آقای خویی در این مورد نیز با فتاوی آقای حکیم سازگار است.

هفت. از مقایسه فتاوی آقایان حکیم و خویی این نتیجه کلی به دست می‌آید؛ سه مورد از فتاوی آن‌ها مشابه است: پوشش نمازگزار، عدم وجوب پوشش وجه و کفین، حکم نگاه به زنان غیرمسلمان و زنان مسلمان بی‌مبالات. در دو مورد فتاوی آقای خویی موسع‌تر از آقای حکیم است: زن مُحَرَّم، و نگاه زن به مرد نامحرم. اما در مورد اصلی، یعنی نگاه مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ، فتاوی ایشان از فتاوی متأخر آقای حکیم مضیق‌تر است؛ تفاوت احتیاط واجب در ترک نگاه و جواز نگاه.

^{۶۳} خویی، مناسک حج، قم: مدینه العلم، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷.

ب. فتاوی آقای سیستانی

فتاوی این قسمت را از سه منبع نقل می‌کنم: منهاج الصالحین آقای سیستانی که در مقایسه با منهاج آقایان حکیم و خویی تغییر فراوانی یافته است. دوم رساله توضیح المسائل، سوم مناسک حج آقای سیستانی. اولاً با توجه به این که ایشان در میان مراجع اعلای تشیع در یک قرن اخیر طولانی‌ترین زمان را در قبول مسئولیت دارد (بیش از سه دهه)، ثانیاً ایشان مرجع اعلای در قید حیات در این زمان است، فتاوی ایشان را با جزئیات بیشتری نقل و بررسی می‌کنم.

اول. منهاج الصالحین

مسئله ۵۱۸: ... عورت زن در نماز تمام بدن وی حتی سر و مو - غیر از صورت به مقداری که روسری (خمار) آن را عادتاً نمی‌پوشاند، با [گره] زدنش بر گریبان، اگرچه احوط استحبابی پوشاندن مقداری است که در وضو شسته می‌شود، و غیر از دو دست تا مچ‌ها، و غیر از دو پا تا دو ساق [مچ] روی پا و کف پا - است، و باید مقداری خارج از حدود [سه‌گانه استثنائیه فوق] را هم بپوشاند.

مسئله ۵۱۹: دختر بچه [نابالغ در مورد حدود پوشش در نماز] مانند زن آزاد و بالغ است، مگر در سر، موی آن و گردن؛ بر وی پوشاندن این دو موضع واجب نیست.^{۶۴}

مسئله ۱۴: نگاه کردن مرد به غیر صورت و دست‌ها از بدن زن نامحرم و موی او جایز نیست، چه با لذت شهوانی یا ریه باشد یا نباشد، و همین‌طور نگاه کردن با لذت شهوانی و ریه به صورت و دست‌های زن نامحرم [جایز نیست]، اما بدون لذت شهوانی و ریه جواز نگاه کردن بعید نیست، و اگرچه احوط استحبابی ترک چنین نگاهی است.

مسئله ۱۵: نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم با لذت شهوانی یا با ریه حرام است، بلکه احوط لازم این است که به غیر آن چه سیره بر عدم التزام به پوشاندن آن است از سر و دو دست و قدم‌ها و مانند آن‌هاست نگاه نکند، حتی اگر بدون تلذذ شهوی و ریه هم باشد؛ اما نگاه زن به این مواضع از بدن مرد [نامحرم] بدون ریه و التذاد شهوانی جایز است، اگرچه احوط استحبابی ترک آن است.

مسئله ۱۸: بر زن پوشاندن مو غیر از صورت و دست‌ها [تا مچ] از بدنش از غیر همسر و افراد محرم واجب است. اما صورت و دست‌ها، اظهر جواز آشکارکردنشان (ابداء) است مگر با ترس وقوع در حرام یا با انگیزه انداختن مرد به نگاه حرام که در این دو صورت نپوشانیدن صورت و دست‌ها حرام است، حتی به نسبت به افراد محرم. این در غیر زنان سالمندی است که امیدی به ازدواج ندارند، اما بر آن‌ها [زنان سالمندی که امیدی به ازدواج ندارند] آشکار کردن مو و ذراع [از آرنج تا انگشتان] و مانند این دو از مواضعی که روسری (خمار و جلباب) عادتاً نمی‌پوشاند جایز است، البته بدون این که به زینت تبرج کنند.

مسئله ۱۹: بر مرد پوشاندن خود از زن نامحرم واجب نیست، و اگرچه بنا بر احتیاط لازم بر زن نگاه کردن به غیر آن چه سیره بر عدم التزام به پوشاندن آن از بدن جاری است، جایز نیست.

^{۶۴} سید علی حسینی سیستانی، منهاج الصالحین، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۴۵ ق / ۲۰۲۳ م، طبعه مصححه، ج ۱، ص ۱۹۷.

مسئله ۲۶. نگاه کردن به زنان بی‌مبالاتی که وقتی از بی‌حجابی نهی می‌شوند، واقعی نمی‌گذارند، به شرط عدم التذاذ شهوانی و ریه. در این امر فرقی بین زنان کافر و غیر ایشان نیست، آن‌چنان که فرقی نیست بین صورت و دست‌ها و بین بقیه اعضای بدن که عادت زنان بر نپوشاندن آن‌هاست.

مسئله ۲۷. احتیاط وجوبی در ترک نگاه به عکس زن نامحرم اهل مبالات (غیر المبتذلة) است وقتی ناظر او را می‌شناسد، از این [عدم جواز] صورت و دست‌ها استثناء می‌شود، نگاه به عکس [این اعضا] بدون لذت شهوانی و ریه جایز است، آن‌چنان که نگاه به خود این دو عضو زن به این شرط [بدون لذت شهوانی و ریه] هم جایز است. مسئله ۲۸. کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، مجاز است به محاسن او از قبیل صورت، مو، گردن، دو دست [تا مچ]، معاصم [ساعدها، جای دست‌بند] و دو ساق [بین زانو و قوزک پا] و مانند آن نگاه کند، این نگاه کردن لازم نیست به اذن و رضای زن باشد. آری شرط جواز نگاه این است: [اولاً] که به قصد تلذذ شهوانی نباشد، حتی اگر بداند چنین التذاذی قهراً با نگاه با آن برای او حاصل می‌شود، [ثانیاً] از افتادن به حرام به سبب این نگاه نترسد. ...

مسئله ۲۹. شنیدن صدای زن نامحرم بدون تلذذ شهوانی و ریه جایز است، آن‌چنان که شنوایدن صدایش به مردان نامحرم جایز است مگر با ترس وقوع در حرام. آری، بر زن جایز نیست صدایش را نازک و زیبا کند به نحوی که عادتاً شنونده را به هیجان آورد، حتی اگر شنونده محرم او باشد.^{۶۵}

دوم. رساله توضیح المسائل

مسئله ۷۶۶. زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، و بنا بر احتیاط واجب حتی از خودش نیز پوشانده شود، پس اگر چادر را طوری بپوشد که خودش بدنش را ببیند اشکال دارد. ولی پوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ، و پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ‌ها را هم بپوشاند.

مسئله ۲۴۵۱. نگاه کردن مرد به بدن زنان نامحرم، و همچنین نگاه کردن به موی آنان، چه با شهوت باشد چه بدون آن، چه با ترس از وقوع در حرام چه بدون آن، حرام است، و نگاه کردن به صورت آنان و دست‌هایشان تا مچ، اگر با شهوت یا با ترس از وقوع در حرام باشد، حرام است، بلکه احتیاط مستحب آن است که بدون شهوت و ترس از وقوع در حرام هم به آن‌ها نگاه نکند. و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم با شهوت و ترس از وقوع در حرام، حرام می‌باشد، بلکه - بنا بر احتیاط واجب - بدون آن نیز نباید نگاه کند، مگر به جاهایی از بدن که معمولاً مردها نمی‌پوشانند، مثل سر و دست‌ها و ساق پاها، که نگاه کردن زن به این جاها اگر بدون شهوت و خوف وقوع در حرام باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۵۲. نگاه کردن به زن‌های بی‌باک که اگر کسی آن‌ها را امر به حجاب نماید اعتنا نمی‌کنند، اشکال ندارد، مشروط به آن که بدون شهوت و ترس وقوع در حرام باشد، و در این حکم فرقی میان زن‌های کفار و دیگر زن‌ها نیست، و همچنین فرقی نیست میان دست و صورت و دیگر جاهای بدن، که معمولاً آن‌ها را نمی‌پوشانند.

^{۶۵} سیستانی، منهاج الصالحین، ۱۴۴۵ ق / ۲۰۲۳ م، طبعه مصححه، ج ۳، ص ۲۳-۲۰.

مسئله ۲۴۵۳. زن باید موی سر و بدن - غیر از صورت و دست‌های - خود را از مرد نامحرم بپوشاند، و احتیاط لازم آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و احتمال می‌رود که نگاهش به بدن زن موجب تحریک شهوتش شود، بپوشاند، ولی زن می‌تواند صورت و دست‌هایش را تا می‌چ از مرد نامحرم نپوشاند، مگر در صورتی که بترسد به حرام بیفتد، یا به قصد مبتلا کردن مرد به نگاه حرام باشد، که پوشانیدن در این دو صورت واجب است.

مسئله ۲۴۵۶. مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند، و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است، و همچنین است در هر دو مورد اگر خوف وقوع در حرام باشد.

مسئله ۲۴۵۷. اگر مرد زن نامحرمی را بشناسد، چنان‌چه از زن‌های مبتذله نباشد، - بنا بر احتیاط واجب - نباید به‌عکس او نگاه کند، به‌جز صورت و دست‌ها که نگاه بدون لذت و خوف وقوع در حرام جایز است.^{۶۶}

سوم. مناسک حج

مسئله ۲۶۶. زن در حال احرام جایز نیست صورت خود را با پوشیه یا نقاب یا بادبزن و مانند آن بپوشاند، و احتیاط این است که صورت خود را با هیچ چیزی نپوشاند، همچنان که احتیاط این است که قسمتی از صورت را نیز نپوشاند. آری جایز است که صورت خود را در حال خواب بپوشاند، و اشکالی ندارد که جهت یقین حاصل نمودن به پوشیده شدن سر در نماز مقداری از صورت را بپوشاند، ولی تنها به اندازه‌ای که یقین ذکر شده حاصل شود و نه بیش از آن، و به‌شرط این که پوشیدن این مقدار از صورت از راه رها کردن پوششی که بر سر دارد به‌طرف صورت ممکن نباشد، و اگر بتواند باید همین کار را بکند.

مسئله ۲۶۷. زن در حال احرام جایز است که صورت خود را از مرد نامحرم بپوشاند، به این کیفیت که طرف چادر و یا هر چیزی که با آن سر خود را پوشانده به‌طرف صورت رها کند و تا محاذی بینی پایین بیاورد، بلکه می‌تواند آن را تا محاذی گردن هم پایین بیاورد، و بنا بر اظهر لازم نیست که این پوشش، از صورت به وسیله دست یا غیر آن فاصله داشته و به آن نچسبیده باشد، هرچند که احوط همین است.

مسئله ۲۶۸. بنا بر احوط و اولی، کفاره پوشاندن صورت یک گوسفند است.^{۶۷}

بررسی:

یک. صورت وضویی اوسع از صورت خماری است. چون صورت در بحث پوشش مستثنی است، مستثنی منه (مواضعی که باید پوشیده شود) اگر صورت وضویی ملاک پوشش فرض شود، مواضع واجب الستر کوچک‌تر از وقتی است که صورت خماری ملاک قرار گیرد. آقای سیستانی برخلاف فقهای قبلی، صورت وضویی را به صورت خماری تغییر داده، در نتیجه فتاوی وی مضیق‌تر از بقیه فقها در این زمینه است، هرچند ایشان صورت وضویی را به احتیاط مستحب نزدیک‌تر یافته است. در دیگر جزئیات لباس نمازگزار، فتاوی ایشان تفاوتی با فتاوی آقایان حکیم و خویی ندارد.

^{۶۶} سیستانی، رساله توضیح المسائل، با تجدید نظر و اصلاحات و اضافات، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۷۴-۴۷۳.

^{۶۷} سیستانی، مناسک حج، قم: دفتر معظم له، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱۸-۱۱۷.

دو. فتوای ایشان درباره زن مُحَرَّم (حج) تفاوت چندانی با فتاوی آقای خویی در این زمینه ندارد. تنها تفاوت: «بنا بر اظهر لازم نیست که این پوشش، از صورت به وسیله دست یا غیر آن فاصله داشته و به آن نجسبیده باشد، هرچند که احوط همین است.» این فتوا در زمره موسع‌ترین فتاوی بحث زن مُحَرَّم است.

سه. فتوای آقای سیستانی از آقایان حکیم و خویی در مورد عدم وجوب پوشش صورت و دست‌های زن از ناظر نامحرم مضیق‌تر است. ایشان این جواز یا عدم وجوب را مقید به دو شرط کرده است: [در صورت و دست‌ها] اظهر جواز آشکار کردن‌شان (ابداء) است مگر با ترس وقوع در حرام، یا با انگیزه انداختن مرد به نگاه حرام که در این دو صورت نپوشانیدن صورت و دست‌ها حرام است، حتی نسبت به افراد مُحَرَّم.

چهار. ایشان با صراحت فتوا داده است که «بر آن‌ها [زنان سالمندی که امیدی به ازدواج ندارند] آشکار کردن مو و ذراع [از آرنج تا انگشتان] و مانند این دو از مواضعی که روسری (خمار و جلباب) عادتاً نمی پوشاند جایز است، البته بدون این‌که به زینت تبرج کنند.»

پنج. «بدون لذت شهوانی و ریه، جواز نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم بعید نیست، و اگرچه احتیاط مستحب در ترک چنین نگاهی است.» این فتوا موسع‌تر از فتوای آقای خویی (احتیاط واجب در ترک نگاه) و مضیق‌تر از فتوای آقای حکیم (جواز نگاه) است.

شش. نگاه زن به مواضعی از بدن نامحرم که معمولاً مردها نمی پوشانند، مثل سر و دست‌ها و ساق پاها بدون شهوت و خوف وقوع در حرام اشکالی ندارد. هرچند احتیاط استحبابی در ترک آن است. این فتوای آقای سیستانی نزدیک به فتوای آقای خویی است.

هفت. در جواز نگاه به مواضعی از بدن زنان غیرمسلمان و زنان مسلمان بی‌مبالات که وقتی از عدم رعایت پوشش شرعی نهی می‌شوند، وقعی نمی‌گذارند، بین فتوای آقای سیستانی با آقایان خویی و حکیم تفاوتی نیست.

هشت. در مجموع، اولاً فتوای آقای سیستانی در نگاه به زنان غیرمسلمان و مسلمان بی‌مبالات مشابه فتوای آقایان حکیم و خویی است. ثانیاً فتوای ایشان در پوشش زن نمازگزار، و شرایط عدم وجوب پوشش صورت و دست‌ها مضیق‌تر از آقایان حکیم و خویی است. ثالثاً فتاوی ایشان درباره زن مُحَرَّم و نگاه مجاز زن به مرد نامحرم موسع‌تر از فتاوی آقای خویی است. رابعاً در مسئله اصلی، جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون لذت شهوانی و ریه، فتوای ایشان بین فتوای آقای خویی و و فتوای متأخر آقای حکیم است. موسع‌تر از اولی است، به توسع احتیاط مستحب نسبت به احتیاط واجب؛ و مضیق‌تر از دومی است، با مقایسه احتیاط مستحب در ترک نگاه با جواز نگاه.

نُه. مطابق فتوای آقای سیستانی، نگاه کردن به مو و مواضعی از بدن زنان مسلمان بی‌باک که موازین حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند، شرعاً اشکالی ندارد. مقایسه کنید با سیاست‌های خلاف شرع جمهوری اسلامی درباره حجاب اجباری!

د. مطابق فتوای آقای سیستانی، نگاه کردن زنان به بدن مردان در زمان مسابقات ورزشی (از قبیل فوتبال و بسکتبال و والیبال) اشکال شرعی ندارد. مقایسه کنید با سیاست‌های خلاف شرع جمهوری اسلامی در مورد عدم جواز یا سخت‌گیری در حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات مردانه!

جمع‌بندی فصل اول و دوم:

در این دو فصل، فتاوی شش مرجع اعلای تشیع از دهه هفتاد قرن سیزدهم در مسئله پوشش و نگاه بررسی شد، آقایان سید محمدکاظم یزدی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین بروجردی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، و سید علی سیستانی. از این شش نفر، پنج نفر ساکن حوزه نجف و آقای بروجردی ساکن حوزه علمیه قم بوده است. پنج نفر از آن‌ها ایرانی و آقای حکیم عرب عراقی بوده است. چهار نفر از آن‌ها کتاب فتاوی سرمشق تدوین کرده‌اند: العروة الوثقی سید یزدی، وسیله النجاة سید اصفهانی، توضیح المسائل سید بروجردی، و منهاج الصالحین سید حکیم.

اول. در مورد پوشش زن نمازگزار، غیر از این دو مورد اختلاف نظر، همگی در وجوب پوشش تمام بدن به استثنای صورت، دست‌ها تا مچ و پاها تا قوزک (رو و کف پا) اتفاق نظر دارند. مورد اختلاف اول: بنا به نظر آقای بروجردی احتیاط واجب آن است که زن نمازگزار در حال سجده کف پا را هم بیپوشاند. رأی فقهی ایشان از فتاوی هر پنج فقیه دیگر مضیق‌تر است. مورد اختلاف دوم: همه این فقها ملاک را در استثنای صورت، صورت وضویی دانسته‌اند به استثنای آقای سیستانی که ملاک را در استثنا، صورت خماری دانسته است. در نتیجه، فتاوی وی مضیق‌تر از بقیه فقها در این زمینه است، هرچند ایشان صورت وضویی را به احتیاط مستحب نزدیک‌تر یافته است.

دوم. هر شش فقیه در زمان احرام اگرچه پوشاندن صورت زن با نقاب و مانند آن را حرام دانسته‌اند، اما روگرفتن زن از مرد نامحرم با آویزان کردن روسری روی صورت را مجاز دانسته‌اند. آقای بروجردی نجسبیدن روسری آویزان شده به صورت را لازم دانسته است. آقای حکیم روگرفتن از نامحرم را به شرط نجسبیدن به صورت احتیاط واجب و آقای خویی احتیاط مستحب دانسته است. آقای سیستانی موسع‌تر از بقیه فتوا داده: بنا بر اظهر لازم نیست که این پوشش، از صورت به وسیله دست یا غیر آن فاصله داشته و به آن نجسبیده باشد، هرچند که احوط همین است.»

سوم. در زمینه پوشش صورت و دست‌ها مضیق‌ترین فتوا متعلق به آقا سید ابوالحسن اصفهانی است: بر زن واجب است تمام بدن خود، حتی صورت و دست‌ها را از نامحرم، حتی بدون احتمال تلذذ و ریه بیپوشاند. صاحب عروة و سید بروجردی قائل به احتیاط مستحب مؤکد پوشش صورت و دست‌های زن در برابر مرد نامحرم هستند. قول سوم در صورت و دست‌ها، اظهر جواز آشکارکردنشان (ابداء) است، مگر با ترس وقوع در حرام، یا با انگیزه انداختن مرد به نگاه حرام که در این دو صورت نپوشانیدن صورت و دست‌ها حرام است، حتی نسبت به افراد محرم.» این قول سید سیستانی است. قول چهارم عدم وجوب پوشش صورت و دست‌های زن است. این فتاوی متأخر سید حکیم، و فتاوی سید خویی است. قول چهارم موسع‌ترین اقوال چهارگانه است.

چهارم. در مورد نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ و ریه، مضیق‌ترین قول متعلق به سید اصفهانی است: عدم جواز نگاه به مواضع مذکور مطلقاً. قول دوم عدم جواز به احتیاط واجب. این قول سید صاحب عروة، سید بروجردی، و سید خویی است. قول سوم بدون لذت شهوانی و ریه، جواز نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم بعید نیست، و اگرچه احتیاط [مستحب] در ترک چنین نگاهی است. این قول سید سیستانی است. قول چهارم جواز نگاه به مواضع مذکور بدون تلذذ است. این فتاوی متأخر سید حکیم از طبع نهم منهاج الصالحین

به بعد موسع ترین فتوا در فقهای شش گانه است.

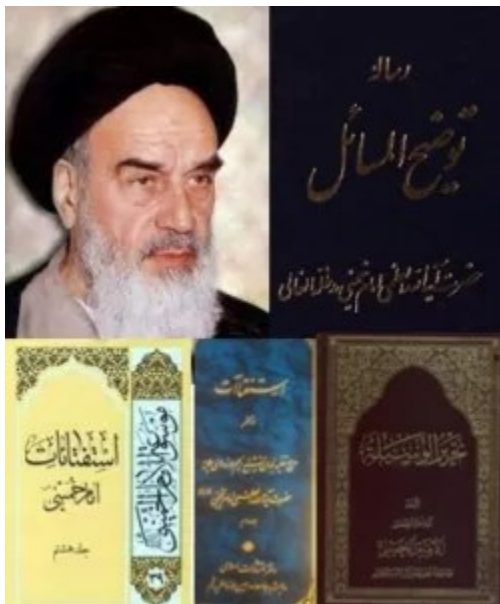
پنجم. در مورد نگاه به بدن زنان نامسلمان مضیق ترین فتوا متعلق به سید بروجردی است: احتیاط واجب آن است که حتی بدون قصد لذت به غیر صورت و دست های زن های اهل کتاب نگاه نکند. قول دوم نگاه کردن به بدن زنان غیرمسلمان - در صورتی که ترس از افتادن در حرام نباشد - جایز است و احتیاط مستحب اکتفا به نگاه به موضعی است که عادتاً نمی پوشانند. قول سوم نگاه به غیر صورت و دست های زنان اهل کتاب بدون قصد لذت بی اشکال است. این فتوای سید حکیم موسع ترین فتوا در بین فقهای شش گانه است. سید خویی و سید سیستانی با سید حکیم هم رأی هستند.

ششم. در مورد جواز نگاه کردن به شرط عدم تلذذ به زنان مسلمان بی مبالغاتی که وقتی از عدم رعایت پوشش شرعی نهی می شوند، واقعی نمی گذارند، سید صاحب عروه و سید اصفهانی حکم مذکور را مشکل دانسته اند، اگرچه فروهشتن چشم از ایشان در معابر عمومی اگر ترس از به فتنه افتادن نباشد، لازم نیست. قول دوم نگاه مذکور جایز است. این فتوای سید حکیم، سید خویی و سید سیستانی است.

هفتم. بر زنان سالمندی که امیدی به ازدواج ندارند آشکار کردن مو و ذراع [از آرنج تا انگشتان] و مانند این دو از موضعی که روسری (خمار و جلباب) عادتاً نمی پوشانند، جایز است، البته بدون این که به زینت تبرج کنند. آقای سیستانی به این جواز تصریح کرده است.

هشتم. در مورد نگاه زن به بدن مرد نامحرم: قول اول حرمت نگاه کردن؛ این فتوای سید صاحب عروه، سید صاحب وسیله، و سید بروجردی است. قول دوم نگاه کردن زن به موضعی از بدن مرد - که نظر کردن مردها به آن مواضع از بدن زن حرام است - حرام می باشد؛ این فتوای سید حکیم است. قول سوم نگاه کردن زن به صورت و دست ها و گردن و قدم های مرد ظاهراً جایز است اگر با تلذذ و ریه نباشد، و اگرچه احتیاط در ترک چنین نگاهی است. این فتوای سید خویی و سید سیستانی است.

فصل سوم. تحولات فتوایی فقیه انقلابی در مورد حجاب



آقای سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۶۸-۱۲۸۱) در زمان وفات آقای حکیم احتمالاً یکی از هفت مرجع تقلید اول شیعه،^{۶۸} در زمان بازگشت پیروزمندانه به ایران در بهمن ۱۳۵۷ احتمالاً یکی از پنج مرجع تقلید اول شیعه،^{۶۹} و در زمان وفات، پس از آقای خویی، دومین مرجع تقلید مطرح شیعه محسوب می‌شده است.^{۷۰} این که فصل مستقلی به فتاوی آقای خمینی اختصاص داده شد به سه علت است: یکی تأثیر فتاوی ایشان در زندگی ایرانیان به دلایل سیاسی و اجتماعی، دوم تبدیل فتاوی ایشان در این زمینه، و سوم مسائل ناگفته و ابهامات در این زمینه. به این دلایل، این فصل طولانی‌ترین فصل این بخش است^{۷۱} و شامل چهار بحث به شرح ذیل می‌باشد: فتاوی

^{۶۸} آقایان سید محمود حسینی شاهرودی (۱۳۵۳-۱۲۶۲)، سید کاظم شریعتمداری (۱۳۶۵-۱۲۸۴)، سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (۱۳۷۲-۱۲۷۸)، سید محمدهادی میلانی (۱۳۵۴-۱۲۷۳)، و سید احمد خوانساری (۱۳۶۳-۱۲۷۰). (کدیور، دوران معاضدت و معاونت، ص ۱۲۵-۱۱۸)

^{۶۹} آقایان شریعتمداری (پرمقصدترین مرجع ایران بعد از آقای خویی)، گلپایگانی، و خوانساری. در آن زمان تعداد مقلدان آقای خمینی با تعداد مقلدان آقای گلپایگانی قابل مقایسه بود. (کدیور، دوران معاضدت و معاونت، ص ۱۳۷-۱۲۵)

^{۷۰} بعد از حذف سیاسی آقای شریعتمداری در سال ۱۳۶۱، آقای خمینی خارج از ایران با فاصله زیادی از آقای خویی و در ایران شانه به شانه ایشان در مرجعیت بوده است. (کدیور، دوران معاضدت و معاونت، ص ۱۴۴-۱۳۷) در مورد قضایای آقای شریعتمداری بنگرید به: محسن کدیور، اسنادی از شکسته شدن ناموس انقلاب: نگاهی به سال‌های پایانی زندگی آقای سید کاظم شریعتمداری، مجموعه‌ی مواجهه‌ی جمهوری اسلامی با علمای منتقد، دفتر اول، کتاب الکترونیکی، ۱۳۹۴، ۴۴۷ صفحه.

^{۷۱} برای مطالعه بیشتر بنگرید به: محسن بهشتی سرشت، زمانه و زندگی امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ۴۴۳ صفحه؛ هدایت الله بهبودی، الف لام خمینی: زندگی‌نامه امام روح‌الله موسوی خمینی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۹۶، ۱۱۵۷ صفحه.

صاحب تحریر الوسیله، ویرایش توضیح المسائل در اواخر عمر، استفتائاتی که بعد از وفات منتشر شد، و تبدل فتاوی آقای خمینی به روایت آقای شبیری زنجانی.

بحث هفتم. فتاوی صاحب تحریر الوسیله

در این بحث، آرای آقای خمینی درباره پوشش زن و نگاه به وی به ترتیب تاریخ در هشت قسمت به شرح ذیل نقل و بررسی می‌شود: تعلیقه بر وسیله النجاة، تعلیقه بر العروة الوثقی، نجاه العباد، حاشیه بر رساله توضیح المسائل، مناسک حج، رساله توضیح المسائل (ویرایش اول)، تحریر الوسیله، و استفتائات در ماهنامه پاسدار اسلام. تاریخ انتشار این فتاوا بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵ است.

یک. تعلیقه بر وسیله النجاة

قدیمی‌ترین اظهار نظر فتوایی آقای خمینی در این قضیه به تعلیقات وی بر وسیله النجاة آقا سید ابوالحسن اصفهانی برمی‌گردد که بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ ق (۱۳۳۲-۱۳۲۵ ش) نوشته شده و در سال ۱۳۴۲ (۱۳۸۲ ق) بدون متن وسیله، بلکه صرفاً عباراتی که تعلیقات ناظر بر آن‌هاست، در قم منتشر شده است. سه سال بعد، در سال ۱۳۴۵ (۱۳۸۵ ق) متن کامل وسیله النجاة با تعالیق آقایان سید محمود شاهرودی و خمینی در قم منتشر شد.^{۷۲}

آقای خمینی بر مسائل شماره ۳ تا ۵ ستر و سائر کتاب صلاه وسیله تعلیقه‌ای ندارد، اما بر مسائل شماره ۱۸ تا ۲۰ کتاب نکاح وسیله سه تعلیقه دارد. در مسئله شماره ۱۸ بحث نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ و ریه، فتاوی وسیله این بود: احوط اقوال بلکه اقوی عدم جواز مطلق (حتی نگاه اول) است. تعلیقه آقای خمینی: «قوائیت ممنوع است.»^{۷۳} مسئله شماره ۱۹ در وسیله: نگاه زن به مرد نامحرم مجاز نیست، مانند عکس [نگاه مرد به زن نامحرم]، و استثنای صورت و دست‌ها در این‌جا از عکس آن مشکل‌تر است. تعلیقه آقای خمینی: «مشکل‌تر ممنوع است. بلکه جواز [نگاه زن به صورت و دست‌های مرد نامحرم به واقع] نزدیک‌تر است.»^{۷۴} انتهای مسئله ۲۰: مصافحه [دست دادن] مرد و زن نامحرم مجاز نیست، آری مصافحه در صورتی که لباسی [مثل دستکش] حائل باشد، اشکالی ندارد. تعلیقه آقای خمینی: «اما به احتیاط [واجب] فشردن دست زن مجاز نیست.»^{۷۵}

نتیجه: آقای خمینی در بحث نگاه موسع‌تر از آقا سید ابوالحسن و در بحث لمس سخت‌گیر از وی است.

دو. تعلیقه بر العروة الوثقی

تعلیقات بر العروة الوثقی آقا سید محمدکاظم یزدی در سال ۱۳۳۵ (۱۳۷۵ ق) نوشته شده و در سال ۱۳۴۰ بدون

^{۷۲} توسط چاپخانه علمیه در ۲۲۵ صفحه. برگرفته از مقدمه ناشر، وسیله النجاة مع تعالیق الامام الخمینی، دو جلد، موسوعة الامام الخمینی،

۱۳۹۲، ج ۲۶ ص و.

^{۷۳} وسیله النجاة مع تعالیق الامام الخمینی، ج ۲، ص ۳۹۰، تعلیقه ۱.

^{۷۴} وسیله النجاة مع تعالیق الامام الخمینی، ج ۲، ص ۳۹۰، تعلیقه ۲.

^{۷۵} وسیله النجاة مع تعالیق الامام الخمینی، ج ۲، ص ۳۹۰، تعلیقه ۳.

متن عروۀ در قم منتشر شده است.^{۷۶} آقای خمینی بر مسائل مورد بحث در کتاب صلاۀ عروۀ تعلیقهای ندارد. در مسئله شماره ۳۱ کتاب نکاح، رأی صاحب عروۀ این است: احتیاط [اوجوبی] منع مطلق نگاه به صورت و دستهای زن نامحرم حتی بدون تلذذ و ریه و حتی نگاه اول است. تعلیقۀ آقای خمینی: «گرچه جواز دور [از واقع] نیست.»^{۷۷}

نتیجه: ایشان جواز نگاه به صورت و دستهای زن اجنبیه بدون تلذذ و ریه را دور از واقع نمی‌داند، اما نگاه نکردن را مطابق احتیاط واجب دانسته است.

سه. نجاه العباد

نجاه العباد اولین رسالۀ فارسی آقای خمینی است که در آغاز مرجعیت توسط برخی شاگردان از تعلیقات ایشان بر وسیلۀ و عروۀ ترجمه و تنظیم شده و در سال ۱۳۴۰ منتشر شده است.^{۷۸}

«مسئله ۲۱. جایز نیست که مرد نظر کند به غیر از دست و صورت زن نامحرم و همچنین به دست و صورتش اگر از روی ریه و لذت باشد، و اما اگر چنانچه به این قصد نباشد، پس احتیاط [واجب] آن است که نگاه نکند.»^{۷۹}

چهار. حاشیه بر رسالۀ توضیح المسائل

پس از رحلت آقای بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، نخست رسالۀ نجاه العباد منتشر شد، سپس آقای خمینی بر توضیح المسائل آقای بروجردی حاشیه نگاشت که در شعبان ۱۳۸۱ (دی-بهمن ۱۳۴۰) در قم بدون متن رساله و اکتفا به عباراتی که حاشیه ناظر به آن است، منتشر شد.^{۸۰}

رسالۀ آقای بروجردی: مسئله ۲۴۴۲. نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم ... همچنین نگاه کردن به موی آنان، چه با قصد لذت و چه بدون آن، حرام است. و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به آنها نگاه نکند^{۸۱} آقای خمینی بر این مسئله حاشیه ندارد. یعنی با آقای بروجردی هم‌نظر است.

پنج. مناسک حج

مناسک حج فارسی آقای خمینی نخستین بار در سال ۱۳۴۰ (شوال ۱۳۸۱ ق) در قم منتشر شده است. این کتاب چندین بار ویرایش شده است. چند مسئله مرتبط از ویرایش‌های آن نقل و بررسی می‌شود:

تروک إحرام: هیجدهم. پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع. و در این جا چند مسأله است:

^{۷۶} در ۳۴۵ صفحه توسط انتشارات وجدانی و دارالفکر. مقدمه ناشر، العروۀ الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی، دو جلد، موسوعۀ الامام الخمینی، ۱۳۹۲، ج ۲۴، ص و.

^{۷۷} العروۀ الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی، ج ۲، ص ۶۱۳.

^{۷۸} انتشارات دار العلم، در دو جلد. مقدمه ناشر، روح الله موسوی خمینی، رساله نجاه العباد، موسوعۀ الامام الخمینی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص هفده و هجده.

^{۷۹} روح الله موسوی خمینی، رساله نجاه العباد، ص ۳۵۸.

^{۸۰} توسط چاپخانه علمیه در ۱۳۸ صفحه. روح الله موسوی خمینی، حاشیه بر توضیح المسائل آیت الله العظمی بروجردی، موسوعۀ الامام الخمینی، ج ۳۰، ۱۳۹۲، ص بیست.

^{۸۱} خمینی، حاشیه بر توضیح المسائل آیت الله العظمی بروجردی، ص ۴۹۴.

مسأله ۱. پوشانیدن رو را به هر چیز اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد، مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر، جائز نیست بنابر احتیاط، و جائز نیست با باد بزن روی خود را بپوشاند. مسأله ۲. بعض رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند. مسأله ۳. اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد، مانع ندارد. مسأله ۴. اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد، مانع ندارد. مسأله ۵. واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدماً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند. مسأله ۶. جائز است برای روی گرفتن از نامحرم، چادر یا جامه را که به سرافکنده پائین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه، چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن، و چیزی [از کفاره] بر او نیست. مسأله ۷. بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پائین می‌اندازد، با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه‌دارد که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است. مسأله ۸. بعضی برای دور نگه نداشتن جامه را از صورت، کفاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است، گرچه اقوی واجب نبودن آن است. مسأله ۹. در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست، گرچه موافق احتیاط است.^{۸۲}

شش. رساله توضیح المسائل (ویرایش اول)

زمان دقیق تدوین و انتشار رساله توضیح المسائل آقای خمینی مشخص نیست، ظاهراً حوالی سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۲ باید بوده باشد. مسئله ۲۴۳۳ رساله توضیح المسائل در دهه چهل شمسی چنین بوده است: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، چه با قصد لذت و چه بدون آن، حرام است. بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند...»^{۸۳} این مسئله در اواخر دهه پنجاه و دهه شصت، حداقل تا اواخر زمان حیات آقای خمینی، چنین بوده است: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، چه با قصد لذت و چه بدون آن، حرام است. و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند.»^{۸۴} جمله دوم به مسئله افزوده شده است. این جمله در رساله آقای بروجردی بود و با فتاوی آقای خمینی در متون فتوایی قبلی سازگار است.

مسئله ۲۴۳۳ حداقل تا سال ۱۳۷۳ در رساله‌های توضیح المسائل آقای خمینی عیناً به همین صورت به چشم می‌خورد.^{۸۵} به عنوان نمونه، در رساله توضیح المسائل که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده، در مقدمه آن به امضای «هیأت بررسی رساله‌های عملیه حضرت امام خمینی» آمده است: «اختلاف‌هایی که در

^{۸۲} خمینی، مناسک حج، موسوعه الامام الخميني، ج ۳۱، ۱۳۹۲، ص ۹۲؛ مناسک الحج، ص ۳۲-۳۱.

^{۸۳} خمینی، رساله توضیح المسائل، بیروت: دار التوجيه الديني، بی تا [ظاهراً دهه چهل شمسی]، ص ۴۹۳. این قدیمی‌ترین رساله توضیح المسائل موجود از ایشان است.

^{۸۴} خمینی، رساله احکام (رساله توضیح المسائل)، با تصحیح (تجدید نظر) غلامرضا رضوانی، تهران: انتشارات راه امام، آبان ۱۳۵۹، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ و خمینی، رساله احکام (رساله توضیح المسائل)، تهران: دار القرآن الکریم، انتشارات اسماعیلیان، بی تا [ظاهراً دهه شصت، قبل از وفات]، ص ۳۸۸.

^{۸۵} رساله توضیح المسائل حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دهم: تابستان ۱۳۷۳، ۱۰۰۰۰ نسخه، (چاپ ششم: زمستان ۱۳۶۹، ۵۰۰۰ نسخه؛ چاپهای هفتم تا نهم هر کدام ۱۱۰۰۰ نسخه)، هجده + ۴۱۶ صفحه، ص ۳۳۶.

چاپ‌های متعدد توضیح المسائل حضرت امام خمینی دام ظلّه مشاهده می‌شود، و گاه با فتاوی معظم‌له در تحریر الوسیله و حاشیه العروه الوثقی تطبیق نمی‌نمود، ما را بر آن داشت که با کسب اجازه از محضر ایشان، مسائل توضیح المسائل را یک‌بار دیگر با تحریر الوسیله و حاشیه امام بر عروه الوثقی مطابقت نموده و موارد اختلاف را تصحیح نمائیم. از این‌رو کلیه ناشرانی که علاقه‌مند به نشر و تکثیر رساله‌های حضرت امام دام ظلّه العالی می‌باشند موظفند نسخه‌های چاپی خود را قبلاً تصحیح نمایند و یا به ترتیبی که در اختیارشان گذارده می‌شود، موارد تصحیح شده را در ابتدای توضیح المسائل به‌طور ضمیمه چاپ و نشر نمایند.^{۸۶}

تاریخ انتشار این مقدمه نامشخص است، اما قطعاً در زمان حیات آقای خمینی و ظاهراً اواسط دهه شصت حوالی سال ۱۳۶۵ است. علی القاعده رساله منتشره به امضای «هیأت بررسی رساله‌های عملیه حضرت امام خمینی» توسط وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی باید حاوی معتبرترین و به‌روزترین فتاوی بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی باشد. اما آن‌چنان که در بحث بعدی خواهد آمد، این تمام ماجرا نیست!

هفت. تحریر الوسیله

تحریر الوسیله معتبرترین کتاب فتوایی آقای خمینی و کامل‌ترین آن‌هاست که از زمان نگارش مدار فقاہت رسمی و تقنین در جمهوری اسلامی بوده است. تاریخ دقیق تدوین جلد اول و دوم و نیز تاریخ انتشار دو نوبت نخست تحریر الوسیله در نجف مشخص نیست. آنچه مشخص است، جلد اول در بورسای ترکیه از آبان ۱۳۴۳ (اواخر جمادی الثانیه ۱۳۸۴ ق) تا حوالی مهر ۱۳۴۴ تدوین شده است. جلد دوم در نجف ظاهراً قبل از سال ۱۳۴۹ تدوین شده است. نوبت اول انتشار در نجف ظاهراً اوایل دهه پنجاه، و نوبت دوم انتشار قبل از سال ۱۳۵۷ بوده است. چاپ دوم ویرایش دوم کتاب است که تا آخر حیات آقای خمینی بدون تغییر باقی می‌ماند.^{۸۷}

الف. لباس نمازگزار:

مسئله ۳. عورت زن که در نماز باید بپوشاند تمام بدن حتی سر و موی اوست، مگر صورت به همان مقدار که در وضو شستن آن واجب است، و مگر دست‌ها تا مچ و پاها تا ساق آن‌ها (که پوشاندن آن‌ها واجب نیست) و بر زن لازم است مختصری از اطراف این موارد استثنا شده را از باب مقدمه بپوشاند.

مسأله ۴. بر زن واجب است که گردن و زیر چانه خود را - حتی بنابر احتیاط (واجب) مقداری از زیر چانه را که بعد از بستن روسری دیده می‌شود - بپوشاند.

مسأله ۵. کنیز و دخترپچه (در پوشش نماز) مانند زن حرّ (آزاد) و بالغ می‌باشند، جز آن‌که پوشاندن سر و مو و

^{۸۶} رساله توضیح المسائل حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دهم: تابستان ۱۳۷۳، صفحه قبل از فهرست، فاقد شماره صفحه. در همین صفحه واژه «رساله‌های» به غلط و مقاله‌های نوشته شده است! میزان صحت این طبع از رساله از مقدمه‌اش پیداست!

^{۸۷} محسن کدیور، دوران معاضدت و معاونت، ص ۸۵. در مقدمه تحریر الوسیله مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی این مشخصات مهم تحقیق نشده است!

گردن بر این دو واجب نیست.^{۸۸}

نتیجه: فتوای آقای خمینی در مورد پوشش زن نمازگزار همانند فتاوی صاحبان عروه و وسیله و فتوای متأخر آقای حکیم است و موسع‌تر از فتوای آقای بروجرودی در احتیاط وجوبی پوشش کف پاست.

ب. احکام نگاه از کتاب نکاح

مسأله ۱۸. نگاه کردن مرد به غیر از صورت و دست‌ها تا میچ زن بیگانه، از مویش و بقیه بدن او بدون اشکال جایز نیست؛ چه در آن تلذذ و ریه باشد یا نه. و همچنین است صورت و دست‌ها در صورتی که با تلذذ و ریه باشد. و اما بدون آن، دو قول، بلکه چند قول هست: جواز آن مطلقاً، عدم جواز آن مطلقاً، تفصیل بین یک نگاه که جایز باشد و تکرار نگاه کردن که جایز نباشد؛ و احوط (وجوبی) اقوال وسطی آن‌ها می‌باشد.

مسأله ۱۹. نگاه کردن زن به مرد بیگانه جایز نیست همان گونه که نگاه مرد به زن بیگانه جایز نمی‌باشد و اقرب آن است که صورت و دست‌ها تا میچ، استثنا می‌باشد.

مسأله ۲۰. هر کسی که نگاه کردن به او حرام است، مسّ او هم حرام می‌باشد؛ پس مسّ مرد بیگانه زن بیگانه را و برعکس، جایز نمی‌باشد. بلکه اگر هم بگوییم که نگاه کردن به صورت و دست‌ها تا میچ از زن بیگانه جایز است، مسّ صورت و دست‌ها تا میچ او را جایز نمی‌دانیم. پس مصافحه او برای مرد جایز نیست، البته از پشت لباس اشکالی ندارد؛ لیکن بنابر احتیاط (واجب) نباید دست او را بفشارد.

مسأله ۲۲. از حرمت نگاه کردن و لمس در مرد بیگانه و زن بیگانه، مقام معالجه استثنا می‌شود در صورتی که معالجه به وسیله هم‌جنس، ممکن نباشد، مانند معرفت نبض در صورتی که با وسیله‌ای مانند درجه و غیر آن ممکن نباشد و مانند خون گرفتن و حجامت و بستن شکستگی و مانند آن. و مقام ضرورت نیز استثنا شده است، مانند این که نجات او از غرق شدن یا سوختن، بر نگاه کردن و لمس نمودن توقف داشته باشد. و اگر ضرورت اقتضا کند یا معالجه آن بر نگاه کردن، نه لمس نمودن، یا عکس آن متوقف باشد، باید به همانی که اضطرار پیدا شده اکتفا شود و در آن چه که اضطرار پیدا کرده باید به قدر ضرورت اکتفا کند؛ پس آن دیگری (نگاه یا لمس) و تعدی به بیشتر از مقدار ضرورت، جایز نمی‌باشد.

مسأله ۲۳. همان طور که بر مرد حرام است که به زن بیگانه نگاه کند، بر زن نیز واجب است که خود را از بیگانه‌ها بیپوشاند؛ و پوشاندن بر مردها واجب نیست اگرچه بر زنان حرام است که به مردان - به غیر از آن چه که استثنا شده - نگاه کنند. و اگر مردها بدانند که زن‌ها تعمداً به آنان نگاه می‌کنند احتیاط (مستحب) آن است که خود را از زن‌ها بیپوشانند؛ اگرچه اقوی آن است که واجب نمی‌باشد.

مسأله ۲۷. نگاه کردن به زنان اهل ذمه بلکه مطلق کفار با نبود تلذذ و ریه - یعنی ترس واقع شدن در حرام - جایز می‌باشد. و احتیاط (واجب) آن است که به جاهایی که عادت آن‌ها بر نپوشاندن آن جاری است اکتفا شود. و گاهی زنان بادیه‌نشین و روستایی از اعراب و غیر آن‌ها - که عادت آن‌ها بر این است که خود را نمی‌پوشانند و اگر

^{۸۸} خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۴۹؛ ترجمه تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۵۹.

نهی شوند هم نمی‌پذیرند و به آن توجه نمی‌کنند - به زنان اهل ذمه ملحق می‌شوند و این اشکال دارد. البته ظاهر آن است که تردد در روستاها و بازارها و جاهایی که این چنین زنانی رفت و آمد می‌کنند و مجامع آن‌ها و جاهایی که این‌ها معامله می‌کنند - که عادتاً علم پیدا می‌شود که نگاه به این‌ها می‌افتد - جایز می‌باشد و نگاه نکردن در این گونه جاها واجب نیست، در صورتی که ترس افتادن به فتنه نباشد.^{۸۹}

نتیجه: اهم فتاوی آقای خمینی در تحریر الوسیله درباره پوشش و نگاه عبارتند از: اولاً احتیاط وجوبی در عدم جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ و ریهه است مطلقاً (حتی در نگاه اول)؛ ثانیاً بر زن واجب است بدن خود را به استثنای صورت و دست‌ها از مرد نامحرم بپوشاند.

هشت. استفتائات در ماهنامه پاسدار اسلام

ماهنامه پاسدار اسلام از دی ۱۳۶۰ انتشار خود در قم را آغاز کرد.^{۹۰} در برخی شماره‌های این مجله ستونی با عنوان «جدیدترین استفتائات از امام» و بعداً «استفتائات از حضرت امام دام ظلّه» «زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن قدیری [۱۳۸۷-۱۳۱۵] عضو حوزه استفتاء امام» منتشر می‌شد. استفتائات مرتبط با موضوع این تحقیق در این جا به ترتیب تاریخ انتشار درج می‌شود. مجموعاً سه استفتاء در این مجله مرتبط با بحث پوشش و نگاه به شرح زیر آمده است:

۱. س: حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست و برای این منظور پوشیدن لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟ ج: «واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند، مانع ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباس‌هایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود».^{۹۱}

۲. س: حد حجاب واجب برای بانوان چیست؟ ج: «پوشاندن تمام بدن به جز وجه و کفین برای زن واجب است».^{۹۲}

۳. س: استثناء دست و قرص صورت در حجاب بانوان و جواز نگاه بدون ریهه و مفسده، با آرایش است یا ساده؟ و آیا زینت‌هایی مانند انگشتر جایز است اظهار شود و اگر صورت آرایش شده باشد پوشاندن واجب است یا خیر؟ ج: «اگر در صورت آرایش موجود باشد باید پوشانده شود و بر مرد اجنبی نیز نگاه کردن جایز نیست و همچنین در کفین اگر دارای زینت ولو مثل انگشتر باشد».^{۹۳}

^{۸۹} خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۶۲.

^{۹۰} صاحب امتیاز دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مدیر مسئول محمدحسن رحیمیان. اطلاعات من از این مجله بر اساس آرشیو اینترنتی آن است. تا پایان سال ۱۳۶۸ بررسی شد. شماره ۸۵، دی ۱۳۶۷ در این آرشیو موجود نبود.

^{۹۱} ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۱۰، مهر ۱۳۶۱. بعد از این شماره به مدت شش ماه بدون هیچ توضیحی ستون «جدیدترین استفتائات از امام» تعطیل شده است.

^{۹۲} ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۱۸، خرداد ۱۳۶۲.

^{۹۳} ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۵۴، خرداد ۱۳۶۵. این استفتاء بعداً در دو کتاب زیر بدون منبع و تاریخ نقل شده است: خمینی، استفتائات، جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۲، ص ۲۵۶؛ خمینی، استفتائات، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، سؤال ۹۸۴۰، ج ۸، ص ۴۶۸.

نتیجه: از استفتاهای مندرج در مجله پاسدار اسلام دو مورد نخست درباره پوشش واجب زن در برابر نامحرم سازگار با کتب فتوایی عربی و فارسی ایشان است. از فتوای سوم جواز نگاه بدون قصد لذت و مفسده به صورت و دستهای زن نامحرم - بدون آرایش و زینت - قابل استفاده است. این قدیمی‌ترین مدرک منتشرشده دال بر فتوای جدید آقای خمینی در جواز نگاه به زن نامحرم - البته بدون قصد لذت و مفسده - است. تاریخ انتشار آن خرداد ۱۳۶۵ است. البته هیچ اشاره‌ای به تبدل فتوای ایشان نشده است.

جمع بندی بحث ششم:

فتاوی آقای خمینی از سال ۱۳۳۲ به شرح ذیل است: اولاً بر زن در زمان نماز واجب است که تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشاند، مگر صورت به همان مقدار که در وضو شستن آن واجب است، و مگر دست‌ها تا مچ و پاها تا ساق آن‌ها (که پوشاندن آن‌ها واجب نیست). بر کنیز و دختر نابالغ پوشاندن سر و مو و گردن در زمان نماز واجب نیست.

ثانیاً بر زن مُحَرَّم پوشاندن صورت با نقاب و روبند و برقع حرام است. اما رو گرفتن از نامحرم در زمان احرام حج با آویزان کردن مقداری از چادر یا روسری جایز است، اما بنا بر احتیاط نباید به صورت بچسبد. ثالثاً بر زن واجب است بدن خود را به استثنای صورت و دست‌ها از مرد نامحرم بپوشاند.

رابعاً جواز نگاه به صورت و دست‌های زن اجنبیه بدون تلذذ و ریه دور از واقع نیست، اما احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به این مواضع نگاه نکند. این احتیاط واجب در کلیه کتب فتوایی عربی (تا آخر عمر) و فارسی (حداقل تا بهمن ۱۳۶۷) به چشم می‌خورد. از یک استفتای منتشره در مجله پاسدار اسلام در خرداد ۱۳۶۵ جواز نگاه بدون قصد لذت و مفسده به صورت و دست‌های زن نامحرم - بدون آرایش و زینت - قابل استفاده است. اما هیچ اشاره‌ای به تبدل فتوای ایشان در این مسئله مبتلا به نشده است.

خامساً نگاه کردن به زنان غیرمسلمان بدون تلذذ و ریه جایز است. اما احتیاط واجب آن است که به جاهایی که عادت آن‌ها بر نپوشاندن آن جاری است اکتفا شود. نگاه نکردن به زنان مسلمان لایالی واجب نیست در صورتی که ترس افتادن به فتنه نباشد.

بحث هشتم. ویرایش توضیح المسائل در اواخر عمر

در بهمن ۱۳۶۷ رساله توضیح المسائل آقای خمینی با مقدمات ذیل توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد منتشر شد:

در مقدمه ناشر آمده است که رساله توضیح المسائل با تصحیح دو نفر از اعضای دفتر استفتای آقای خمینی در قم با توجه به آخرین فتاوی ایشان تصحیح شده است. در دست خط نامه مندرج در ابتدای رساله به امضای سید عباس خاتم [یزدی (۱۳۸۰-۱۳۰۹)]، سید جعفر کریمی [۱۳۹۹-۱۳۰۹]، و عبدالعلی قرهی [۱۳۹۴-۱۳۰۰] مورخ ۸ بهمن ۱۳۶۶ به آقای خمینی آمده است: به پیشنهاد آقای عبدالعلی قرهی، اینجانبان [خاتم و کریمی] محتویات رساله شریفه توضیح المسائل را حرفیاً [کلمه به کلمه به صورت دقیق] بررسی نموده، با فتاوی حضرت‌عالی در کتاب تحریر الوسیله و در کتاب حاشیه العروه الوثقی و در بعض مسائل با جواب استقنات که در سابق به نظر دقیق شما رسیده تطبیق نمودیم، که در موارد زیادی برخورد به وجود اشتباه در رساله توضیح [المسائل] شده به

تصحیح و اصلاح انجامید. امید است این خدمت ناچیز ... مورد قبول و موافقت نظر مبارک قرار گیرد، عمل به رساله شریفه توضیح المسائل با تصحیح انجام شده مجزی و مبرء ذمه مکلفین و موجب تقرب إلى الله تعالى باشد.» در دست خط آقای خمینی در ابتدای رساله آمده است: «چون در رساله توضیح المسائل پاره‌ای از اغلاط مشاهده شده بود، جمعی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم اقدام به تصحیح و غلط‌گیری آن نمودند و پس از تصحیح و غلط‌گیری دقیق به صحت آن شهادت داده‌اند که ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان، عمل به این رساله تصحیح شده إن شاء الله مجزی است. امید آن که عاملین به آن عندالله مأجور باشند. به تاریخ ۱۵ جمادی الثانیة ۱۴۰۸ [۱۵ بهمن ۱۳۶۶]»^{۹۴}

آن چه در این ویرایش تغییر یافته، مسئله ۲۴۳۳ است: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است. و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد. ...»^{۹۵} جمله‌ای که تغییر یافته جمله سوم است. فتوای قبلی این بوده: «بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند.» یعنی «احتیاط واجب در عدم جواز» نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت به «جواز» تغییر یافته است، و این تغییر بزرگی است. دیگر مسائل مورد بحث در ویرایش اخیر تغییر نیافته است.

در مقدمه رساله توضیح المسائل چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۰ آمده است: پس از طبع بیش از دویست هزار نسخه از رساله توضیح المسائل حضرت امام متوجه عدم انطباق برخی مسائل آن با آخرین فتاوی ایشان گردید و به همین جهت از طبع مجدد آن خودداری نمود و مراتب مزبور را در تاریخ ۹ دی ۱۳۶۳ کتباً به محضر امام امت عرضه داشت. در اوایل سال ۱۳۶۴ این دفتر تصمیم گرفت برای نشر هرچه بیشتر و صحیح‌تر فتاوی حضرت امام در سه زمینه کار کند: ۱. ترجمه تحریر الوسیله، ۲. جمع‌آوری استفتائات امام، ۳. تطبیق مجدد رساله عملیه امام با آخرین فتاوی ایشان. ابتدا از محضر امام راحل کسب اجازه شد و سپس در هر سه زمینه آغاز به کار شد. تا کنون جلد اول استفتائات امام از طبع خارج شده ... ترجمه تحریر الوسیله هم اخیراً در چهار مجلد منتشر شده ... بر همین منوال رسیدگی به توضیح المسائل منسوب به امام رضوان الله تعالی علیه هم از تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۶۴ که اجازه کتبی امام راحل به دست ما رسیده بود با جدیت کامل آغاز شد و با صرف میلیون‌ها ریال، کار تطبیق نهایی آن با آخرین فتاوی معظم له، اضافه کردن مسائل ضروری و حذف مسائل غیرضروری تا اول بحث نماز به پایان رسید و حتی حروف چینی آن هم انجام گرفت که هم‌اکنون در بایگانی‌های این دفتر موجود است. در این میان معلوم شد که برخی از اعضای محترم دفتر استفتای امام نیز به ضرورت تطبیق و اصلاح توضیح المسائل واقف شده و همین کار مهم را شروع کرده‌اند، بنابراین دفتر انتشار اسلامی برای اجتناب از دوباره کاری و اولویت اعضای محترم دفتر استفتائات حضرت امام (از جهات مختلف) کار خود را در زمینه توضیح المسائل تعطیل نمود. خوشبختانه پس از چند سال رساله حضرت امام با اصلاحات نسبی و مفیدی (که توسط

^{۹۴} خمینی، رساله توضیح المسائل، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۷، چاپ اول، تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه.

^{۹۵} خمینی، رساله توضیح المسائل، مشهد، ۱۳۶۷، ص ۳۳۵.

اعضای محترم دفتر استفتاء امام داده شده بود) توسط آستان قدس رضوی منتشر شد و ما از این که هدف مطلوب تا حدودی انجام گرفته بود خدای را سپاسگزاری کردیم. ولی متأسفانه رساله مزبور بیش از یک بار آن هم در تیراژ محدود منتشر نگردید، در صورتی که در حدود یک چهارم مسائل آن نسبت به رساله‌های رایج در دست مردم تغییرات جزئی یا کلی معتنابه داشت و لازم بود همه مقلدین امام به سرعت از آن‌ها مطلع شوند. بدین جهت این دفتر در صدد برآمد خود با کسب اجازه از آستان قدس رضوی به طبع مجدد آن بپردازد.^{۹۶} این طبع عیناً افست طبع آستان قدس رضوی با مقدمه ناشر جدید است.

سومین ناشر ویرایش جدید رساله توضیح المسائل مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در خرداد ۱۳۷۸ است.^{۹۷} «از آن جا که اغلب رساله‌های علمی منتشر شده حاوی اغلاط چاپی بوده، بعضی از اعضای محترم دفتر استفتائات حضرت امام اقدام به تصحیح آن کردند و رساله تصحیح شده برای نخستین بار توسط بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی منتشر گردید و از آن پس بارها توسط دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تجدید چاپ شد. در سال‌های اخیر به دلیل مراجعات متعدد از سوی مقلدین و کمبود رساله عملیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س) که متولی انتشار آثار حضرت امام (رض) می‌باشد به ناشران مختلف اجازه چاپ و انتشار این اثر مهم را داده است. اکنون با توجه به این که در رساله تصحیح شده نیز اغلاط چاپی مختلفی مشاهده می‌شود و این اغلاط در چاپ‌های ناشرین دیگر رو به فزونی دارد، این مؤسسه بر آن شد تا ضمن بررسی رساله‌های موجود، متن صحیحی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. توجه به این نکته ضروری است که اعضای محترم دفتر استفتائات که این رساله را تصحیح کرده و شهادت به صحت آن داده‌اند، طی نامه‌ای به محضر امام (س) موافقت ایشان را درباره مطابقت این رساله با فتاوی آن حضرت کسب کرده و مطابق نامه حضرت امام (س) عمل به رساله تصحیح شده - إن شاء الله تعالی - مجزی است.» در صفحات بعد، کلیشه نامه سید عباس خاتم یزدی و سید جعفر کریمی به همراه عبدالعلی قرهی و پاسخ آقای خمینی به ایشان از رساله آستان قدس عیناً آورده شده است.

مؤسسه تنظیم و نشر رساله توضیح المسائل را به عنوان «جلد ۲۹ موسوعه امام خمینی» در سال ۱۳۹۲ منتشر کرد. در مقدمه آن آمده است: «از سال ۱۳۶۶ با پیشنهاد حجت الاسلام والمسلمین قرهی به حضرت امام، توضیح المسائل توسط آیت‌الله سید جعفر کریمی و آیت‌الله سید عباس خاتم یزدی مورد بازنگری قرار گرفت و بعضی از استفتائات حضرت امام تصحیح گردیده، توسط بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی منتشر شد و معیار چاپ‌های بعدی قرار گرفت. ... با توجه به این که در رساله توضیح المسائل تصحیح شده نیز اغلاط چاپی مختلفی مشاهده گردید ... این مؤسسه بر آن شد تا ضمن بررسی رساله‌های موجود، متن صحیحی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. این مهم در سال ۱۳۷۸ صورت پذیرفت. ... اکنون همان متن که بار دیگر با دقت بیشتری تصحیح شده در

^{۹۶} خمینی، رساله توضیح المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، زمستان ۱۳۷۴، چاپ پنجم، تیراژ ۳۰۰۰.

^{۹۷} چاپ اول، تیراژ ۵۰۰۰ نسخه، ص ۳۸۴: مسئله ۲۴۳۳.

موسوعة امام خمینی منتشر می‌گردد.^{۹۸} یعنی حتی طبع قبلی مؤسسه هم بی‌غلط نبوده است!

جمع‌بندی بحث هفتم:

۱. فتاوی منتشرشده آقای خمینی از حوالی سال ۱۳۴۰ تا بهمن ۱۳۶۷ (چهار ماه قبل از وفات) در رساله توضیح المسائل این بوده است: «احتیاط واجب آن است که مرد بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند.»

۲. فتاوی منتشرشده ایشان در برخی رساله‌های توضیح المسائل از بهمن ۱۳۶۷ این بوده است: «نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد.»

۳. فتاوی جدید با فتاوی منتشرشده در مجله پاسدار اسلام مورخ خرداد ۱۳۶۵ کاملاً سازگار است.

۴. همزمان با انتشار این فتوا، فتاوی متقدم همچنان از سوی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی با عنوان مشکوک «هیأت بررسی رساله‌های عملیه حضرت امام خمینی» حداقل تا سال ۱۳۷۳ به عنوان آخرین فتاوی آقای خمینی منتشر می‌شده است.

۵. مقایسه مقدمه رساله‌های توضیح المسائل ناشرهای رسمی کشور (وزارت ارشاد و فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، و دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی) حداقل تا سال ۱۳۷۸ حاکی از بی‌نظمی کامل، دوباره‌کاری، اتلاف وجوهات شرعیه و بیت‌المال، و عدم مدیریت لازم در حد چاپ رساله عملیه مصحح رهبر جمهوری اسلامی است. وقس علیه بابِ فَعَلَّ وَتَفَعَّل!

۶. غلط چاپی (تایپی) غیر از انتشار فتاوی متقدم بعد از تغییر فتواست. غلط تایپی هم می‌تواند مغلّ معنی و غیر آن باشد. انتشار کتابی فاقد غلط تایپی کار سختی نیست. با چندین نوبت نمونه‌خوانی متن مصحح به دست می‌آید. این که در زمان حیات آقای خمینی رساله عملیه ایشان هرگز بدون غلط تایپی منتشر نشده است، نشانه بی‌کفایتی دفتر ایشان است. در هر حال این امر موضوع این تحقیق نیست.

۷. تبدل فتاوی آقای خمینی در این مسئله نخستین بار در ضمن پاسخ به استفتائاتی آمده که سال‌ها بعد از وفات ایشان منتشر شده است. در قسمت بعدی مستندات آن خواهد آمد.

۸. علی‌رغم انعکاس فتاوی متأخر آقای خمینی چهار ماه بعد از وفات در رساله توضیح المسائل، این تبدل فتوا هرگز در کتاب اصلی فتوایی ایشان، تحریر الوسیله، منعکس نشد. یعنی بروز نشدن و ناهماهنگی در متون فتوایی ایشان تا کنون رفع نشده است. حتی در پاورقی یا مقدمه یا مؤخره تحریر الوسیله تذکر داده نشده که در مسئله مورد بحث فتاوی مفتی تغییر کرده است!

بحث نهم. استفتائاتی که بعد از وفات منتشر شد

استفتائات آقای خمینی را دو ناشر در قالب کتاب منتشر کرده‌اند: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. در این بحث، طی دو قسمت، استفتائات مرتبط با پوشش و نگاه روایت و بررسی می‌شود.

^{۹۸} خمینی، رساله توضیح المسائل، ص بیست و دو. مسئله ۲۴۳۳ در ص ۴۳۴ آمده است.

الف. استفتائات طبع جامعه مدرسین

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم جلد اول «استفتائات از محضر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی» را در سال ۱۳۶۶ منتشر کرد.^{۹۹} جلد دوم این مجموعه در بهار ۱۳۷۲ منتشر شده است. در این دو جلد موضوع احکام پوشش و نگاه نیامده است. جلد سوم استفتائات در پائیز ۱۳۸۱ حاوی احکام پوشش و نگاه منتشر شد.^{۱۰۰} مجموعه فاقد نمایه، خصوصاً نمایه موضوعی است. هشت سؤال و جواب را از این مجموعه انتخاب کرده‌ام که با ترتیب منضبطی نقل می‌کنم.^{۱۰۱}

۱. س: چرا زن باید با حجاب نماز بخواند؟ ج: «تکلیف الهی است.»^{۱۰۲}
 ۲. س: باز بودن گردی صورت و دست زن تا مچ در برابر نامحرم چه صورت دارد؟ ج: «در صورت عدم مفسده مانع ندارد.» س: آیا واجب است که زن وجه و کفین خود را بپوشاند؟ ج: «واجب نیست مگر در صورت مفسده.» س: اگر واجب نیست، آیا اولویت دارد یا نه؟ ج: «خوب است.» س: در هر یک از این صور، اگر با عدم رضایت شوهر روبرو شود، مثلاً شوهر بگوید من راضی نیستم که صورت خود را بپوشانی، چه صورت دارد؟ ج: «مرد حق ندارد در این جهت زن را تکلیف کند.»^{۱۰۳}

۳. س: حد پوشش برای مردان و زنان هر کدام چقدر است؟ آیا تجاوز از کمترین مقدار آن حرام است؟ ج: «بر مرد ستر عورتین واجب است و ستر باقی بدن واجب نیست، اگرچه بر زن حرام است بدن مرد نامحرم را نظر کند. و بر

^{۹۹} در مقدمه آن آمده است: «اغلب مسائل این مجموعه (چند جلدی) در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۰ - یعنی سال‌های سوم تا پنجم بعد از انقلاب اسلامی، مصادف با سنوات دوم تا چهارم جنگ تحمیلی - از حضرت امام خمینی استفتاء شده و به وسیله معظم له پاسخ داده شده است.» (استفتائات از محضر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶، جلد اول، ص ۳-۴)

^{۱۰۰} در مقدمه این جلد آمده است: «پس از کسب اجازه از حضرت امام خمینی - قدس الله سره الشریف - کار فشرده بخش فارسی این دفتر زیر نظر حضرات آیات [محمدحسن] قدیری [۱۳۸۷-۱۳۸۷] و [حسین] راستی [کاشانی] [۱۳۹۶-۱۳۰۶] (که از طرف حضرت امام خمینی معین شده بودند) آغاز گردید و این دو بزرگوار در جریان کار مکرراً قبول زحمت فرمودند. ... در تنظیم این جلد علاوه بر حضرات آیات فوق الذکر که قبول زحمت فرموده‌اند، حضرت آیت الله آقای حاج سید جعفر کریمی [۱۳۹۹-۱۳۰۹] هم اکثریت قریب به اتفاق آن را ملاحظه کرده‌اند. شکر الله لمساعدتهم الجميلة. در این مجموعه سعی شده حتی الامکان استفتائات تکراری حذف شود و سؤالات طولانی (بدون تغییر در محتوا) خلاصه و اصلاح عبارتی گردد. کوشش شده که هر مسئله در زیر عنوان فقهی مربوط به خود قرار گیرد. ولی از آن‌جا که برخی از سؤالات به عناوین فقهی متعددی مربوط می‌شده گاهی این تفکیک میسر نبوده و از تکرار چنین مسائلی هم خودداری شده است، بنابراین خوانندگان محترم نباید تصور کنند که اگر در یک فصل دو استفتاء وجود دارد، در فصول دیگر در همان موضوع استفتائی وجود ندارد. اغلب پاسخ‌ها به خط اعضای محترم دفتر استفتاء امام است که امام رضوان الله تعالی علیه آن‌ها را خوانده یا شنیده‌اند و سپس به مهر ایشان مزین شده است. ولی گاهی هم جواب‌هایی با دست خط شخص امام ملاحظه می‌شود، یا جملاتی را حضرت امام در آخر جواب‌ها اضافه فرموده‌اند. دست خط‌ها و مهر مبارک حضرت امام در جلد سوم اسکنر شده و به صورت زیبا و خوانا عرضه شده است.» (استفتائات از محضر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، جلد سوم، ص ۱۲-۱۱)

^{۱۰۱} تتبع من در صفحات ۲۸۰-۲۴۷ جلد سوم ذیل عناوین احکام حجاب، نظر، لمس نامحرم، شنیدن صدای نامحرم و مصاحبت ضروری با نامحرم متمرکز بوده است. ضمناً تنها استفتای مشترک با مجله پاسدار اسلام در بحث قبل نقل شد.

^{۱۰۲} استفتائات، ج ۳، سؤال ۱۰، ص ۲۴۹.

^{۱۰۳} خمینی، استفتائات، ج ۳، ص ۱-۴، و نیز بنگرید به ص ۱۸، ص ۲۵۲-۲۵۱؛ ص ۲۱، ص ۲۵۲؛ ص ۲۴، ص ۲۵۴-۲۵۳؛ ص ۲۵، ص ۲۵۵؛ ص ۱، ص ۲۵۸؛ ص ۷، ص ۲۶۰-۲۵۹؛ ص ۱۸، ص ۲۶۲؛ ص ۸۰ و ۸۱، ص ۲۷۸.

زن واجب است تمام بدن خود را از نظر نامحرم بپوشاند، ولی پوشاندن وجه و کفین لازم نیست، مگر آن که مفسده‌ای بر آن مترتب باشد.^{۱۰۴}

۴. س: پوشاندن وجه و کفین را واجب نمی‌دانید البته با عدم تلذذ و ریه. حال اگر زن یا دختر طوری بودند که احتمال می‌دهند یا می‌دانند که به صورتشان نگاه می‌کنند، آیا باز هم نباید بپوشانند؟ و اگر زن و یا دختر از روی لذت وجه و کفین خود را نپوشاند چگونه است؟ ج: «پوشاندن وجه و کفین واجب نیست، مگر در مورد خوف فساد و ریه و لذت.»^{۱۰۵}

۵. س: آیا بر زن جوان واجب است صورت و کفین خود را از اجنبی بپوشاند؟ و آیا بر مرد جایز است نگاه کردن بدون قصد صورت و کفین اجنبیه؟ ج: «در صورت نبودن مفسده پوشاندن واجب نیست، و نگاه کردن هم جایز است، و رعایت ستر و عفاف هر چه بیشتر بهتر است.»^{۱۰۶}

۶. س: آیا صلاح است برای زن‌ها تمام گردی صورت (چه اصلاح کرده چه اصلاح نکرده) نمایان باشد؟ ج: «در صورت نداشتن مفسده مانع ندارد، ولی نباید با زینت باشد.»^{۱۰۷}

۷. س: با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی و شکل حجاب رایج میان زنان، آیا حضرت امام حجاب خارج از شکل چادر به صورت لباس گشاد و روسری را قبول دارند یا نه؟ ج: «در حجاب واجب برای زن لباس خاصی معتبر نیست، به هر نحو و با هرگونه لباس که خود را از دید نامحرم بپوشاند کفایت می‌کند، و پوشاندن وجه و کفین واجب نیست.»^{۱۰۸}

۸. س: آیا در اسلام حجاب فقط چادر است؟ اگر مانتوی گشاد و روسری بلند و شلوار و یا جوراب ضخیم مدل‌دار که حجم پا را بزرگ‌تر از اندازه اصلی نشان می‌دهد بیوشیم اشکال دارد؟ در ضمن بفرومائید یک زن مسلمان می‌تواند در مورد حجابش از کتاب [مسئله] حجاب آقای [مرتضی] مطهری استفاده کند و مطابق آن حجاب داشته باشد؟ ج: «در حجاب لباس خاصی معتبر نیست، هر چند پوشیدن چادر بهتر است. ولی از پوشیدن لباسی که جلب توجه نامحرم می‌کند اجتناب نمائید، و از کتاب ایشان می‌توانید استفاده کنید.»^{۱۰۹}

جمع‌بندی قسمت الف:

اولاً این پاسخ‌ها منطبق با فتاوی جدید ایشان (جواز نگاه بدون قصد لذت و مفسده به صورت و دست‌های زن نامحرم) مندرج در رساله توضیح المسائل بهمن ۱۳۶۷ است. فتاوی جدید قبلاً در هیچ مجله و کتابی منتشر نشده است. بعد از رساله مذکور این جلد از استفتائات نخستین کتاب منطبق بر فتاوی مذکور است که در سال ۱۳۸۱ (سیزده سال بعد از وفات ایشان) منتشر شده است.

^{۱۰۴} خمینی، استفتائات، ج ۳، س ۱۷، ص ۲۵۱.

^{۱۰۵} خمینی، استفتائات، ج ۳، س ۲۹، ص ۲۵۵.

^{۱۰۶} خمینی، استفتائات، ج ۳، س ۳۵، ص ۲۶۶.

^{۱۰۷} خمینی، استفتائات، ج ۳، س ۳۳، ص ۲۵۶.

^{۱۰۸} خمینی، استفتائات، ج ۳، س ۱۲، ص ۲۵۰.

^{۱۰۹} خمینی، استفتائات، ج ۳، س ۲۶، ص ۲۵۴.

ثانیاً شوهر حق ندارد همسرش را به پوشاندن یا نپوشاندن صورت و دست‌ها مکلف کند. ثالثاً اصل در پوشش صورت و دست‌های زن در برابر نامحرم عدم وجوب است، مگر در مورد خوف فساد و ربه و قصد لذت.

رابعاً در پوشش اسلامی، رعایت حدود شرعی لازم است و هیچ پوششی، حتی چادر، الزام شرعی ندارد، هر چند آقای خمینی پوشیدن چادر را بهتر می‌داند. این بهتر بودن استحباب شرعی نیست، اظهار نظر شخصی فقیه درباره موضوع است.

خامساً علاوه بر تأیید خصوصی کتاب مسئله حجاب،^{۱۱۰} و تأیید علنی کلیه کتاب‌های مطهری بدون استثناء،^{۱۱۱} در پاسخ یک استفتاء، استفاده از کتاب مسئله حجاب مطهری را درباره پوشش بانوان مجاز می‌داند.

ب. استفتائات طبع مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

استفتائات آقای خمینی در ده جلد در سال ۱۳۹۲ توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شده است. جلد هشتم آن حاوی مباحث پوشش و نگاه است. متأسفانه استفتائات درباره هر موضوع ترتیب خاصی ندارد. اکثرشان فاقد تاریخ است. همان اندک تاریخ‌دار هم به ترتیب تاریخ درج نشده است! حداقل هجده استفتاء بدون تاریخ دال بر جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت است.^{۱۱۲} نه استفتاء را انتخاب کرده‌ام که در سؤال و جواب یا سؤال یا جواب نکته تازه‌ای مشاهده می‌شود. سه استفتای نخست فاقد تاریخ است، و شش استفتای بعدی تاریخ دارد و به ترتیب تاریخ درج کرده‌ام.

۱. س: نگاه کردن به صورت زن نامحرم در هنگام تکلم، و یا نگاه مغازه‌دار در موقع فروش جنس چه حکمی دارد؟ [آیا] نظر مبارک در این باره تغییر کرده که در توضیح المسائل احتیاط واجب بر احتراز آن داده‌اید (بدون لذت) [؟] ج: «اگر خوف فتنه در بین نباشد و موجب فساد نشود مانع ندارد، اگرچه بهتر است بدون ضرورت نگاه نکند.»^{۱۱۳} اگرچه پرسشگر از تغییر فتوا در این مسئله پرسیده، آقای خمینی فتوی جدید صادر کرده بدون این که به تغییر فتاوایش تصریح کند. جواز نظر به صورت و دست‌های زن نامحرم این‌جا سه شرط دارد: خوف فتنه در بین نباشد، موجب فساد نشود، احتیاط مستحب در نگاه در وقت ضرورت است. شرط سوم منحصر به همین استفتاء است و در فتاوی بعدی به چشم نمی‌خورد. دو شرط نخست اگرچه با الفاظ متفاوتی تکرار شده است، اما تمایزشان آسان نیست، مگر این که اولی را دال بر احتمال و دومی را دال بر فعلیت بدانیم.

۲. س: نگاه کردن مرد به وجه و کفین و همچنین نگاه کردن به پای زن نامحرم بدون قصد لذت چه صورت دارد؟

^{۱۱۰} منبع اول: مصاحبه حجت‌الاسلام والمسلمین [سید محمود] دعائی، فصل‌نامه حوزه، دفتر تبلیغات حوزه علمی قم، دوره ۸، شماره پیاپی ۴۵، مرداد ۱۳۷۰، ص ۹۲-۹۳؛ گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعائی، تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰-۱۶۹. منبع دوم: خاطرات سیاسی اجتماعی دکتر صادق طباطبائی، ج ۱، ص ۱۱۲. منبع سوم: عبدالکریم سروش، حیات فکری مرتضی مطهری، ۱۱ مرداد ۱۳۹۳.

^{۱۱۱} روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ۹ اردیبهشت ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ خمینی، صحیفه امام، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۲۴۲.

^{۱۱۲} خمینی، استفتائات، سؤالات شماره ۹۸۰۸، ۹۸۱۱، ۹۸۲۳-۹۸۲۲، ۹۸۲۸-۹۸۳۲، ۹۸۳۴-۹۸۳۸، ۹۸۴۲، ۹۸۴۴، ۹۸۶۴ و ۹۹۰۳، ج ۸، ص ۴۵۳-۴۸۸.

^{۱۱۳} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۲۰، ج ۸، ص ۴۵۷.

و حال آن که در رساله [توضیح المسائل] و تحریر [الوسیلة] امام احتیاط واجب دانسته‌اند در ترک آن. و از طرفی شنیده شد بر این که امام نگاه کردن را بدون قصد لذت جایز می‌دانند و در رساله [توضیح المسائل] از روی مصلحت چنین [احتیاط واجب در عدم جواز نگاه] نوشته شده‌است. آیا صحت دارد؟ ج: «وجه و کفین در فرض عدم ریب و مفسده از حرمت نظر مستثنی می‌باشد.»^{۱۱۴} پرسش‌گر شنیده که فتوای آقای خمینی درباره عدم جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم تغییر کرده و به دلیل مصلحت این تغییر فتوا در رساله توضیح المسائل منعکس نشده است و از صحت آن می‌پرسد. آقای خمینی بدون این که دو نکته مهم مذکور را تکذیب کند، فتوای جدیدش را بدون تصریح به تغییر فتوا ابراز کرده است.

۳. س: طبق مسئله ۲۴۳۳ [رساله توضیح المسائل] امام در احکام نگاه کردن «بنابر احتیاط واجب مرد نباید به صورت و دست‌های زن نامحرم [حتی بدون قصد لذت] نگاه کند.» آیا [این حکم] درباره عکس‌ها و فیلم‌ها هم هست؟ اگر بلی، چرا این نوع فیلم‌ها در سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود؟ ج: «عمل به احتیاط [واجب] مزبور را فعلاً واجب نمی‌دانم. و نظر به فیلم و عکس اگر خالی از مفسده باشد اشکال ندارد.»^{۱۱۵} پرسش و پاسخ هر یک دو قسمت دارد. قسمت اول به بحث ما مرتبط است. پرسشگر با نقل جمله دال بر حکم عدم جواز در توضیح المسائل و نشانی آن پنداشته که حکم نگاه به عکس و فیلم زن با نگاه به خود وی فرقی ندارد. این از جمله موارد نادر - احتمالاً تنها مورد منتشرشده - که آقای خمینی به عدولش از فتوای سابق تصریح کرده است. متأسفانه این استفتای مهم فاقد تاریخ است.

۴. س: محترماً در مسئله شماره ۲۴۳۳ رساله امام که بیان می‌فرمایند: «احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکنند» ج: «نظر بدوی به وجه و کفین نامحرم بدون قصد ریب اشکال ندارد مگر مفسده‌ای بر آن مترتب باشد.» (۷ مرداد ۱۳۶۱)^{۱۱۶} این قدیمی‌ترین مدرک تبدل فتوای آقای خمینی درباره نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت است. در این تاریخ، ایشان نگاه بدوی را با شرط مذکور جایز دانسته که مفهوم آن عدم جواز تکرار نگاه است.

۵. س: نگاه کردن به صورت زن نامحرم اگر به قصد لذت نباشد (مثلاً حین صحبت در کارهای روزمره) چه حکمی دارد؟ ج: «در صورت عدم مفسده اشکال ندارد.» (۷ آبان ۱۳۶۱)^{۱۱۷} سه ماه بعد، قید نگاه بدوی هم برداشته شده، حتی تکرار نگاه هم در صورت عدم مفسده مجاز شمرده شده است.

۶. ج: «در صورتی که [نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم] بدون ریب و مفسده باشد اشکال ندارد.» (۲ دی ۱۳۶۱)^{۱۱۸} در ابتدای زمستان ۶۱ آقای خمینی در ابراز فتوای جدیدش ولو به طور خصوصی استوار شده است.

۷. س: مسئله ۲۴۳۳ رساله توضیح المسائل: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم - چه با قصد لذت باشد و چه

^{۱۱۴} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۲۱، ج ۸، ص ۴۵۸.

^{۱۱۵} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۶۹، ج ۸، ص ۴۷۹-۴۷۸.

^{۱۱۶} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۲۷، ج ۸، ص ۴۶۱.

^{۱۱۷} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۲۴، ج ۸، ص ۴۶۰.

^{۱۱۸} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۲۵، ج ۸، ص ۴۶۱.

بدون آن - حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر با قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند...» ج: «نگاه کردن [مرد] به صورت و دست‌ها [ی زن نامحرم] تا میج اشکال ندارد، و نظر به عکس اگر صاحب آن را نمی‌شناسد بدون قصد لذت و مفسده جایز است.» (۲۰ دی ۱۳۶۱) ^{۱۱۹} قید بدون قصد لذت و مفسده متعلق به هر دو حکم است نه فقط حکم اخیر.

۸. س: شما نگاه به دست و صورت زن نامحرم را به احتیاط واجب جایز نمی‌دانید ولی گاهی الزاماً شخصی به صورت زن نگاه می‌کند ... ج: «نظر به دست‌ها و صورت نامحرم مانع ندارد ...» (۲ بهمن ۱۳۶۱) ^{۱۲۰}

۹. ج: «نظر به صورت و دست نامحرم بدون قصد تلذذ و فساد مانع ندارد.» ^{۱۲۱} (۴ بهمن ۱۳۶۱) بنابراین در بهمن ۱۳۶۱ یقیناً فتوای آقای خمینی در مسئله مذکور تغییر یافته و از اظهار کتبی آن در پاسخ پرسشگران ابایی ندارد. جمع‌بندی قسمت ب:

یک. اکثر استفتاهای دفتر تنظیم و نشر در دو منبع قبلی نیامده است.

دو. قدیمی‌ترین پاسخ آقای خمینی دال بر فتوای جدید مورخ مرداد ۱۳۶۱ (مقید به نگاه بدوی) و مورخ آبان ۱۳۶۱ (بدون قید مذکور و سازگار با رساله عملیه بهمن ۱۳۶۷) است که در سال ۱۳۹۲ (بیست و چهار سال بعد از وفات و سی و یک سال بعد از صدور فتوا) منتشر شده است: «نظر به صورت و دست نامحرم بدون قصد تلذذ و فساد مانع ندارد.» چرا این همه تأخیر در انتشار؟! ^{۱۲۲}

سه. در پاسخ استفتائی بدون تاریخ آمده است: «عمل به احتیاط [واجب] مزبور [در مسئله ۲۴۳۳ رساله] را فعلاً واجب نمی‌دانم.» احتمالاً تنها مورد منتشرشده که آقای خمینی به عدولش از فتوای سابق تصریح کرده است. چهار. در استفتائی بی‌تاریخ آمده: «شنیده شد بر این که امام نگاه کردن را بدون قصد لذت جایز می‌دانند و در رساله [توضیح المسائل] از روی مصلحت چنین [احتیاط واجب در عدم جواز نگاه] نوشته شده است. آیا صحت دارد؟» ایشان به این قسمت استفتاء پاسخ نداده است.

بحث دهم. تبدل فتوای آقای خمینی به روایت آقای شبیری زنجانی

آقا سید موسی شبیری زنجانی (متولد ۱۳۰۶): «از مرحوم آقای خمینی پرسیدم: نظر شما در استثناء وجه و کفین در نظر مرد به اجنبیه چیست؟ ایشان فرمود: من جایز می‌دانم و در «تحریر الوسیله» به جهاتی این فتوا را نیاورده‌ام* و الآن این جهات در کار نیست. عرض کردم: این فتوا را از شما نقل کنم؟ فرمود: من این مطلب را می‌نویسم.» (۷ آذر ۱۳۷۷ ش) * پاورقی: «شاید به جهت جلوگیری از سوء استفاده عوامل وابسته به رژیم گذشته در اجرای برنامه‌های فساد بود.» ^{۱۲۲}

الف. تاریخ پرسش آقای شبیری زنجانی از آقای خمینی چه زمانی بوده است؟ به احتمال قوی این پرسش متعلق

^{۱۱۹} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۳۹، ج ۸، ص ۴۶۷. این سؤال و جواب در استفتائات چاپ جامعه مدرسین بدون تاریخ درج شده است. (ج ۳، ص ۶، ۲۵۹)

^{۱۲۰} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۳۳، ج ۸، ص ۴۶۴.

^{۱۲۱} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۱۶، ج ۸، ص ۴۵۶.

^{۱۲۲} سید موسی شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، قم: ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۶۵۲.

به زمانی است که آقای خمینی ساکن قم بوده است؛ یعنی از ۱۰ اسفند ۱۳۵۷ تا ۲ بهمن ۱۳۵۸.^{۱۲۳} احتمال دیگر این است که آقای شبیری برای دیدار با آقای خمینی به تهران رفته باشد، احتمالاً اسفند ۱۳۵۹.^{۱۲۴} در این صورت تبدیل فتوا – هرچند در مورد آن مدرک کتبی در دست نیست – دو یا سه سال زودتر از سال ۱۳۶۱ یعنی احتمالاً در سال ۱۳۵۸ یا ۱۳۵۹ رخ داده است.

ب. با این که نظر آقای خمینی در تحریر الوسیله و دیگر کتب فتوایی وی در دسترس بوده است، چرا آقای شبیری از آقای خمینی چنین پرسشی کرده است؟ قاعدتاً قضیه تبدیل فتوا به گوش ایشان هم رسیده بوده است، همان زمزمه‌ای که در کتاب استفتائات آقای خمینی هم در ضمن پرسشی مطرح شده است.^{۱۲۵} زمزمه تبدیل فتوای آقای خمینی درباره نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم چگونه با چنین وسعتی حداقل از اواخر دهه پنجاه پخش شده بود؟ منشأ این خبر می‌تواند اعضای خانواده آقای خمینی باشند، پسر، دختران، دامادها، عروس‌ها، نوه‌ها و دیگر اقربا. این مسئله کاملاً مبتلابه‌ی بوده است و قاعدتاً برای نزدیکان آقای خمینی مطرح شده، آن‌ها از ایشان پرسیده و متوجه تبدیل فتوا شده به آن عمل کرده، و به اطلاع دوستان و علاقه‌مندان رسانیده‌اند.^{۱۲۶}

پ. در نقل آقای شبیری از آقای خمینی آمده که فتوای ایشان جواز است، و به جهاتی این فتوا را در تحریر الوسیله نیاورده است. این نقل إشعار می‌دارد که فتوای ایشان در زمان تدوین تحریر الوسیله نیز جواز بوده است و به جهاتی این فتوا را نیاورده است. جلد دوم تحریر الوسیله در نجف ظاهراً قبل از سال ۱۳۴۹ تدوین و ظاهراً اوایل دهه پنجاه در نجف منتشر شده و ویرایش دوم آن نیز – که تا آخر عمر مفتی بلکه هرگز تغییر نکرده – ظاهراً قبل از سال ۱۳۵۷ در نجف منتشر شده است. بنابراین فتوای آقای خمینی از اواخر دهه چهل جواز بوده، اما به جهاتی در ابراز و انتشار این فتوا امتناع می‌کرده است.

ت. دلیل امتناع آقای خمینی از ابراز فتوای جواز نگاه بدون قصد لذت مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم از اواخر دهه چهل چه بوده است؟ آقای شبیری احتمال می‌دهد: «شاید به جهت جلوگیری از سوء استفاده عوامل وابسته به رژیم گذشته در اجرای برنامه‌های فساد بود.» این احتمال می‌تواند صائب باشد، یعنی انگیزه آقای خمینی از عدم ابراز فتوایش و انتشار خلاف آن (احتیاط واجب در عدم جواز) در کلیه کتب فتوایی‌اش حداقل تا ۲۲ بهمن

^{۱۲۳} تاریخ‌ها بر اساس مکان سخنرانی‌ها و پیام‌ها در صحیفه امام جلد ۶ تا ۱۲ تعیین شده است.

^{۱۲۴} در کتاب محضر نور: فهرست دیدارهای امام خمینی (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲) هیچ دیداری برای آقا سید موسی شبیری زنجان به چشم نمی‌خورد. دیداری با مشخصات زیر برای «موسی زنجان» آمده است: ش ۱۶۲۹، زمان دیدار: سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۹، ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱ ق، محل دیدار: تهران، اقامتگاه جماران، نوع دیدار: خصوصی، دیدارکنندگان: آقایان سید کاظم مرعشی، سید مهدی مرعشی، موسی زنجان. (محضر نور، ج ۱، ص ۴۳۳). آیا مراد از موسی زنجان، سید موسی شبیری زنجان است؟ نمی‌دانم. اگر مراد از موسی زنجان آقای شبیری زنجان باشد، تاریخ دیدار مشخص می‌شود، و مکان آن جماران است. اما آیا در روز درسی ایشان به ملاقات رفته است؟! ساده‌ترین راه پرسش از خود ایشان است، که فعلاً برایم میسر نیست. لازم به ذکر است آقای شبیری زنجان در تاریخ ۷ فروردین ۱۳۶۶ پرسشی درباره حکم احتیاط وجوبی آقای خمینی در حاشیه مسئله ۶۷ کتاب خمس العروة الوثقی (درباره اشیا که قبلاً مورد احتیاج شخصی بوده و از حکم خمس ارباح مکاسب استثناء شده بود، ولی فعلاً مورد نیاز نیست) از ایشان پرسیده است که آیا نظر فعلی ایشان همان است؟ (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۳۸-۲۳۷)

^{۱۲۵} خمینی، استفتائات، سؤال ۹۸۲۱، ج ۸، ص ۴۵۸.

^{۱۲۶} اگر کسی مستندی از اقربای آقای خمینی سراغ دارد اطلاع دهد.

۱۳۵۷ احتمال سوء استفاده مخالفان سیاسی‌اش خصوصاً رژیم شاه بوده است.

ث. این احتمال از چند جهت قابل مناقشه است. اولاً اگر آقای خمینی جواز نگاه کردن مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت را حکم خدا (حکم الله ظاهری) می‌دانسته، کتمان آن با چنین احتمالاتی هرگز موجه نیست. ثانیاً به احتمال بسیار قوی، ایشان می‌دانسته که آقای سید محسن حکیم (۱۳۴۹-۱۲۶۷) از طبع نهم منهج الصالحین در سال ۱۳۴۵ قائل به جواز بوده است. ابراز چنین حکمی با وجود چنین پیش‌کسوت مقتدری چه مشکل شرعی داشته است؟ ثالثاً ایشان کتاب مسئله حجاب مطهری را تأیید کرده بود؛ یکی از نکات اصلی کتاب مذکور همین مسئله بوده است. آیا بین آن تأیید و این کتمان تناقض نیست؟!

ج. در ادامه نقل آقای شبیری از آقای خمینی آمده است: «و الآن این جهات [کتمان فتوا] در کار نیست. عرض کردم: این فتوا را از شما نقل کنم؟ فرمود: من این مطلب را می‌نویسم.» توضیح این که بعد از استقرار جمهوری اسلامی جهات کتمان فتوای جواز نگاه کردن - هرچه بوده - منتفی شده است. علی القاعده آقای خمینی می‌بایست با رفع مانع، فتوای جواز خود را که حدود یک دهه پنهان کرده بود، ابراز می‌کرد. تا زمان این گفتگو (ظاهراً سال ۱۳۵۸ در قم یا اواخر سال ۱۳۵۹ در جماران) این مهم صورت نگرفته بود. آقای شبیری اجازه می‌گیرد که این فتوای جدید ایشان را نقل کند. آقای خمینی اجازه نمی‌دهد و می‌گوید خودش فتوای جدید را می‌نویسد. مطابق مدارک موجود که در قسمت‌های قبلی نقل شد، آقای خمینی از حوالی نیمه تابستان سال ۱۳۶۱ فتوای جدید خود را در پاسخ به استفتاها مکتوب کرده است.

د. با این همه آقای خمینی انتشار عمومی فتوای جدید خود را به شکل محدود - در مجله پاسدار اسلام در خرداد ۱۳۶۵ - و تا چهار ماه مانده به وفات برای درج در رساله توضیح المسائلش آن هم نه در قم و تهران - بلکه در مشهد - به تأخیر انداخت. یعنی حتی بعد از انقلاب هم در تجدیدنظر در کتب فتوایی خود تقیه می‌کرده و حداقل عجله‌ای برای درج فتوای جدید در رساله توضیح المسائل خود نداشته است. تحریر الوسیله که هرگز بعد از انقلاب ویرایش نشد و حداقل این فتوا در آن به روز نشد. به نظر می‌رسد آقای خمینی احتمال سوء استفاده از فتوای جواز نگاه را همچنان بسیار قوی می‌دانسته است و دست و دلش به انتشار عمومی فتوای جدید نمی‌رفته است.

جمع‌بندی فصل سوم

یک. از نقل آقای شبیری زنجانی از گفتگویش با آقای خمینی (ابراز شده در آذر ۱۳۷۷، منتشر شده در سال ۱۳۹۳) به دست می‌آید که اولاً فتوای آقای خمینی در زمان تدوین جلد دوم تحریر الوسیله (نیمه دوم دهه چهل) جواز بوده، اما بنا به مصالحی از ابراز آن امتناع می‌کرده است. ثانیاً از زمان این گفتگو (ظاهراً در سال ۱۳۵۸ در قم یا اواخر سال ۱۳۵۹ در جماران) فتوای ایشان جواز بوده است. ثالثاً ایشان دو تا سه سال بعد (حوالی سال ۱۳۶۱) در پاسخ به استفتاهای خصوصی فتوای جدید خود را ابراز کرده است.

دو. آقای خمینی حداقل از مرداد ۱۳۶۱ نگاه بدوی بدون تلذذ و فساد را به صورت و دست‌های زن نامحرم مجاز می‌دانسته است. اما سه ماه بعد (آبان ۱۳۶۱) قید نگاه بدوی در فتاوی بعدی حذف شده است. این فتاوا در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است (سی و یک سال بعد)!

سه. بر اساس مدارک کتبی موجود، آقای خمینی از فتوای متقدم خود حداقل از آبان ۱۳۶۱ دست برداشته است:

«احتیاط واجب آن است که مرد بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند.» فتوای جدید این بوده است: «نگاه مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد تلذذ و فساد مانع ندارد.» قید دوم (فساد) با کلماتی مانند مفسده در کلیه پاسخ‌ها یک‌نواخت است، اما به جای قید اول (قصد تلذذ) از این تعبیر هم استفاده شده است: «خوف فتنه در بین نباشد، عدم ریه، و عدم قصد ریه» تمایز این دو قید حداقل در عمل کار ساده‌ای نیست.

چهار. بر اساس مدارک موجود، در میان پاسخ‌های ایشان به پرسش‌های متعدد از تبدیل فتوای ایشان در مسئله نگاه بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن نامحرم، تنها یک بار به تبدیل فتوا در این زمینه تصریح کرده (بدون تاریخ، احتمالاً حوالی سال ۱۳۶۲) و نوشته دیگر قائل به احتیاط واجب در این مسئله نیست.

پنج. بر اساس مدارک موجود آقای خمینی در درج فتوای جدید (جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت و مفسده) در کتب فتوایی خود به فارسی، حتی بعد از انقلاب، هیچ عجله‌ای نداشته است، اگر نگوییم عمداً انتشار گسترده فتوای جواز را تا می‌شده به تأخیر می‌انداخته است. درج فتوای جدید در رساله توضیح المسائل ایشان چهار ماه قبل از وفات، یعنی در بهمن ۱۳۶۷، در مشهد صورت گرفته است، یعنی بین زمان تبدیل فتوا با انتشار عمومی فتوای جدید حداقل شش تا هشت سال فاصله است. ایشان هرگز فتوای متقدم خود را در تحریر الوسيلة تغییر نداد! ۱۲۷

فصل چهارم. دسته‌بندی فتاوی پوشش و نگاه از اواخر قرن سیزدهم



^{۱۲۷} درباره موضوع این فصل، کتاب زیر هم منتشر شده است: مهدی مهریزی، تحلیل تطور دیدگاه‌های امام خمینی درباره زن، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹، ۱۳۶ صفحه. فصل دوم کتاب به مقایسه مستند دیدگاه‌های آقای خمینی قبل و بعد از انقلاب اختصاص دارد که عبرت‌آموز است.

فتاوی فقهای معاصر درباره پوشش و نگاه در دو مقطع زمانی را در این فصل بررسی می‌کنم: از عروه تا طبع نهم منهاج، و از طبع نهم منهاج به بعد.^{۱۲۸} العروة الوثقی (تدوین در سال ۱۲۸۳) سید یزدی مبدأ تحقیقات این فصل است. منتهای این تحقیق مراجع در حال حیات است. به دلایلی که خواهد آمد، طبع نهم منهاج الصالحین آقای حکیم در سال ۱۳۴۵ نقطه عطف فتاوی نگاه محسوب می‌شود و فتاوی قبل و بعد از آن تفاوت معنی‌داری دارد. بحث اول این فصل از سال ۱۲۸۳ تا سال ۱۳۴۵، یعنی شصت و دو سال را دربرمی‌گیرد. بحث دوم از سال ۱۳۴۵ تا زمان نگارش این تحقیق (سال ۱۴۰۲) را دربرمی‌گیرد، یعنی پنجاه و هفت سال. فتاوی فقهای را پوشش داده‌ام که مرجع تقلید محسوب می‌شوند، یا کتابی در فقه فتوایی یا فقه استدلالی درباره پوشش و نگاه منتشر کرده‌اند. برای این که مناقشه‌ای نباشد این فصل حاوی اهم فتاوی فقهای شیعه در این زمینه است.^{۱۲۹}

بحث یازدهم. از عروه تا طبع نهم منهاج

قلمروی زمانی این بحث از صاحب عروه (۱۲۹۸-۱۲۱۱) آغاز می‌شود و تا سید حسن طباطبایی قمی (۱۳۸۶-۱۲۹۰) را در برمی‌گیرد. حدود چهل فقیه و مرجع تقلید که می‌توان گفت در زمان تألیف کتاب مسئله حجاب مطهری (سال ۱۳۴۷) صاحب رساله عملیه یا حداقل صاحب فتوا بوده‌اند.^{۱۳۰} به مباحث این فقها در فقه استدلالی در این بحث کاری ندارم. صرفاً به دنبال فتاوی آن‌ها در بحث ستر و نظر (پوشش شرعی زنان و نگاه مجاز به ایشان) هستم. پرسش اصلی این بحث این است: در زمان انتشار کتاب مسئله حجاب مطهری، فقها و مراجع تقلید شیعه چه آرائی درباره حدود حجاب شرعی (و به زبان دقیق‌تر ستر و نظر) داشتند؟ در این بحث، نیم‌نگاهی نیز به فتاوی لباس نمازگزار شده است. این بحث شامل دو قسمت به شرح ذیل است: پوشش زن نمازگزار، و پوشش و نگاه در کتاب نکاح.

اول. پوشش زن نمازگزار

موارد اتفاقی پوشش صلاتی زن: یکی وجوب پوشش تمام بدن به استثنای صورت (در حد وضو)، و دست‌ها تا مچ، دیگری عدم وجوب پوشش سر، گردن و موی سر بر دختر نابالغ و کنیز در وقت نماز است. اختلاف فتاوی پوشش صلاتی زن در این دو محور است: یکی حکم پوشش پا (رو و کف) و دیگری احتیاط مستحب در پوشش تمام بدن به استثنای موضع سجود در پیشانی.

دیدگاه اول: روی پا و کف پا ملحق به موارد مستثنی است، پوشش آن در نماز واجب نیست.^{۱۳۱}

^{۱۲۸} فتاوی این فصل صرفاً به مفتیان آن نسبت داده شده است نه به کتاب‌ها که غالباً رساله‌های توضیح المسائل فارسی یا عربی این مفتیان بوده‌اند. متأسفانه اغلب قریب به اتفاق آن‌ها فاقد اطلاعات کتاب‌شناختی از قبیل سال انتشار و محل نشر و ناشر هستند. لذا از خیر درج مکرر بی‌جا، بی‌نا، و بی‌تا گذشتم.

^{۱۲۹} آراء خود و نسل خود از قبیل سید کمال حیدری (متولد ۱۳۳۵)، احمد قابل (۱۳۹۱-۱۳۳۶)، و احمد عابدینی (متولد ۱۳۳۸) را در این تحقیق منعکس نکرده‌ام. بررسی و گزارش تطبیقی آراء آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

^{۱۳۰} دو نفر از فقهای که به رأی آن‌ها اشاره کرده‌ام مرجع تقلید نبوده‌اند، اما صاحب کتاب فقه استدلالی در این زمینه بوده‌اند؛ یکی سید محمد محقق داماد و دیگری محمد مهدی شمس الدین.

^{۱۳۱} این قول آقایان سید صاحب عروه، سید ابوالحسن صاحب وسیله، آقای حکیم در منهاج الصالحین، سید محمدباقر صدر، بهاء‌الدین محلاتی، سید روح‌الله موسوی خمینی، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، و سید عبدالاعلی سبزواری است.

طیف دیدگاه دوم: پنج قول: ۱. پوشش پا در زمان نماز واجب است.^{۱۳۲} ۲. کف پا در زمان نماز باید پوشیده شود. احتیاط (مستحب) در پوشش تمام بدن در نماز است، مگر مقدار واجب از موضع سجود از پیشانی.^{۱۳۳} ۳. احتیاط واجب آن است که کف پا را بپوشاند.^{۱۳۴} ۴. احتیاط مستحب آن است که کف پا را بپوشاند.^{۱۳۵} ۵. پوشش کف پاها تا مچ لازم نیست.^{۱۳۶}

دوم. پوشش و نگاه در کتاب نکاح

فتاوی موجود در این مقطع را به سه طیف می‌توان تقسیم کرد:

طیف اول. وجوب پوشاندن تمام بدن، حتی صورت و دست‌ها، از نامحرم، حتی بدون احتمال تلذذ و ریه، و عدم جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم مطلقاً، حتی بدون تلذذ و ریه، حتی در بار نخست.

سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (۱۳۲۵-۱۲۳۳) در وسیله النجاة: بر زن واجب است تمام بدن خود، حتی صورت و دست‌ها را از نامحرم، حتی بدون احتمال تلذذ و ریه بپوشاند. احوط بلکه اقوای اقوال این است: نگاه کردن به صورت و دست‌های زن مطلقاً - حتی بدون تلذذ و ریه، حتی در بار نخست - مجاز نیست و حرام می‌باشد.

میرزا محمدحسین نائینی (۱۳۱۵-۱۲۳۹) و سید جمال‌الدین گلپایگانی (۱۳۳۷-۱۲۵۶): اقوی منع نظر به وجه و کفین زن نامحرم، حتی بدون تلذذ و ریه، حتی یک بار است. سید جمال‌الدین گلپایگانی: جواز عدم پوشش وجه و کفین منحصر به اطمینان است که به این دو موضع نظر عمدی تلذذی صورت نمی‌گیرد، آن چنان که نوعاً در مورد پیرزنان اتفاق می‌افتد. در غیر این صورت پوشاندن وجه و کفین بر زنان واجب است.

سید ابوالحسن حسینی رفیعی قزوینی (۱۳۵۳-۱۲۶۸): نپوشاندن صورت و دست‌ها جایز نیست، آن‌گاه که عنوان ثانوی مؤدی به فساد عارض شود، مانند دوران ما، در این صورت پوشاندنشان واجب است.

سید محمود حسینی شاهرودی (۱۳۵۳-۱۲۶۲): احتیاط واجب بلکه اقوی آن است که بدون قصد لذت هم به صورت و دست زن نامحرم نگاه نکند.

سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۶۹-۱۲۷۶): احوط بلکه اقوی وجوب پوشاندن صورت و دست‌هاست مطلقاً. اقوی منع نظر به صورت و دست‌هاست مطلقاً.

این طیف صاحب مضیق‌ترین فتاوا در بحث پوشش و نگاه در مقطع مورد نظر است و نتیجه عملی آن وجوب پوشاندن تمام بدن، حتی صورت و دست‌ها، بر زن و عدم جواز نگاه مرد، حتی بدون تلذذ و ریه، به این دو موضع بدن زن است. شش فقیه در این طیف قرار می‌گیرند.

طیف دوم. احتیاط مستحب پوشاندن صورت و دست‌ها بر زن و احتیاط واجب در عدم جواز نگاه مرد نامحرم به

^{۱۳۲} آقای محمدحسین آل کاشف الغطاء.

^{۱۳۳} آقای میرزا محمدتقی شیرازی.

^{۱۳۴} آقایان سید حسین بروجردی، سید محمود حسینی شاهرودی، سید محمدهادی میلانی، سید احمد خوانساری، و سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی.

^{۱۳۵} آقایان سید عبدالهادی شیرازی، سید کاظم شریعتمداری، سید محمد شیرازی، و سید حسن قمی.

^{۱۳۶} آقای حکیم در توضیح المسائل.

این دو موضع.

سید محمدکاظم یزدی (۱۲۹۸-۱۲۱۱) در العروة الوثقی: در مقابل ناظر نامحرم، در صورت عدم تلذذ و ریبه، پوشاندن صورت و دست‌ها بر زن واجب نیست، اما احتیاط مستحب پوشاندن این دو موضع است. نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم به احتیاط واجب حرام است.

میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۹۹-۱۲۲۱): نظر کردن بر وجه و کفین اجنبیه بدون لذت و ریبه حرام نیست در مقام حاجت، و در غیر آن احتیاط شدید به ترک آن است.

سید حسین بروجردی (۱۳۴۰-۱۲۵۴) و فتاوی متقدم سید محسن حکیم (۱۳۴۹-۱۲۶۷): احتیاط مستحب مؤکد پوشش صورت و دست‌های زن در برابر مرد نامحرم است. بنا بر احتیاط واجب، مرد حتی بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند.

سید عبدالهادی حسینی شیرازی (۱۳۴۱-۱۲۶۶): احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند.

سید محمد محقق داماد (۱۳۴۷-۱۲۸۶): احتیاط در نگاه نکردن ترک نشود، مگر در نگاه اول که بدون اختیار صورت می‌گیرد.^{۱۳۷}

شیخ محمدرضا آل یاسین (۱۳۳۰-۱۲۵۹)، سید محمدتقی خوانساری (۱۳۳۱-۱۲۶۷)، سید عبدالله شیرازی (۱۲۷۰-۱۳۶۳)، میرزا هاشم آملی (۱۳۷۱-۱۲۸۳)، سید محمدرضا گلپایگانی (۱۳۷۲-۱۲۷۷)، سید عبدالاعلی سبزواری (متوفی ۱۳۷۲): احتیاط [مستحب] در پوشاندن صورت و دست‌ها از غیرمحرارم مطلقاً ترک نشود. سید محمد حجت کوه‌کمری (۱۳۳۱-۱۲۷۱)، سید ابراهیم حسینی اصطهباناتی (۱۳۳۸-۱۲۵۹)، و سید عبدالله شیرازی (۱۳۶۳-۱۲۷۰): احتیاط واجب در منع نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم، حتی بدون تلذذ و ریبه، ولو یک بار ترک نشود.

محمدکاظم شریعتمداری (۱۳۶۵-۱۲۸۴)، میرزا هاشم آملی (۱۳۷۱-۱۲۸۳)، سید ابوالقاسم خویی (۱۳۷۱-۱۲۷۸)، سید محمد حسینی شیرازی (۱۳۸۰-۱۳۰۷) و سید حسن طباطبایی قمی (۱۳۸۶-۱۲۹۰): احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند.

فتاوی متقدم سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۶۸-۱۲۸۱): احتیاط واجب عدم جواز نگاه کردن به صورت و دست‌ها مطلقاً (حتی بدون تلذذ و ریبه ولو یک بار) می‌باشد، اگرچه جواز خالی از قوت نیست. سید محمدرضا گلپایگانی (۱۳۷۲-۱۲۷۷): احتیاط واجب عدم جواز نگاه کردن به صورت و دست‌ها حتی بدون تلذذ و ریبه ولو یک بار می‌باشد.

سیدمحمدهادی میلانی (۱۳۵۴-۱۲۷۴): احتیاط آن است که بدون قصد لذت هم مخصوصاً اگر زینت کرده باشند به آن‌ها [صورت و دست‌ها] نگاه نکنند. سید محمد حسینی شیرازی (۱۳۸۰-۱۳۰۷): [منع از نظر وقتی است که]

^{۱۳۷} محمد محقق داماد، کتاب الصلاة، تقریر محمد المؤمن القمی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

موضع افتنان باشد یا در وجه و کفین زینت باشد.

سید علی فانی اصفهانی (متوفی ۱۳۶۸): در استثنای [جواز نپوشاندن وجه و کفین] تأمل است. احوط - اگر اقوی نباشد - پوشاندنشان است، خصوصاً در مظان ریه. مراعات این احتیاط [منع نظر مطلقاً] جداً حسن است. سید احمد خوانساری (۱۳۶۳-۱۲۷۰): احتیاط [مستحب] پوشاندن صورت و دست‌ها از نامحرم است مطلقاً [حتی بدون تلذذ و ریه].

بسیست و دو فقیه در این مقطع زمانی در این طیف قرار دارند. تفاوت عملی این طیف در مورد زنان عدم وجوب پوشش صورت و دست‌هاست. اما در مورد مردان، مکلف یا باید به احتیاط واجب در نگاه نکردن به صورت و دست زن عمل کند که عملاً تفاوتی با طیف اول ندارد، یا به فتاوی جواز نگاه کردن عمل کند (در صورتی که مفتی فالاعلم باشد). فتاوی این طیف که اکثر فقیهان این مقطع را تشکیل می‌دهد موسع‌تر از طیف نخست است.

طیف سوم. عدم وجوب پوشاندن صورت و دست‌ها بر زن و جواز نگاه کردن به این دو موضع بدون تلذذ. سید محمد حسینی فیروزآبادی (متوفی ۱۳۰۵) و محمدحسین آل کاشف الغطاء (۱۳۳۳-۱۲۵۶): اقوی جواز نظر به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ و ریه است.^{۱۳۸}

مفهوم طبع نهم منهاج الصالحین سید محسن حکیم (۱۳۴۹-۱۲۶۷): پوشاندن صورت و دست‌ها بر زن در برابر نامحرم واجب نیست. نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ جایز است. موسع‌ترین فتاوا در بحث پوشش و نگاه کردن متعلق به این طیف است. دو فقیه نخست از شهرت فتوایی برخوردار نبوده‌اند. فقیه شاخص این طیف که فتوایش قبل از کتاب مسئله حجاب مطهری منتشر شده، آقای حکیم در طبع نهم منهاج الصالحین (۱۳۴۵) است.^{۱۳۹}

بحث دوازدهم. از طبع نهم منهاج به بعد

آقای حکیم در سال ۱۳۴۵ در طبع نهم منهاج الصالحین قائل به جواز نگاه بدون تلذذ به صورت و دست‌های زن نامحرم شد. این فتوا نقطه عطفی در بحث پوشش و نظر محسوب می‌شود. پس از آن، فتاوی پوشش و نظر به شکل معنی‌داری تغییر کرده‌اند. در این بحث فتاوی پوشش و نگاه در کتاب زناشویی را در دسته‌های ذیل تقسیم‌بندی و قائلان‌شان را معرفی می‌کنم. لازم به ذکر است که تمام فقها در بحث نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ اظهار نظر کرده‌اند اما بحث پوشش این مواضع کمتر مورد بحث بسیاری از ایشان قرار گرفته است. این تحقیق فتاوی بیست و هشت فقیه را دربرمی‌گیرد (پانزده فقیه متوفی و سیزده فقیه در قید حیات). این بحث شامل دو قسمت است: حکم پوشش صورت و دست‌های زن در برابر ناظر نامحرم بدون تلذذ، و حکم نگاه

^{۱۳۸} سید محمد حسینی فیروزآبادی: ذیل قول السید: «استثنی جماعه الوجه والكفین فقالوا بالجواز»، قال: «این اقوی است.» (العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۳۱، ج ۱۵، ص ۱۹۰)؛ و محمدحسین آل کاشف الغطاء: ذیل قول السید: «والاحوط المنع مطلقاً»، قال: «لکن اقوی جواز أنظر به وجه و کفین» است با عدم ریه مطلقاً. (العروة الوثقی والتعلیقات علیها، کتاب النکاح، فصل فی فضله وآداب، مسئله ۳۱، ج ۱۵، ص ۱۹۱).

^{۱۳۹} بهاء‌الدین محلاتی (۱۳۶۰-۱۲۷۵) را هم شاید بتوان از فقهای این طیف دانست: «از نگاه کردن عادی و بدون هیچ شائبه‌ای هم به صورت و دست‌ها بنا بر احتیاط مستحب خودداری کند.»

به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ.

اول. حکم پوشش صورت و دست‌های زن در برابر ناظر نامحرم بدون تلذذ

فتاوی این حکم در چهار قول قابل دسته‌بندی است.

قول اول: احتیاط در پوشاندن صورت و دست‌ها مطلقاً (حتی در صورت عدم تلذذ)

«این احتیاط ترک نشود.» محمدعلی اراکی (۱۳۷۳-۱۲۷۳)، محمدامین زین الدین (متوفی ۱۳۷۷)، سید محمد موسوی مفتی الشیعه (۱۳۸۹-۱۳۰۷)

قول دوم: جواز نپوشاندن مگر با ترس از وقوع در حرام یا با انگیزه انداختن مرد به نگاه حرام که در این دو صورت نپوشاندن صورت و دست‌ها حرام است. سید علی سیستانی (متولد ۱۳۰۹)

قول سوم: جواز نپوشاندن صورت و دست‌ها، سید محسن حکیم (۱۳۴۹-۱۲۶۷) از ۱۳۴۵. نپوشاندن صورت و دست‌ها و پاها جایز است. محمد مهدی شمس الدین^{۱۴۰} (۱۳۷۹-۱۳۱۲)

قول چهارم: زن می‌تواند دست‌ها و صورت خود را از مرد محرم و نامحرم نپوشاند، ولی باید موی سر و دیگر اندام بدنش را از نامحرم بپوشاند، حتی پاهایش را بنابر احتیاط واجب. زنی که در ازدواج و زناشوئی به او رغبت نمی‌شود، می‌تواند سر و بازوهایش را باز گذارد، اگرچه بهتر است آن‌ها را بپوشاند. محمد سعید حکیم (۱۴۰۰-۱۳۱۴) به نظر می‌رسد قول سوم در میان فقهای این مقطع قائلین بیشتری دارد.

دوم: حکم نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون تلذذ

فتاوی این حکم در پنج قول قابل دسته‌بندی است.

قول اول. عدم جواز (حرمت نگاه کردن)

لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۴۰۰-۱۲۹۷): نگاه کردن به صورت و دست آنان اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه حرام بودن نگاه به آن‌ها بدون قصد لذت هم خالی از قوت نیست. احوط عدم جواز نگاه به صورت و دست‌هاست مطلقاً. بشیر حسین نجفی (متولد ۱۳۲۱): نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم حتی بدون تلذذ جایز نیست.

قول دوم. عدم جواز (حرمت) نگاه به احتیاط واجب

سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۶۸-۱۲۸۱) تا سال ۱۳۶۷ در رساله توضیح المسائل: «مسئله ۲۴۳۳ رساله توضیح المسائل: نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم - چه با قصد لذت باشد و چه بدون آن - حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر با قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند و نیز نگاه کردن زن به بدن نامحرم حرام می‌باشد.»^{۱۴۱} «عمل به احتیاط [واجب] مزبور را فعلاً واجب نمی‌دانم.»

۱۴۲

^{۱۴۰} محمد مهدی شمس الدین، مسائل حرجه فی فقه المرأة، الكتاب الاول: الستر والنظر، بیروت: مؤسسه المنار، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲۶.

^{۱۴۱} رساله‌های توضیح المسائل ایشان قبل از سال ۱۳۶۷ و کلیه کتب فتوایی عربی تا آخر.

^{۱۴۲} خمینی، استفتانات، ۱۳۹۲، سؤال ۹۸۶۹ [فاقد تاریخ، احتمالاً حوالی ۱۳۶۲]، ج ۸، ص ۴۷۹-۴۷۸.

سید محمد روحانی (۱۳۷۶-۱۲۹۸) و میرزا جواد تبریزی (۱۳۸۵-۱۳۰۵): احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به صورت و دست‌های زنان نگاه نکند. محمدامین زین الدین (متوفی ۱۳۷۷): این احتیاط واجب ترک نشود. محمداسحاق فیاض (متولد ۱۳۰۹): نگاه کردن به غیر از صورت و پنجه‌های دست زن‌های اجنبی (نامحرم) که بی‌مبالات نیستند، حرام است و بنابر احتیاط واجب نگاه کردن به صورت و پنجه‌های دست آن‌ها نیز حرام است.

قول سوم. اشکال در جواز نگاه مگر در موارد ضرورت

حسینعلی منتظری نجف‌آبادی (۱۳۸۸-۱۳۰۱): نگاه کردن به دست و صورت نامحرم بدون قصد لذت و ترس نیز محل اشکال است، مگر در موارد ضرورت که اشکال ندارد. اسدالله بیات زنجانی (م ۱۳۲۰): احتیاط لازم آن است که در نگاه کردن به دست و صورت زن نامحرم در صورت عدم قصد لذت و عدم خوف وقوع حرام، به مقدار ضرورت اکتفا شود.

قول چهارم. عدم جواز نگاه به احتیاط مستحب

حسین وحید خراسانی (م ۱۲۹۹): احتیاط مستحب آن است که به صورت و دست‌ها تا میج - هر چند بدون قصد لذت و ترس وقوع در حرام - نگاه نکند. (به شرط این‌که از وقوع در حرام نترسد، [وگرنه نگاه مجاز نیست])؛ سید موسی شبیری زنجانی (م ۱۳۰۶): نگاه کردن به صورت و دست‌ها تا میج اگر به قصد لذت باشد یا بترسد به حرام بیفتد حرام است و احتیاط مستحب آن است که بدون این دو هم به آن‌ها نگاه نکند. سید علی سیستانی (م ۱۳۰۹): نگاه کردن به صورت آنان و دست‌هایشان تا میج، اگر با شهوت یا با ترس از وقوع در حرام باشد، حرام است، بلکه احتیاط مستحب آن است که بدون شهوت و ترس از وقوع در حرام هم به آن‌ها نگاه نکند. سید صادق شیرازی (م ۱۳۲۰): نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر با لذت باشد بنا بر احتیاط واجب حرام است، و بنا بر احتیاط مستحب بدون لذت نیز به آن نگاه نکند.

قول پنجم. جواز نگاه به صورت و دست‌ها

«نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد.» سید محسن حکیم (۱۳۴۹-۱۲۶۷) از ۱۳۴۵، سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۶۸-۱۲۸۱) از ۱۳۶۵ در استفتائات (منتشر شده در یک مجله) و از ۱۳۶۷ در توضیح المسائل، محمدعلی اراکی (۱۳۷۳-۱۲۷۳)، محمد فاضل لنکرانی (۱۳۸۶-۱۳۱۳)، محمدتقی بهجت (۱۳۸۸-۱۲۹۵)، سید محمدحسین فضل‌الله (۱۳۸۹-۱۳۱۴)، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۹۵-۱۳۰۵)، یوسف صانعی (۱۳۹۹-۱۳۱۶)، محمدسعید حکیم (۱۴۰۰-۱۳۱۴)، سید محمدصادق روحانی (۱۴۰۱-۱۳۰۵)، حسین نوری همدانی (م ۱۳۰۴)، ناصر مکارم شیرازی (م ۱۳۰۵)، جعفر سبحانی (م ۱۳۰۸)، عبدالله جوادی آملی (م ۱۳۱۲)، سید علی محمد دستغیب شیرازی (م ۱۳۱۳).^{۱۴۳} محمد مهدی شمس الدین (۱۳۷۹-۱۳۱۲): «نگاه کردن به صورت و دست‌ها و پاها بدون تلذذ جایز است.»^{۱۴۴} شمس الدین علاوه بر نگاه به صورت

^{۱۴۳} از سید علی خامنه‌ای (م ۱۳۱۸) دومین رهبری جمهوری اسلامی ایران همین فتوا منتشر شده است، که سازگار با فتاوی متأخر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است.

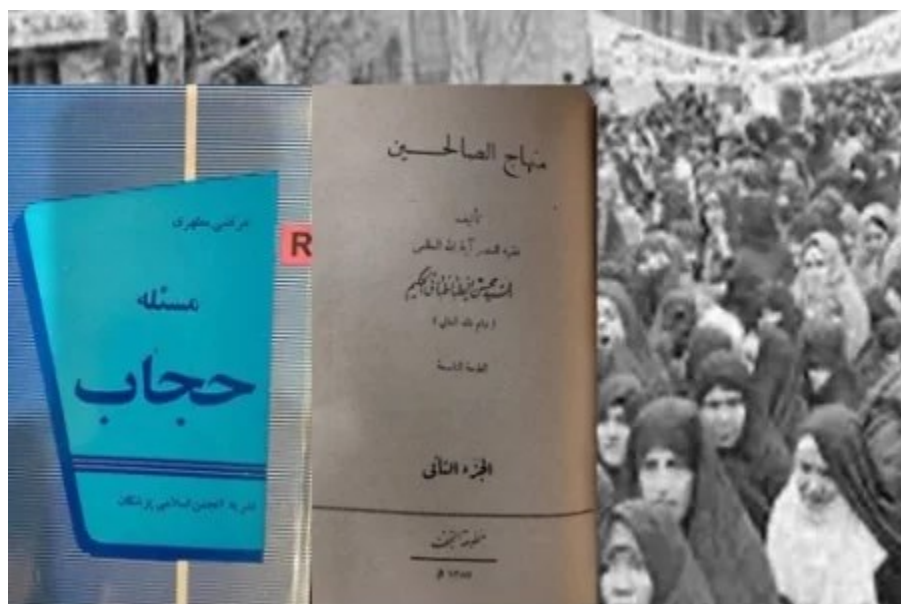
^{۱۴۴} شمس الدین، مسائل حرجه فی فقه المرأة، الكتاب الاول: الستر والنظر، ص ۲۲۶.

و دست‌ها، نگاه به پاها را نیز مجاز دانسته است.

قول اول که مضیق‌ترین اقوال پنج‌گانه است، یعنی حرمت نگاه به صورت و دست‌ها، در این مقطع دو قائل دارد. قول دوم حرمت نگاه به احتیاط واجب پنج قائل دارد. قول سوم، یعنی اشکال در جواز نگاه مگر در موارد ضرورت، دو قائل دارد. قول چهارم، یعنی عدم جواز نگاه به احتیاط مستحب، چهار قائل دارد. بالأخره قول پنجم، یعنی جواز نگاه که موسع‌ترین اقوال پنج‌گانه است، شانزده قائل (بیش از نیمی از فقهای این مقطع) دارد.

نتیجه فصل چهارم: اگر مقطع ۱۳۴۵-۱۲۸۳ را با مقطع بعد ۱۴۰۲-۱۳۴۵ مقایسه کنیم، مشخص می‌شود که حرمت نگاه (طیف اول در مقطع نخست و قول اول در مقطع دوم) به یک سوم کاهش یافته، حرمت نگاه به احتیاط واجب (طیف دوم در مقطع اول و اقوال دوم و سوم در مقطع دوم) نیز به حدود یک سوم کاهش یافته، در عوض جواز نگاه (طیف سوم در مقطع نخست و اقوال چهارم و پنجم در مقطع دوم) شش تا هفت برابر شده است! به شکل شفاف، ما با یک تبدیل جدی گفتمان مواجه هستیم. با توجه به کندی تغییرات فقهی حقوقی، تبدیل گفتمان حرمت به جواز در یک قرن با این شتاب پدیده بسیار قابل توجهی است.

فصل پنجم. عوامل سه‌گانه تحول گفتمان حجاب



این فصل در حکم جمع‌بندی چهار فصل قبلی است و یک بحث بیشتر ندارد.

بحث سیزدهم. عوامل سه‌گانه تبدیل گفتمان حجاب

از نیمه دوم دههٔ چهل، فتاوی «جواز نگاه مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد تلذذ» به تدریج به گفتمان مسلط در فقه شیعه تبدیل شده است. حداقل سه عامل می‌تواند در این تغییر گفتمان مؤثر بوده باشد: فتاوی متأخر آقای سید محسن حکیم در طبع نهم منهاج الصالحین در سال ۱۳۴۵، انتشار کتاب مسئله حجاب

مرتضی مطهری در اسفند ۱۳۴۷ و خصوصاً ویرایش دوم آن در مهر ۱۳۴۸، و استقرار جمهوری اسلامی در ایران از بهمن ۱۳۵۷.

الف. به لحاظ فقهی، تبدل فتوای آقای حکیم در سال ۱۳۴۵ بیشترین تأثیر را در تغییر این گفتمان در بین فقها و مراجع داشته است. در فصل قبل، اقوال مختلف در این مسئله قبل و بعد از این فتوا بررسی شد. تفاوت معنی‌دار این دو مقطع قابل اغماض نیست. آقای حکیم مرجع اول تقلید جهان تشیع بعد از آقای بروجردی (و آقا سید عبدالهادی شیرازی) بوده است و فتوای ایشان به جواز، حجت عملی برای فقیهانی بوده است که ادله مسئله بر جواز را تمام می‌یافتند و تنها مانع احتیاط و سیطره گفتمان عدم جواز بود. با خط‌شکنی آقای حکیم، این مانع تا حدود زیادی در هم شکسته شد. آقای حکیم در چندین مسئله در میان مراجع متأخر آراء متفاوت فقهی داشته است: از جمله مسئله طهارت کتابی (که یک سال قبل از وفات ایشان صادر شد)،^{۱۴۵} و نفی مطلق ولایت فقیه (یعنی انکار ولایت مطلقه، ولایت عامه و حتی ولایت در امور حسبیه).^{۱۴۶} مسئله جواز نظر به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت سومین رأی فقهی مشهور متفاوت این فقیه بصیر است.

ب. مرتضی مطهری در چاپ دوم کتاب مسئله حجاب در سال ۱۳۴۸ چنین نوشته است: «اما فقه‌های متأخر و معاصر غالباً در این دو مسأله [پوشش صورت و دست‌ها و نگاه به آن‌ها] از اظهار نظر صریح در رساله‌های عملیه خودداری کرده‌اند و معمولاً طریق احتیاط می‌پویند. در میان علمای متأخر و معاصر، حضرت آیه‌الله حکیم (دامت برکاته) در رساله منهج الصالحین چاپ نهم، کتاب النکاح، مسئله سوم، فتوای صریح دارند و وجه و کفین را صریحاً استثنا می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «جایز است نظر به کسی که قصد تزویج او را دارد. همچنین جایز است نظر به زنان اهل ذمه - به شرط عدم تلذذ - و همچنین زنان بی‌پروا که نهی آن‌ها اثر ندارد - به شرط عدم تلذذ - و همچنین زنانی که به وجهی محرم می‌باشند. و نظر به غیر این‌ها حرام است مگر بر چهره و دو دست تا مچ، آن‌هم به شرط عدم تلذذ.»^{۱۴۷} این عبارت در چاپ اول کتاب مسئله حجاب نبوده است.^{۱۴۸}

آن‌چنان که گذشت، مفهوم جمله آخر منقول از منهج الصالحین جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت بوده است. آن‌چنان که مکرراً گفته‌ام، پیام اصلی کتاب «مسئله حجاب» مطهری سه چیز بوده است: اول پوشاندن صورت و دست زن تا مچ نه واجب است نه احتیاط واجب. دوم نگاه بدون قصد لذت مرد نامحرم به صورت و دست‌های زن تا مچ جایز است. سوم زن مسلمان با رعایت پوشش مذکور و عدم اختلاط با مردان مجاز به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی است. مطهری قبل از اطلاع از فتوای متأخر آقای حکیم کتابش را نوشته است، اما این فتوا که در چاپ دوم باعث افزودن یک فصل به کتاب شده، قوت فقهی آن را، خصوصاً در میان خوانندگان

^{۱۴۵} بنگرید به محمدابراهیم جناتی، طهارة الکتابی فی فتوی السید الحکیم، نجف: مطبعة القضاء، ۱۳۹۰ ق [۱۳۴۹ ش]، ۷۲ صفحه.

^{۱۴۶} محسن کدیور، منکر ولایت فقیه حتی در امور حسبیه، یادبود چهل و ششمین سالگرد درگذشت آقای سید محسن طباطبایی حکیم، ۱۲ خرداد ۱۳۹۵.

^{۱۴۷} مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲۸.

^{۱۴۸} مطهری در مقدمه چاپ دوم به این اضافه تصریح کرده است: «فصل فتواها نیز که در چاپ اول خیلی به اختصار برگزار شده بود در این چاپ تکمیل شد و آن را نیز در حقیقت یک فصل اضافی باید شمرد.» (مقدمه چاپ دوم مسئله حجاب، ۱۳۴۸، ص هشت)

متدین دوچندان کرد. از میان سه پیام مطهری، پیام سوم پیام اصلی بود و دو پیام نخست مقدمات لازم پیام اصلی محسوب می‌شد.

طبقه تحصیل کرده، خصوصاً دختران جوان دانشگاهی و دبیرستانی و بانوان متدین شهرنشین، بیش از آن که از فتاوی مراجعی چون آقای حکیم متأثر شوند، تحت تأثیر استدلال‌های مطهری و صورت‌بندی کتاب او قرار گرفتند. مسئله حجاب مطهری در میان خانواده‌های متدین شهرنشین قبل از انقلاب عامل اصلی تغییر گفتمان و تغییر عمل بوده است. دختران تحصیل کرده دبیرستانی و دانشگاهی و زنان متدین با رعایت موازین شرعی با برداشت مطهری و کتابش عضو حذف ناشدنی جامعه شده‌اند.

ج. مطهری سه ماه بعد از پیروزی انقلاب توسط سازمان تروریستی فرقان کشته شد. جمهوری اسلامی با گفتمان مطهری و شریعتی زنان را متقاعد کرده است. آقای خمینی خصوصاً در روایت و عملش در پاریس، از این گفتمان حمایت کرده است. وقتی او پذیرفته که زنان و دختران جوان یکی از ارکان تظاهرات انقلابی باشند، در فعالیت‌های انقلابی از قبیل جهاد سازندگی در شهر و روستا پابه‌پای مردان فعالیت کنند، در ادارات، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها همراه با مردان حضور غیر قابل حذف داشته باشند، این حضور اجتماعی تجدید نظر در فتاوی پوشش و نگاه را می‌طلبد؛ حداقل آن‌چنان که مطهری در کتاب مسئله حجاب طراحی کرده بود. آقای خمینی مشکلی با جواز نپوشاندن صورت و دست‌های زن نداشت. در همه کتب فتوایی عربی و فارسی خود قائل به جواز کشف بود.

آقای خمینی با حضور اجتماعی زن - با رعایت موازین شرعی - در حدی که مطهری در کتابش ترسیم کرده بود هم هیچ مشکلی نداشت و فتوایی بر خلاف آن، حداقل از اوایل دهه پنجاه به بعد، از او صادر نشده بود.^{۱۴۹} مشکل اصلی آقای خمینی پیام دوم کتاب مطهری بود: «نگاه بدون قصد لذت مرد نامحرم به صورت و دست‌های زن تا مچ جایز است.» فتاوی آقای خمینی در کلیه کتب فتوایی عربی و فارسی‌اش این بود: «احتیاط واجب آن است که مرد بدون قصد لذت هم به صورت و دست‌های زن نامحرم نگاه نکند.» با چنین رأی فقهی، جواز حضور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زن - بدون تعارف - منتفی بود. آقای خمینی به‌خوبی متوجه این تعارض بود و مصلحت نظام

^{۱۴۹} گفتمان غالب در اول دهه چهل بر مراجع تقلید و فقه‌های شیعه را می‌توان در اعلامیه مشهور نه امضایی مشاهده کرد: «چون دولت آقای [اسدالله] علم با شتاب‌زدگی عجیبی بدون تفکر در اصول قانون اساسی و در لوازم مطالبی که اظهار کرده‌اند، زن‌ها را در انتخاب شدن و انتخاب کردن به صورت تصویب‌نامه حق دخالت داده، لازم شد به ملت مسلمان تذکراتی داده شود تا بدانند مسلمین ایران در چه شرایطی و با چه دولت‌هایی ادامه زندگی می‌دهند. ... ورود زن‌ها در مجلس مستلزم محرمات کثیره است و مخالف شرع مطاع است، بنابراین این تصویب‌نامه با اصل دوم و اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی نیز مخالف است و مفسد است که از ورود زن‌ها در جامعه و اختلاف [اختلاط] بین زن و مرد رخ می‌دهد واضح است. ... روحانیت ملاحظه می‌کند که دولت، مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده و در کنفرانس‌ها اجازه می‌دهد که گفته شود قدم‌هایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده، در صورتی که هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل این‌ها که جزء احکام ضروری اسلام است معتقد باشد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است. [منکر ضروری مرتد محسوب می‌شود و حکم مرد مرتد مرگ است.] امضاکنندگان: مرتضی حسینی لنگرودی، محمدحسین طباطبایی، احمد حسینی زنجانی، محمد موسوی یزدی [محقق داماد]، محمدرضا موسوی گلپایگانی، محمدکاظم شریعتمداری، روح‌الله موسوی خمینی، میرزا هاشم آملی، و مرتضی حائری یزدی. (اسناد انقلاب اسلامی: اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات عظام و مراجع تقلید، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۶۹-۶۳). متن این اعلامیه تاریخی به قلم آقای خمینی است. (خاطرات مستند سیدهادی خسروشاهی درباره علامه طباطبایی، قم، کلبه شروق، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷).

را در جواز نگاه - با شرایط مذکور - می‌دانست، لذا عمل او پس از انقلاب کاملاً سازگار با فتاوی جواز است. در دوران زعامت او هیچ قانونی از مجلس و دیگر مراجع شبه قانونی قانون‌گذاری بر خلاف این فتوا نگذشته است، و هیچ اقدامی در دانشگاه‌ها و مراکز دولتی بر خلاف این فتوا انجام نشده است.

اما به لحاظ نظری، آقای خمینی با کراهت تمام فتوایش درباره نگاه بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن نامحرم را تغییر داده، و در حدی که می‌توانسته در انتشار عمومی آن تعلل کرده است. از گفتگوی ایشان با آقای شبیری زنجانی (حوالی سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۸) برمی‌آید که فتوای وی در زمان تدوین تحریرالوسیله جواز بوده اما بنا به مصالحی خلاف آن را در کتابش آورده است. پس از انقلاب، آن مصلحت منتفی شده است. اما از سال ۱۳۶۱ در پاسخ به استفتاهای خصوصی فتوای جدیدش را ابراز کرده است. یکی از این پاسخ‌های خصوصی در خرداد ۱۳۶۵ در مجله پاسدار اسلام منتشر شده است. انتشار دیگر پاسخ‌ها به استفتاها بر اساس فتوای جدید تا سال ۱۳۸۱ و بیشتر آن‌ها تا سال ۱۳۹۲ به تأخیر افتاده است. رساله توضیح المسائل ایشان چهار ماه قبل از وفات، در بهمن ۱۳۶۷، در مشهد با تجدید نظر در مسئله ۲۴۳۳ منتشر شد.

نظر آقای خمینی برای به تأخیر انداختن اعلام تبدل فتوایش در مسئله نگاه به زن نامحرم هرچه بوده باشد، می‌توان گفت تأسیس جمهوری اسلامی و ورود گسترده دختران و زنان به عرصه اجتماعی و آموزشی عامل اصلی تغییر گفتمان فقه شیعه، چه در آقای خمینی، چه در اکثریت فقهای شیعه بوده است. یعنی تبدل فتوای آقای حکیم و کتاب مطهری عوامل ثانوی در این مقطع محسوب می‌شوند و عامل اصلی تغییر گفتمان، فشار اجتماعی خود زنان خصوصاً دختران جوان در خانواده‌ها و بطن اجتماع بوده است. این فصل استعداد تفصیل بیشتر دارد. به دلیل قلت وقت به همین مقدار اکتفا می‌کنم.

جمع‌بندی بخش ششم:

۱. تبدل فتوای آقای سید محسن حکیم، مرجع اول جهان تشیع، در سال ۱۳۴۵ (چهار سال قبل از وفات) در طبع نهم کتاب فتاوی منهج الصالحین در نجف در جواز نگاه به صورت و دست‌های زن نامحرم بدون قصد لذت، جرقه اصلی تبدیل گفتمان حجاب در حوزه‌های شیعه و در بین فقها و مراجع بعدی بود.

۲. کتاب مسئله حجاب مرتضی مطهری در اسفند ۱۳۴۷ و خصوصاً ویرایش دوم آن در مهر ۱۳۴۸ در میان خانواده‌های متدین شهرنشین قبل از انقلاب، عامل اصلی تغییر گفتمان و تغییر عمل بوده است. این کتاب دو پیام مقدماتی و یک پیام اصلی داشت: پوشاندن صورت و دست زن نه واجب است نه احتیاط واجب. دوم نگاه بدون قصد لذت مرد نامحرم به صورت و دست‌های زن جایز است. پیام اصلی: زن مسلمان با رعایت موازین مذکور و عدم اختلاط با مردان مجاز به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی است.

۳. تأسیس جمهوری اسلامی و ورود گسترده دختران و زنان به عرصه اجتماعی و آموزشی عامل اصلی تغییر گفتمان فقه شیعه چه در آقای خمینی، چه در اکثریت فقهای شیعه بوده است. بانوان با فشار اجتماعی به خانواده‌ها و بطن اجتماع باعث چنین تغییر شگرفی در ذهنیت فقها شدند.

۴. آقای خمینی اگرچه در مسئله پوشش و حضور اجتماعی زنان مشکلی نداشت، اما رأی فقهی او در مورد نگاه به صورت و دست‌های زن تا دهه شصت احتیاط واجب در عدم جواز بود. این رأی فقهی مدت‌ها بود عوض شده بود،

اما ایشان هیچ عجله‌ای برای انتشار عمومی آن نداشت. رساله توضیح المسائل ایشان با رأی فقهی جدید چهار ماه قبل از وفات ایشان در بهمن ۱۳۶۷ در مشهد منتشر شد و تحریرالوسیله هم هرگز اصلاح نشد.

۱۰ آذر ۱۴۰۲

قسمت بعدی (آخر): «مسئله حجاب» در بوتۀ نقد "بهزودی



kadivar.com

<https://kadivar.com/21039/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.